

برولترهای جهان متحد شوید!



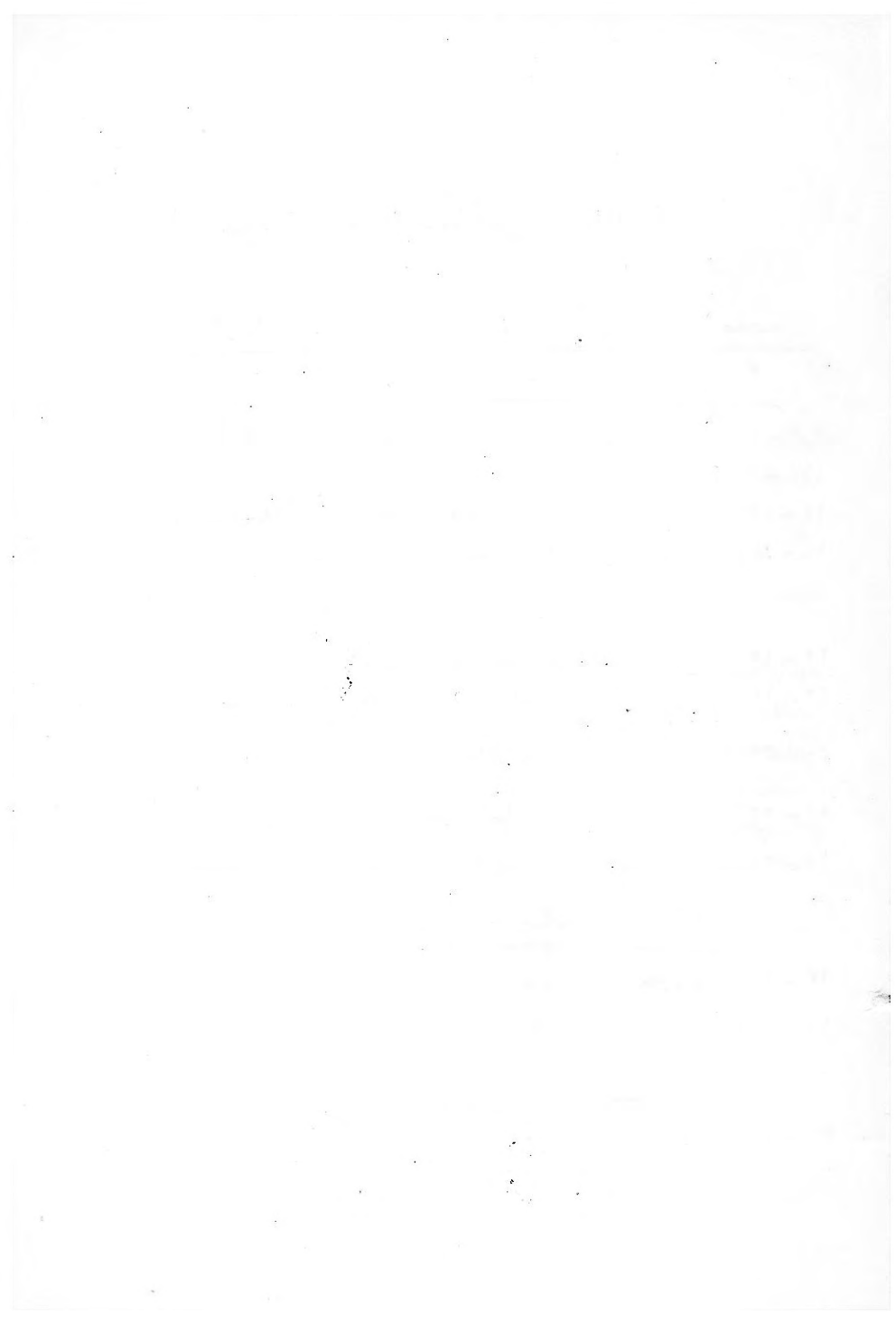
مسائل بین‌المللی

۶

بهمن - اسفند
سال ۱۳۶۰

فهرست مقالات این شماره :

| صفحه | عنوان | نویسندگان مقاله ها |
|---------|---------------------------------------|----------------------|
| ۳ | موضوع عمده سال : | - |
| ۴ - ۷ | واقع بینی ، خوش بینی ، پایداری | رومن چاندر |
| ۸ - ۱۰ | پدیده سالهای هشتاد | فریدا براون |
| ۱۱ - ۱۲ | اراده زحمتکشان | ابراهیم زکریا |
| ۱۳ - ۱۴ | همه پرسى در سراسر کره زمین | کاروی توت |
| | <u>نیروهای صلح علیه سیاست جنگ :</u> | |
| ۱۵ - ۲۲ | دکترین خطرناک سلطه بر جهان | گس هال |
| ۲۳ - ۳۵ | ریشه های عمیق اعتراضات ضد جنگ | یورگن ینسن |
| ۳۶ - ۵۰ | مرحله کونی جنبش آزاد پیخش ملی | خالد بگد اش |
| ۵۱ - ۵۸ | دو خط مشی در آسیا | مانگالین دوگرسور ه ن |
| ۵۹ - ۶۰ | یک کلاغ چهل کلاغ | جیمس اووست |
| | <u>علیه تضییق و فشار و بیگردد :</u> | |
| ۶۱ - ۶۳ | به لجام گسیختگی باید پایان داده شود | کوکروان |
| ۶۴ - ۶۵ | به ترور در کلمبیا باید پایان داد | رائول وال بوانا |
| | تبلیغات امپریالیستی : وسائل و مکانیسم | - |
| ۶۶ - ۷۱ | و هدف های آن | |



موضوع عهده سال

اگر کوششی برای تجسم زندگی سیاره ما در سال ۱۹۸۱ که به پایان خود نزدیک میشود بعمل آید، منظره بسیار متنوع و چند بعدی حاصل میگردد. طی این سال هر خاتواده و هر انسانی بشکل ویژه خود کار کرده و شادمان و غمگین شده و با امیدها و نقشه های خود زیسته است. ولی اندیشه های اضطراب آمیز که برای تمام خلقها عمومیت داشت، تمام اعمال و نگرانی های گوناگون انسانها را تحت الشعاع قرار میداد و آن وظیفه مشترک بسیار مبرم و فوق العاده دشوار حفظ صلح و دفاع از آن بود.

در سالی که به پایان میرسد، مبارزه علیه خطر جنگ حتی یک روز و یک ساعت هم ارزش و اهمیت خود را از دست نداد (همانطور که در آینده در سالی هم که فرامیرسد از دست نخواهد داد). این مبارزه در قرن ما با حدت و فوریت واحدی (که فعلاً هنوز همیشه درک و تفهیم نمیشود) در برابر اروپائی ها و سکنه هردو آمریکا، در برابر افریقائی ها و ساکنان آسیا و استرالیا قرار گرفته است. در مجده "مسائل صلح و سوسیالیسم" اظهارات شخصیت های برجسته حزبی، دولتی و اجتماعی و دانشمندان به این مبارزه اختصاص داده شد. در آستانه سال ۱۹۸۲ شورای هیئت تحریریه مجله ازبرخی از رهبران سازمان های دموکراتیک بین المللی خواست که به پرسش های زیر پاسخ بدهند:

— در سالی که به پایان میرسد چه چیزی برای تغییر و تحولات اوضاع بین المللی بویژه مشخص کننده بوده است؟

— در سالی که فرامیرسد، برای آنکه صلح را حفظ نموده و استحکام بخشیم چه باید کرد؟ پاسخ های رسیده را در زیر درج میکنیم.

واقع بینی ، خوش بینی ، پایداری

رومش چاند را

صد رهیت رعیه شورای جهانی

صلح

تغییر شدید و خطرناک مشی سیاست خارجی عمده ترین کشور امریالیستی یعنی ایالات
متحدۀ امریکا در سالی که پایان میرسد واقعیتی قطعی است . مسابقه تسلیحاتی بمقیاس وسیع ،
افزایش بیسابقه هزینه های نظامی ، امتناع از اصول و توافق هائی که اساس کاهش تشنج را تشکیل
میداد ، آنتی سویتسیم و آنتی کمونیسیم جنگ طلب و احیای اصول و خلق و خسوی دوران " جنگ سرد "
از مشخصات خط مشی دولت ریگان است . هملیات راهزنانه در عرصه بین المللی و اظهارات آشکار
در باره آما دگی برای توسل بزور و از جمله استفاده از سلاح هسته ای راهم باید بد آنها افزود . هدف
از این اقدامات تامین امکان اعمال نظرو تحمیل اراده به خلقهای جهان برای امریالیسم امریکا
است تا بتواند بدون مجازات بر آنها ستم روا دارد و ثروت های دیگران را سبعا نه مورد بهره برداری
قرار دهد .

جریان پیشرفت اوضاع را بخاطر بیاوریم :

— در ماه ژانویه ره ریگان بروشنی تصریح میکند که قصد دارد از سیاست توسل بزور بیروی
کند .

— کاخ سفید تصمیم میگردد بمب نوترونی ، موشک های " MX " ، هواپیما های بمب افکن
" B-I " وزیرد ریائی های " ترایدنت " تولید کند . وزیر امور خارجه ایالات متحدۀ امریکا
اعلام میدارد که چیزهای مهمتری از صلح وجود دارد .

— واشنگتن در کترین نظامی تازه ای اعلام میکند که طبق آن ایالات متحدۀ امریکا با متحدین آن
باید قادر باشند در زمان واحد در و جنگ بزرگ شرکت ورزند .

— ایالات متحدۀ امریکا در خالت در امور کشورهای امریکای لاتین و حوضه دریای کارائیب را

تشدید میکند ، از سلاح های باکتریولوژیک علیه کوبا استفاده میکند ، به خونتای خیانتکار در ساوادر مستقیماً کمک نظامی می‌رساند و علیه لیبی به تحریکات نظامی دست می‌زند و واشنگتن بکمک پاکستان و چین به جنگ اعلام نشده علیه افغانستان ادامه می‌دهد . حضور نظامی امریکاد رخا ورنزدیک ، اقیانوس هند و خلیج فارس که خطر مداخله نظامی را در بر دارد افزایش می‌یابد . امریالیسم امریکاد رخاورد ورمیلیتاریسم ژاپن را احیاء میکند و

پنتاگن و ناتو با سماجت می‌کوشند اروپا یعنی قاره ای را که سیاست کاهش تشنج در آنجا با بصره وجود نهاد و با بزرگترین موفقیت ها رو برو گردید به گروگان هسته ای واشنگتن و صحنه مطایات نظامی ممکن مبدل سازند .

این فهرست رامیتوان با زهم ادامه داد . نیروهای ارتجاع و جنگ در مناطق مختلف جهان که پشتیبانی فعال نیرومند ترین کشور امریالیستی جهان را احساس میکنند به فعالیت خود افزود ه اند . بدون این پشتیبانی تحریکات در لیبی و حملات راهزانه نیروی هوایی اسرائیل علیه عراق و تجاوز جمهوری افریقای جنوبی به آنگولا غیر ممکن بود .

کوتاه سخن ، بزحمت روی کره زمین میتوان منطقه ای رایافت که خط مشی نظامی - سیاسی ایالات متحده امریکا اینک آنرا تهدید نکند . در واقع مشی واشنگتن هدف ایجاد وضع پیش از آغاز جنگ در جهان را دنبال میکند . میتوان گفت که در سال ۱۹۸۱ خطر جنگ هسته ای ناپدید گشت که منشاء آن ایالات متحده امریکا است با ژرفا و روشنی بی سابقه ای در برابر جامعه بشری نمودار گردید . اینک خطر آن بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود .

ولی ما با ارزیابی واقع بینانه مقیاس خطری که سیاره ما را تهدید میکند باید با واقع بینی یکسانی امکانات فزاینده جلوگیری از آن را هم ارزیابی کنیم . بازگشت لیدران امریالیست ها به تصوراتی از این تبدیل که گویا بکمک اسلحه میتوان قرن بیستم را (اگرچه در سالهای آخر آنهم باشد) به " قرن ایالات متحده امریکا " تبدیل کرد موجبات انزجار قشرهای انبوه مردم را فراهم ساخت . سال ۱۹۸۱ سال اعتلای مجدد مبارزه در راه صلح گردید . تظاهرات و راه پیمائی های ضد جنگ از لحاظ دامنه و کثرت شرکت کنندگان در آنها بر اقدامات عظیم طرفداران صلح در گذشته هم پیشی گرفت .

منطقه جغرافیائی جنبش در راه صلح هم گسترش یافت . در سپتامبر سال جاری بیش از نیم میلیون نفر از اهالی امریکادرو واشنگتن ، لس آنجلس ، سانفرانسیسکو و سایر شهرهای امریکا علیه برنامه هسته ای کاخ سفید دست به تظاهرات زدند . شعارجوانان امریکائی طرفدار صلح " بهتر است امروز اکتیو باشیم تا فردا دیواکتیو " مورد پشتیبانی قشرهای مختلف اهالی است . اقدامات ضد

جنگ با آهنگ سریع تری در کشورهای گسترش میابد که امریکا آنها را متحدین خود بشمارد آورد و واشنگتن در نظر دارد از آنها در جنگ بزرگی که طرح آنرا میریزد بمنزله گوشت دم توپ استفاده کند. جنبش طرفداران صلح در اروپا اشکال بسیار متنوعی بخود میگیرد. صد ها هزار تن از اتباع جمهوری فدرال آلمان در راه پیمائی ها، میتینگ ها و تظاهرات مختلف اشتراک میورزند و طلب میکنند که دولت بِن از استقرار سلاح امریکاد را انجا امتناع کند. در بریتانیا، هلند، بلژیک، دانمارک و نروژ هم تظاهرات جمعی علیه موشک های با برد متوسط امریکا توسعه مییابد. جنبش کشورهای بیطرف را هم فرامیگیرد. از جمله تظاهرات عظیم ضد جنگ در هندوستان و ژاپن و سایر کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بوقوع پیوست. شرکت کنندگان در این تظاهرات ارتباط مبارزه در راه آزادی کامل ملی واجتماعی با مبارزه علیه خطر جنگ از طرف امپریالیسم را هر چه بیشتر درک میکنند.

گسترش زمینه توده ای واجتماعی جنبش در راه صلح پدید آمده است. این زمینه اکنون عبارتست از ائتلاف سازمان ها و نهادهای مختلف و تمام قشرها و تمام افراد را از بیرو جوان در بر میگیرد. شرکت کنندگان در جنگ جهانی دوم و نمایندگان آن نسل هم که دیگر همگی جوان نیستند و در شرایط صلح بدنیآ آمده و بزرگ شده اند، آتئیست ها و مذهبیان، اعضای احزاب سیاسی گوناگون و سازمانهای سندیکائی، جوانان و زنان همه در صفوف مبارزان علیه خطر جنگ هستند. این نکته هر چه روشن تر میگردد که خلقهای کشورهای گوناگون و افرادی که دارای افکار و عقاید مختلف میباشند و نمایندگان طبقات مختلف که همه از خصایص خود اوضاع نگران هستند و بمسئولیت خود برای سرنوشت جامعه بشری واقف میباشند آماده انجام گفتگویی بمقیاس گسترده بمسود صلح هستند و تمایل خود را برای همکاری ابراز میدارند. تهیه و تدوین کاربایه های بین المللی برای انجام اقدامات مشترک، که امکان دهند، نیروهای صلح دوست در جنبه ضد امپریالیستی صلح، ترقی و دموکراسی متحد گردند اینک به امری مبرم مبدل میشود.

بنظر من قطعنامه های اجلاس های ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره خلع سلاح، فراخوان کنگره جهانی خلقها با خاط صلح و همچنین مجموعه پیشنهادات اتحاد شوروی در باره مسائل تحکیم صلح که به برنامه صلح در سالهای ۸۰ مشهور است، میتواند زمینه خوبی برای تعیین هدف های مشترک و تدوین چنین کاربایه هایی باشد. هرگاه بدون پیشداوری قضاوت کنیم نمیتوانیم در این اسناد تمرکز خواسته های جامعه بشری متمدنی را نبینیم.

تاکید بر این نکته را بویژه مهم میدانم که تحقق ابتکارهایی که مطرح گردید و در آنها اتخا

تد ابیری بمنظور پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، تحکیم صلح و امنیت بین المللی و همکاری پیش بینی شده است هیچگونه "نفع یکجانبه ای" برای هیچکس در بر ندارد. این ابتکارات فقط بمسود کسانتیست

معده
 که از آماده شدن برای جنگ منتفع میگردد. در عوض برای تمام کسانی که خود را جزئی از جامعه بشری میدانند و نسبت به حال حاضر و آینده آن احساس مسئولیت میکنند مفید است. به همین سبب هم این ابتکارات میتواند برای یکپارچه ساختن تمام نیروهای که مخالف خطر جنگ هستند پایه و اساس خوبی باشد.

در شرایطی که تعیین کننده زندگی سیاره ما در حد فاصل بین دو قرن است، وظیفه تحکیم صلح رسالت ملی و انترناسیونالیستی تمام مردم نیکخواه و نیکاندیش است. در سال ۱۹۸۲ باید دومین اجلاسیه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای خلع سلاح برگزار گردد. اشتراک طرفداران صلح در نخستین اجلاسیه از این نوع در ۷۰۰ میلیون امضای که جمع آوری شده بود تجلی کرد. ۷۰۰ میلیون رای در پشتیبانی از خلع سلاح. اشتراک ما در اجلاسیه آینده به شکل اقدامات گسترده تری بروز خواهد کرد.

سازمان ملل متحد قطعنامه های خوب و اسناد مهم فراوانی به تصویب رسانده است که در جهت کاهش سطح خطر جنگ بوده است. خلقهای جهان قادرند برای تحقق آنها همکاری کنند و دولت هایی را که مایل نیستند از این قطعنامه ها پیروی کنند وادارند تماشای خود را تغییر دهند و یا نقشه های تجاوزه را نه صرف نظر نمایند.

اینکه تصمیم گرفته شده است درباره مسئله موشک های بابرد متوسط مستقر در اروپا مذاکراتی آغاز گردد ما را خوشحال میکند. ولی خلقهای جهان میگویند: مذاکرات نباید فقط گفتگویی بسرای بعقب انداختن حل و فصل مسائل باشد. مذاکرات باید به جلوگیری از خطر عظیم جنگ منتهی گردد. جهان نمیتواند مذاکراتی را تایید کند که بکاربردن اسلحه ای را که قادر است بیست مرتبه ما را نابود سازد فقط به تعویق اندازد (۱). باید مذاکراتی انجام گیرد که تسلیحات را در حال حاضر محدود ساخته و به قدغن کردن کامل سلاح هسته ای و تمام انواع دیگر سلاح های نابودی جمعی منجر گردد. ممکن است جنبش حفظ صلح، با وجود دامنه و کثرت بی سابقه طرفداران آن هنوز از روزیانه اندازه کافی نیرومند نباشد تا بتواند به این هدف دست یابد. ولی فردا چنین نیروئی خواهد شد. در باره شورای جهانی صلح باید گفت از صرف نیرو و کوشش بخاطر وحدت هر چه بیشتر نیروهای صلح دوست و فروگذار نخواهد کرد.

۱ - نتیجه این است که هزینه های سالانه نظامی در جهان هم اکنون به رقم نجومی ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است.

پدیده سالهای ۸۰

فریدا براون

صدر هیئت رئیسه فدراسیون

دموکراتیک بین المللی زنان

سال‌های که پایان میرسد پر از رویدادهایی بود که با پاسخ به پرسش بنیادی: صلح یا جنگ؟ ، که در برابر جامعه بشری قرار گرفته ارتباط مستقیم دارد. هنگام یادآوری این رویدادها خواه اقدامات خیرخواهانه و صلح‌دوستانه و خواه اقدامات محافل آشکارا تجلوزکارومیلیتاریست، شاید بتوان گفت "مارس صلح - ۸۱" یکی از زرف‌ترین تأثیرات را در روح من باقی گذاشت. بطوریکه میدانیم این راه پیمائی روز ۲۲ ژوئن در کینساک آغاز گردید و با نمایش عظیم ضد جنگ ۶ اوت در پاریس پایان رسید. صدها و هزارها شرکت‌کنندگان در آن بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر راه را در اراضی پنج کشور اروپائی طی کردند. ولی من حالا این قدرها به این اصطلاح خاص "کئی" نمی‌اندیشم و فکر بیشتر متوجه آن پدیده کیفی تازه در جنبش ضد جنگ است که راه پیمائی بیانگران بود.

بیش از هر چیز باید گفت که اندیشه یا ایده این راه پیمائی راهی سازمانی نه‌سند یکجائی، نه سازمان‌های زنان و جوانان و نظایر آنها پیشنهاد نکرده بود. مبتکران ایده دوقدر غیر رسمی، دو زن نیروی بودند که در هیچ حزبی هم‌عضویت نداشتند. بنظر می‌آید که آنها بدشواری میتوانستند تصور کنند که از اندیشه آنان پشتیبانی سیاسی سازمان یافته‌ای بعمل خواهد آمد. ولی واقعیت، و باقی میماند: بدین معنی که این اندیشه را با سرعت فوق‌العاده‌ای هزاران هزار نفر که نه از لحاظ اشتراك موقعیت اجتماعی، نه از لحاظ معتقدات دینی و نه از لحاظ عقاید سیاسی وحدت‌داشتند پذیرفتند. ولی چیزی دیگری آنها را متحد میکرد و آن درک این حقیقت ساده بود که جهانی که ما در آن زندگی میکنیم یکی است.

جهان ما قطار مسافری نیست. راننده قطار، اگر بطور مثال مشاهده کند که پل آسیب دیده

ممکن است موفق به متوقف ساختن قطار شود و انسانها رانجات دهد . کره زمین رانند ندارد و میلیتاریست‌ها بامر کردگی دولت ریگان مصرانه سرراه جامعه بشری چاه و چاله‌ای میکنند که ممکن است در آن سقوط کرده و نابود گردد . میدانیم بمب‌های بزرگی که در جریان جنگ جهانی دوم بکاربرد میشد ، هنگام انفجار قیف‌هایی به قطر حداقل ده متر وجود می‌آوردند . . . حالا معادل مجموع سلاح‌های هسته‌ای که در رازخانه‌ها گردآمده تقریباً ۶ میلیارد تن تریترو تولوول است . یقیناً هیچکس حاضر به پیش‌بینی پی‌آمدهای انفجار چنین انبوهی از سلاح‌های هسته‌ای نیست ، ولی تصور میکنم وحشت آپوکالیپسیس (۱) در مقابل آن بی‌رتک و جلاست . خطر خیلی بزرگتر از آن است که در کمی‌جتنی اندک تصوری بوجود آید که تشدید مبارزه در راه صلح و استفاده از ناموس‌های ممکن در این مبارزه ضرورت نداشته باشد . بدون اینکه بیعی از این داشته باشم که بگویند مبالغه کرده است باید بگویم این نکته را امروز میلیونیان نفردک میکنند .

بعقیده من علت پیدایش پدیده سالهای ۸ هم در همینجا است . پدیده عبارت از این است که ابتکار افراد معمولی که قبلاً هیچوقت ارتباطی با اقدامات اجتماعی نداشته اند میتواند انگیزه‌ای برای تظاهرات توده‌ای گسترده سیاسی بشود ("راه پیمائی صلح - ۸۱" هم چنین اقدام توده‌ای گسترده‌ای بود) . شرکت کنندگان در این راه پیمائی باغلبه بر منافع شخصی خویش ، مافوق نظریات سیاسی و مذهبی و عقاید خود قرار گرفته ، متحد شدند و دوش بدوش هم راه پیمائی کردند تا تمایل و علاقه خود را به زندگی در صلح ابراز نمایند .

منهم همراه آنها بودم . البته در مسافت نسبتاً کمی از راه . اشخاص گوناگونی در کنار هم راه پیمائی میکردند : جوانان ، میانسالان و سالخوردگان ، مردان و زنان ، مادران و کودکان ، اغلب آنها با بچه‌های شیرخوار خود بودند . اتفاق می‌افتاد که باران می‌بارید ، هوا سرد میشد ، ولی آنها از صفوف خود خارج نمیشدند ، چترها را باز میکردند ، دست بچه‌ها را میگرفتند و براه خود ادامه میدادند . یادم است که زن جوانی میگفت : " اگر بمب نوترونی منفجر شود ، ممکن است این کالسکه بچه سالم بماند و پسر من هلاک شود . از چنین چیزی باید جلوگیری کرد ، بهمین سبب من در اینجا هستم " . بعداً او بخانه برگشت ، ولی جای او را مادر دیگری با بچه اش گرفت . این شباهت به دو امدادی داشت ، فقط با این فرق که ورزشکاران با خود چوبی را به نقطه مقصد میرسانند . ولی شرکت کنندگان در این راه پیمائی میکوشیدند اندیشه دفاع از صلح و تحکیم آنرا به تمام کسانی که سر راه یا آنها برخورد میکردند ، به کسانی که در شهرها و روستاهای سرراه زندگی میکردند برسانند .

تشدید مبارزه در راه صلح در تمام کشورهای چشم‌میخورد و زن‌ها اکنون در این مبارزه حتی خیلی بیشتر از سالهای پنجاه که " جنگ سرد " بشدت ادامه داشت شرکت میکنند . در واقع زن‌ها هر چه

بیشتر متکرر اقدامات توده ای گسترده علیه جنگ هستند. بطور مثال، درست روزگشایش کنگره جهانی زنان در برانک اخبار مربوط به تظاهراتی که جمعیت زنان ژاپن نوسازمان داده بود انتشار یافت. نمایندگان که از ژاپن برای شرکت در کنگره آمده بودند طومارهایی با خود آورده بودند که طی آن به خطراتی که سابقه تسلیحاتی که امپریالیست ها دامن میزنند و در بر دارد، اعتراض شده بود.

این طومارها را ۴۴ هزار نفر امضاء کرده بودند که البته همگی زن نبودند. مسائل مربوط به دفاع از صلح و تحکیم آن در مرکز توجه کنگره ماقرار داشت. اولاً، بدین سبب که خود فد راسیون جهانی در موکراتیک زنان که کنگره بابتکار آن برگزار میشد بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم و بمنزله کوشش زنان کشورهای مختلف برای جلوگیری از تکرار هشت های جنگ، بوجود آمد. ثانیاً، به این دلیل که خطر درگیری عمومی با بکار بردن سلاح هسته ای اینک خیلی افزایش یافته است. البته، کنگره و نمایندگان آن مسائل دیگری را هم مورد مذاکره قرار دادند. بدیهی است که موضعگیری آنها هم همواره یکسان نبود. ولی مادریک مورد عده توافقی و وحدت نظر داشتیم و آن اینکه، فقط در شرایط صلح تمام امید ها و آرزوهای ما میتواند برآورده شود، از جمله دست یافتن به برابری کامل حقوق در تمام کشورهای و تمام عرصه های زندگی اجتماعی و دست آوردن آزادی ملی. فقط در شرایط صلح میتوان درباره فردای روشن تسل های آینده اندیشید. در واقع هم مفهوم "صلح"، بطوریکه ل. برژنف رهبر شوروی در تبریک خود به کنگره پراگ قید کرد، به ارزشی حقیقتاً همه جانبه مبدل شده است.

بنه ر می رسد سال ۱۹۸۲ که اینک ما در آستانه آن قرار گرفته ایم، سال دیدارها و مذاکرات مهم بین المللی خواهد بود. ولی برای ما زنان و برای تمام مردم جهان مذاکرات تنها کافی نیست. برای ما گامهای مشخص در جهت خلع سلاح، تحکیم امنیت و اعتماد و اطمینان لازم است. شرکت کنندگان در کنگره یاد رک مسئولیت خود برای حفظ زندگی نسل کنونی و نسل های آینده اظهار اطمینان کردند که صلح را میتوان حفظ کرد بشرطی که تمام ما در این راه با قاطعیت مبارزه کنیم. ما با تمام کسانی که واقعا خواهان صلح هستند همراهیم خواه کمونیست ها و سوسیالیست ها باشند خواه لیبرال ها و یا کاتولیک ها و بودائی ها، خواه پراوا سلاوها و خواه مسلمانان، شخصیت های سیاسی و بیزنسمن ها یا ژنرال ها. میدانیم که اینک برخی از ژنرال های کشورهای ناتو هم از خلع سلاح پشتیبانی میکنند. ما همه با هم عمل خواهیم کرد. در سال آینده هم برنامه ما مانند سالهای دیگری که در پیش است همینطور خواهد بود تا بالاخره خطر جنگ را برطرف سازیم.

ارادهٔ زحمتکشان

ابراهیم زکریا

قائم مقام دبیرکل فدراسیون
جهانی سندیکاها

مسائل مربوط به مبارزه در راه صلح، خلع سلاح و کاهش تنشج بین المللی همواره در مرکز توجه فدراسیون جهانی سندیکاها قرار دارد. در سال ۱۹۸۱، این مسائل اهمیت خاصی کسب کردند زیرا همانطور که درسی و دو مین اجلاسیه شورای عالی فدراسیون جهانی سندیکاها قید گردید و اوضاع بین المللی در حال حاضر شدت نگرانی آرواست.

توده‌های چندین میلیونی کارگران، کارمندان و روشنفکران خطر جنگ را با شدت هر چه بیشتری احساس میکنند و به جنبش گسترده علیه خطر هسته ای هر چه فعال تر جلب میشوند. سخن بهیچوجه بر سر اقدامات گاه بگاه برخی از شخصیت‌ها و نمایندگان مجامع مترقی و فعالین سیاسی نیست، مبارزه در راه صلح و اقامه صلح خصلت توده ای کسب کرده است و آنهم نه فقط در اروپا. تغییراتی که در موضعگیری سندیکاها و کشورهای در حال رشد پدید آمده شایان توجه است. در گذشته این سازمان‌ها علاقه خاصی به جنبش ضد جنگ نشان نمیدادند و اینطور تصور میکردند که این مسئله برای آنها در رجه دوم اهمیت قرار دارد. حالا وضع^۱ ورد یگری است: سفد پکاها^۲ آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و طائف بر طرف ساختن عقبماندگی اجتماعی - اقتصادی، ساختمان اقتصاد ملی و بالا بردن سطح زندگی مردم را با مسئله صلح و جنگ هر چه بیشتر مرتبط میسازند. فدراسیون ما با بسیج توده‌ها مبارزه علیه جنگ بر ضرورت پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی که منابع بشمارمادی و انسانی را می بلعد هر چه بیشتر تاکید میکنند. تصمیم چندی پیش دولت امریکا در مورد صرف بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار برای افزایش ذخایر سلاح هسته ای استراتژیک و سایر وسایل و تجهیزات مدرن نظامی نمونه فاحش اسراف میلیتاریستی دهشتناک است. یادآور میشوم که اینها همه بحساب کاهش شدید برنامه‌های اجتماعی آنها^۳ میگیرند.

گاهی اینطور اظهار عقیده میکنند که صرف نظر کردن از تولید تسلیحات گویا باعث تشدید بینکاری میشود. با اتکا به نتایج بررسی‌هایی که در اروپا و سایر نقاط جهان بعمل آمده ما جواب میدهم: خیر، شروع به تولید محصولات ویژه^۴ امور غیر نظامی، بعکس، منبع مهمی برای افزایش اشتغال خواهد

بود . برای تشریح پی آمده های مخرب مسابقه تسلیحاتی و در عین حال نشان دادن این واقعیت که برای استفاده از وسایلی که در نتیجه پایان دادن بمسابقه تسلیحاتی در اختیار ما قرار میگیرد (در راه حل و فصل مسائل حا جهانی ، گسترش برنامه های اجتماعی و کم کم به کشورهای در حال رشد) هم امکاناتی وجود دارد و هم چنین اقدامی ضروری است . کنفرانس جهانی سندیکاها و ویژه بررسی جنبه های اجتماعی - اقتصادی خلع سلاح در اواسط دسامبر در پاریس تشکیل میگردد . این کنفرانس را سازمان های سندیکائی کشورهای سوسیالیستی ، سرمایه داری و در حال رشد که دارای سمتگیری های گوناگونی میباشد برگزار میکنند . کنفرانس بنده ما ، بدون اینکه کار خود را به بررسی تئوریک مسائل محدود کند ، پاسخ های عملی به این پرسش خواهد داد که سندیکاها در صفوف آنهاست که میکوشند راه را بر ذخیره کردن سلاح مسدود سازند ، چه اقداماتی باید بعمل آورند . برای جنبش سندیکائی که مدافع منافع زحمتکشان است مقابله با مداخلات امپریالیسم ، دفاع از دست آورده های اجتماعی و حقوق دموکراتیک زحمتکشان و مبارزه با خطر جنگ مفاهیم تفکیک ناپذیری هستند . فد راسیون ماهم این اصل را رهنمود خود قرار داده است . ولی اگر چهارپنج سال پیش این فد راسیون عملاً یگانه فد راسیون متحد بین المللی بود که بمبارزه در راه صلح توجه خاصی مبذول میداشت ، حالا سازمانهای سندیکائی دارای سمتگیری دیگری هم که در تمام مسائل با اصول مورد قبول ما توافق ندارند به این مبارزه پیوسته اند . فقط مایه تأسف است که رهبری کنفد راسیون جهانی سندیکاهای آزاد برای شنیدن صدای توده ها گوش شنو ندارد و از همکاری با فد راسیون جهانی سندیکاها در این عرصه خود داری میکند . ولی بسیاری از سندیکاهای بزرگ عضو کنفد راسیون جهانی سندیکاهای آزاد برغم این موضعگیری منفی از ابتکارات ضد جنگ فد راسیون مابشستیبانی بعمل میآورند و فعلاً نه در تحقق آنها شرکت میکنند . تمایل بوحده در سطوح مختلف جنبش سندیکائی بویژه در سطوح پائین آن افزایش مییابد و کوشش مشترک برای جلوگیری از خطر جنگ هم که بر جهان سایه افکنده در این امر جلوه گرمیشود . اگر شکی کنفد راسیون جهانی سندیکاها را آزاد به میزان بیشتری با عزم واراده و تمایلات مراکز سندیکائی که در آن شرکت دارند تطابق میکرد ، این امر عقیده ما به موفقیت مبارزه مشترک بسود زحمتکشان سراسر سیاره مایاری میرساند .

ماطمینان داریم که سال ۱۹۸۴ بطرز قناعت بخش تری نشان خواهد داد که نیروهای صلح قادر هستند راه را بر دیوانگی میلیتاریستی سد کنند . مسئله ای که بدون تردید در کاردهمین کنگره جهانی سندیکاها که در فوریه سال جاری در هاوانا برگزار خواهد شد مقامعه را خواهد داشت این است که سازمانهای کارگری چگونه میتوانند و باید از عهد ما این کار برآیند . کنگره برای تبادل نظر نمایندگان ارتش . ۲۵ میلیونی زحمتکشان که در سندیکاها متشکل شده اند امکان فراهم میسازد و برای اینکه برنامه عمل

همه پرسی در سراسر گره زمین

کاروی توت

صد رهیت رئیس کفرانس صلح
مسیحیان
اسقف

جامعه بشری در برابر نوعی همه پرسی جهانی در باره این پرسش قرار دارد که آیا میتواند بوجودیت خود روی زمین در صلح ادامه دهد یا باید عقب نشینی کند و راه را برای نابودی هسته ای همگانی، یعنی کشتار عمومی بازگذارد. شرکت کنندگان در جنبش مسیحیان در راه صلح معتقدند که در این همه پرسی سازمانهای مذهبی هم نقش مهمی ایفا میکنند.

اینک ۲۳ سال است که کفرانس صلح مسیحیان علیه خطر جنگ اتمی و سابقه تسلیحاتی و در راه صلح، کاهش تشنج و تقاهم متقابل میان خلقها مبارزه میکند. ما بنا به معتقدات دینی خود و با توجه به انسان دوستی مسیحیت به جنبش ضد جنگ پیوستیم. مسیحیت بامیآموزد که زندگی نوعی عطیه آسمانی به انسان است. برای حفظ زندگی و دفاع از حق زیست انسانها ما آماده ایم با تمام نیروها صرف نظر از ایدئولوژی و جهان بینی آنها همکاری کنیم. من میخواهم بویژه قید کنم که در این مسئله نظر مسیحیان و کمونیست ها با هم مطابقت میکند.

کلیسای مسیحی و تمام فعالیت آن ارتباط بسیار نزدیکی با شرایط اجتماعی و معیشتی دارد که در آن پسر میبرد. مسیحیون در کشورهای سوسیالیستی اینک سی سال است که در مبارزه در راه صلح شرکت میکنند. ولی در کشورهای سرمایه داری ضرورت چنین مبارزه ای را مسیحیان نمی دیرتر درنگ کردند. همین چند ی پیش هم به برخی از نمایندگان روحانیت که مردم را به دفاع از صلح فرامیخوانند برجسب مبلغ کمونیسم میزدند. ولی حالا دیگر کلیسا در کمال آزادی از صلح صحبت میکند، بطرفداری از صلح میبرد از دورنگ میکند که دفاع از آن در حال حاضر مهمترین مسئله است.

در این اواخر در کشورهای مانند هلند، جمهوری فدرال آلمان، بریتانیای کبیر و حتی

در ایالات متحده آمریکا فعالیت سازمانهای مذهبی که در مخالفت با خطر جنگ اتمی اقدام میکنند بشدت افزایش یافته است . در این کشورها و در یک سلسله از کشورهای دیگر جنبش ضد جنگ محافل مذهبی به تامل سیاسی بسیار مهمی مبدل شده است .

البته به فراخوان کمونیست ها برای انجام اقدامات مشترک و یا بموازات یکدیگر بانیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی در مبارزه در راه صلح سازمانهای مختلف مسیحیان برخورد های گوناگون و متفاوتی دارند . برخی از آنها برغم اختلاف نظرایدئولوژیک و سیاسی از چنین همکاری پشتیبانی میکنند ، بعضی هم طرفدار تهیه و تدوین راه حل ویژه و مخصوص بخود میباشند . گروههای دیگری از مسیحیان هم هستند (مقدم بر همه در ایالات متحده آمریکا یک سلسله از کشورهای اروپای غربی) که سراغ ترقی در احساسات ضد کمونیستی شدید میباشند . برای این قبیل گروهها وظیفه حفظ صلح و وظیفه عمد نهیست ، آنها مبارزه با کمونیسم را مقدم میدانند . ولی باید خاطر نشان ساخت که ایمن گروهها اکنون هم در اقلیت میباشند و هم منزوی شده اند .

در باره کنفرانس صلح مسیحیان باید گفت ، سهم آن در جنبش ضد جنگ بسیار متنوع و گوناگون است . در درجه اول این کنفرانس به میزان زیادی به این امر کمک کرد که در اندیشه و افکار مردم تحولی در جهت درک ضرورت دفاع از صلح و همکاری گسترده با تمام کسانی که از صلح طرفداری میکنند بوجود آید . ثانیاً مایه ایجاد تعداد زیادی سازمانهای منطقه ای در آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین و کشورهای حوضه کارائیب در چهارچوب جنبش ضد جنگ کمک کردیم . اینک در کنفرانس صلح مسیحیان جمعیت های مذهبی از بیش از ۸۰ کشور شرکت میکنند . ثالثاً ، ما در کنفرانس جهانی تحت عنوان : " شخصیت های مذهبی طرفدار صلح استوار ، خلع سلاح و مناسبات عادلانه میان خلقها هستند " فعلاً نه شرکت کردیم . این کنفرانس در ژوئن سال ۱۹۷۷ در مسکو برگزار شد و نقشه های دولت امریکا برای تولید بمب نوترونی و غیره را محکوم کرد .

از اقدامات دامنه داری که در این اواخر بعمل آمد و سازمان ما در آن شرکت جست میتوان نمایش عظیم ضد جنگی را که در اکتبر سال جاری در برن برگزار شد و بزرگترین نمایش در تمام تاریخ جمهوری فدرال آلمان بود و همچنین هفته صلح کلیسا در ماه نوامبر را یاد آور شد .

کنفرانس صلح مسیحیان در سالی که بپایان میرسد تاثیر خود را در تحکیم جنبش در راه صلح باقی گذاشت . در عین حال ما این راهم در نظر داریم که مایه تنهایی وبدون داشتن متحدینی قادر بدفاع از صلح نیستیم . بهمین سبب ما طرفدار و خواستار یکپارچگی تمام نیروهای صلحدوست میباشیم . بعقیده ما در سالی که فرا میرسد ، دست یافتن بدین هدف که کشورها و خلقها در همزیستی

مسالمت آمیز بسر برند و همکاری کنند و شخصیت های سیاسی کشورهای که به سیستم های

نیروهای صلح علیه سیاست جنگ

دکترین خطرناک سلطه بر جهان

گی‌هال

دبیرکل حزب کمونیست
ایالات متحده آمریکا

دولت ریگان به پیروی از مضمین ارتجاعی خطرناک خود ادامه می‌دهد. این دولت دکترین فرمانروایی ایالات متحده آمریکا بر جهان را احیا کرد و آنرا اصل سمت دهنده به سیاست خارجی خود ساخت. در همین حال مشی نژاد پرستانه تهاجمی ضد کارگری، ضد سندیکائی و ضد خلقی را که سرمایه انحصاری اعمال میکند اساس سیاست داخلی خود قرار داد.

از آنجاکه سیاست داخلی و خارجی کنونی ایالات متحده آمریکا بر فرضیه‌های بی اساسی و وهم و پند ارینا گردیده و اوضاع واقعی جهان را به حساب نمی‌آورد، خطرناک تر می‌گردد. این سیاستی مفایر با واقعیات است.

حساب کاملاً غلط " تیم " ریگان در این است که احیای " قرن آمریکا " که در گذشته ای نه چندان دور با شکست و ناکامی روبرو شد جلوی چشمش مجسم میشود. این خود فریبی، مناسبات آمریکا با سایر کشورهای جهان و ارتباط متقابل با آنها را معین میکند. تفرعن و پر مدعائی که با عادات و اخلاق ولایتی ملتزمین رکاب ریگان مشخص می‌گردد بر تصور باطل عظمت سیاسی استوار است.

سیاست خارجی کاخ سفید مشحون از تمایل و تلاش برای برتری نظامی - هسته ای است. این سیاست منکی بر تروریسم هسته ای میباشد. دارودسته ریگان در سیمای اتحاد شوروی بحق مانع عمده بر سر راه فرمانروایی ایالات متحده آمریکا بر جهان را می بیند. درست بهمین سبب هم نقطه مبدی " تعرض ایدئولوژیک " این دارودسته " دروغ بزرگ " گردید. گردانندگان ایالات متحده آمریکا در تمام جبهه ها جو " جنگ سرد " را احیا میکنند.

در مناسبات با کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای مرکزی و جنوبی استعمار و نواستعمار تجاوزکارانه به سیاست رسمی مبدل گردیده است. کاخ سفید در تلاش خود بمنظور مغلوب کردن خلق قهرمان سالوادور و رازیمین بردن دست آورد های کوبای سوسیالیستی از هیچ کوششی فروگذار

نمیکنند. آ. هینگ همراه همگام با کروکر (۱) شرکت امریکا در برنامه‌های سازمان ملل متحد را که کمک مالی به ۳۱ کشور بسیار فقیر^۱ را تأمین میکند قطع مینماید. واشنگتن در نظر دارد در رأینسده به کشورهای در حال رشد فقط بشرط آنکه تابع دستورات ایالات متحده امریکا باشند کمک اقتصادی برساند. در نظر است که فقط به مرتجعترین دولت‌ها و ولت‌های فاشیستی، میلیتاریستی و فاسد و گروه‌های ضد انقلابی کمک مالی بشود.

این هدف در نبال میشود که کمک در سطح دولتی کاهش داده شود و آنرا با واگذاری اعتبارات از طرف شرکت‌های چند ملیتی که در کشور ما مستقر هستند عوض کنند. هینگ شرط دیگری هم علاوه کرد. مشتری بالقوه ای که بخواهد کمکی از ایالات متحده امریکا دریافت کند باید فعلاً نه در جهت تحقق برنامه‌های امریکا برای فرمانروائی بر جهان کوشش نماید. وقتی او گفت: « بعقیده ما پیشرفت در مناسبات ما با بسیاری از کشورهای جنوب (۲) وابسته بدین است که تا چه حد ما در حل و فصل مسئله امنیت در ساختن - خاوریه پیش‌خواهیم رفت^۲ در واقع همین نکته را در نظر داشت. از این بی‌عده به هر مبارزه ای علیه امپریالیسم برجسب^۳ تروریسم بین‌المللی^۴ زد مخواهد شد.

درترین^۵ « قرن امریکا^۶ » همچنین مشکلاتی در مناسبات میان ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای بزرگ سرمایه داری بوجود می‌آورد. دولت ریگان فشار شدیدی به متحدین خود وارد می‌آورد و از آنها می‌خواهد سهم خود را در تحقق نقشه‌های جهانی امریکا (آنها با حقوق شرکای کوچکتری که حق رای ندارند) ادا کنند. آنها را مجبور میکنند هزینه‌های تسلیحاتی را افزایش دهند و^۷ به سایر پیشوای ایالات متحده امریکا در سراسر جهان پاری‌رسانند^۸.

هنگام ارزیابی سیاست دولت ریگان، اغلب از کلمات و عباراتی مانند « نسنجیده^۹ »، « بی‌خردانه^{۱۰} »، « تقلید کننده^{۱۱} هفت تیرکش‌ها به شیوه فیلم‌های کابوئی^{۱۲} »، « خطرناک^{۱۳} » و « بدون مسئولیت^{۱۴} » استفاده میکنند.

نمایندگان رسمی دولت درباره مذاکرات مربوط به خلع سلاح بدامنه عوامفریبی می‌افزایند. ولی فعلاً همه این حرف‌ها در واقع سراباد روع و حجابی از دود برای استتار گردآوری سرسام آور سلاح است.

میان سخنان مربوط به مذاکرات درباره کاهش سلاح‌های هسته‌ای استراتژیک و صرف پر تب و تاب میلیارد‌های بی‌حساب برای دیوانه‌دارترین مسابقه تسلیحاتی در تاریخ ایالات متحده

۱ - آ. هینگ - وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا، ج. کروکر مشاور وزیر امور خارجه در مسائل مربوط به آفریقا. هینگت تحریریه.

۲ - مقصود کشورهای در حال رشد است. هیئت تحریریه.

امریکا تضاد آشتی ناپذیر وجود دارد . اعلام علاقه به مذاکرات بمنظور کاهش متقابل ذخایر تسلیحات و در عین حال دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی برای دست یافتن به برتری نظامی — هسته ای — بر اتحاد شوروی دروغ بشمارانده است .

مقصد دولت ریگان از "بازیش با جنگ" این است که مردم دنیا را ساکت و آرام کند و با دادن اطمینان های نیرنگ آمیز درباره علاقه و کوشش برای انجام مذاکرات گمراه سازد و در عین حال شرایط مقدماتی مطرح کند که مطلقاً واقع بینانه نیست و موانعی بوجود آورد که مذاکرات را برای اتحاد شوروی غیر قابل قبول نماید .

باید در نظر داشت که خود فاکت ملاقات هیئت های نمایندگی دو کشور به پیچوجه الزاماً مقدمه ای برای مذاکرات جدی نیست . اینطور بنظر میرسد که کاخ سفید در این مرحله آماده نیست جستجوی امکانات سازش را آغاز کند و بدون این هم هیچ مذاکرات جدی مفهوم و معنایی ندارد . کوشش و علاقه ایالات متحده آمریکا به دست یافتن به برتری هسته ای — نظامی در نقشه های دراز مدت ریگان و انحصارها خود را نشان میدهد . آنها اکتشافات بزرگ علمی — فنی در بسیاری از رشته ها مانند بکار بردن سلاح لیزر و فضای کیهانی راهم در نظر دارند . سفینه فضائی کلمبیا مقدم بر هر چیز برای استفاده بمنظورهای نظامی طرح ریزی شد . به همین سبب با پایه و اساس کامل میتوان فرض کرد که گفتگوها درباره مذاکرات آینده تا مدت نامعلوم و نامعینی ادامه خواهد یافت ، هرچه طولانی تر "بهتر" . ولی تازه وقتی هم که این مذاکرات بالاخره آغاز شود ، باز بهمان شکل جریان خواهد یافت .

این نکته کاملاً روشن است : هدف دولت ریگان این است که مذاکرات را به عقب اندازد ، طول بدهد ، با مانع روبه ر سازد ، تا زمانیکه پنتاگون "معین و مقرر" سازد که حالا دیگر برتری هسته ای بر اتحاد شوروی بدست آمده است ، آنوقت ، طبق نقشه های شوم و هلاکتبار هیگ و واین برگر (وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا) باید سعی کرد تا شرایط قرارداد "از موضع زورنو" را به اتحاد جماهیر شوروی بزرورقبولاند (نیکته کرد) . این راهی است که به فاجعه همگانی من انجامد . اما فعلاً نقشه های یاد شده بمعنی افزایش عظیم ذخایر اسلحه است ، بطوریکه ایالات متحده آمریکا را برای انجام "جنگهای محدود" کذائی با بکار بردن سلاحهای معمولی و سلاحهای اتمی ، شیمیائی و باکتریولوژیک آماده سازد . بمب نوترونی بویژه برای این قبیل عملیات جنگی در نظر گرفته شده است که در جریان آنها سیستم های مختلط تسلیحات بکار برده میشود .

دولت ریگان تصمیم گرفت اندیشه "جنگ علیه شورش کنندگان" را احیاء نمود و روشیهای عقلی ساختن آنها مدرن کند . بدین منظور "نیروهای واکنش سریع" ایجاد گردید . طبق دکترین

" استقرار رخط مقدم " ارتش و تمام انواع سلاحها تکیه در فوق نام بردیم بحالت آماده باش کامل در میآید تا در هر لحظه که لازم آید بتوان آنها را به " خط جبهه " گسیل داشت .

در چهارچوب این مقاله برای ساختن فرضیاتی در باره سمت و جهت سیاست ریگان نهجائی وجود دارد و نه ضرورتی . ولی هم اکنون بمرحله ای میرسیم که در آن نیت ارتجاعی و مشی عملی دولت یا واقعیت درگیری پیدا میکند و به موانع فزاینده و مقاومت استحکام یابنده ای برخورد میکند که هم سرعینی رویدادها و هم علل نهنی بوجود آورنده آنهاست .

تضاد های تهدید آمیزی که میان این سیاست و واقعیت عینی در داخل و خارج کشور وجود دارد افزایش یافته و حاد تر میشود .

در " بازی درون خانه " ریگان به واگذاری آزادی عمل کامل به سرمایه انحصاری متکی است . موازین و محدودیت هائی که صد سال تمام در ایالات متحده امریکا بمنزله رهنمودی مراعات میشد ملغی گردیده و به زباله دان انداخته میشود . نتیجه اینهم انحصاری شدن تدریجاً است که بکلی غیر قابل کنترل گردیده است . هرج و مرج در مناسبات تولیدی سرمایه داری کیفیت تازه ای کسب کرده است . بامرحله سرمایه داری دولتی - انحصاری گام می نهمیم که مطلقاً غیر قابل تنظیم و غیر قابل کنترل است و نه وسیله مالیات محدود میگردد و نه مالیات پذیراست .

روزنامه " نیویورک تایمز " یادآور شد که " مالیات بردرآمد شرکت ها در واقع میتواند به جزئی از بقایای گذشته مبدل گردد . در آمد دولت از مالیات هائی که از منافع بیزنس کلان گرفته میشود در او اخرد هه جاری تا میزان آب باریکه ناچیزی کاهش یافت " . در ضمن روزانه سه میلیارد دلار در آمدی که بدون انجام کار بدست آمده به گاو صندوق های شرکت ها سرازیر میگردد !

تعرضی که ریگان و انحصارها آغاز کرده اند دست آورد های اجتماعی - اقتصادی پنجاه ساله اخیر را محو و نابود میسازد . اینک بزرگترین انتقال دست آورد های مادی از قطب به قطب دیگر (که در تاریخ ایالات متحده امریکا بیسابقه است) ، یعنی از دست زحمتکشان و مستمندان بدست ثروتمندان و شرکت ها در حال انجام شدن است . به تعداد بیکاران افزوده میشود . دستمزد حقیقی مرتباً کاهش می پذیرد . نژاد پرستان از نوآزادی عمل کامل پیدا میکنند . منسوخ قائل شدن تمايز و قوانین ویژه مبارزه بانژاد پرستی و تدابیر ضد تبعیض نژادی پایمال میگردد . ثرو پرستان در سرسرا سرکشور پیدا میکنند .

در حالیکه دولت شدیداً زمش خود در سیاست خارجی و داخلی پیروی میکند پیرویه دیگری هم گسترش مییابد . بدین معنی که از حامیان این مشی کاسته میشود ، واکنش علیه آن ، هم در داخل کشور و هم در خارج ، افزایش مییابد . انزوای امپریالیسم امریکا در عرصه بین المللی عمیق تر میشود .

در برخی از موارد این واکنش در قبال سیاست ریگان بطور کلی در موارد دیگر نتیجه افراط و تفریط های این سیاست است .

عد پشتمانی و واکنش نسبت به سیاست ریگان در جهان غیر سوسیالیستی هم باشد هر چه بیشتری بروز میکند . در اکثر کشورهای " قدیمی " سرمایه داری مخالفت علیه افراط و تفریط های سیاست امریکا افزایش مییابد . این امر به تیره شدن مناسبات ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای صنعتی منجر گردید .

رای گیری در شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد قطعنامه ای که جمهوری آفریقای جنوبی را بمناسبت تجاوز علیه آنگولا محکوم میکرد (۱۳ رای " موافق " و فقط یک رای " مخالف " داده شد) نمونه امتناع از پشتمانی از مواضع افراطی ایالات متحده امریکا است (۱) .
اعلام پشتمانی دولت های مکزیک و فرانسه از نیروهای آزاد بیخس سالوادور هم نمونه دیگری از عدم توافق در جهان سرمایه داری با افراط و تفریط های سیاست امریکا است .
مخالفت باد ولت ریگان (تا حدی که گاهی صورت انتقاد آشکار بخود میگردد) بعلمت امتناع آن از شروع مذاکرات سازنده و جدی با اتحاد شوروی در باره تسلیحات هسته ای استراتژیک دامنه گسترده ای پیدا میکند .

کشورهای عمده سرمایه داری با قاطعیت روز افزونی علیه بالا بردن نرخ بهره در امریکا اعتراض میکنند و آنرا بمنزله " چماق پولی " میدانند که روی سر این کشورها گرفته شده و مانع رونق اقتصاد آنها است .

نقشه های ایستقرار موشک های بالدار و موشک " پرسینگ - ۲ " در کشورهای اروپای غربی با محکوم کردن این اقدام و مقاومت آشکار علیه آن مواجه میگردد و جنبش علیه بمب نوترونی هم نیرومند تر میشود .

خشم اکثریت کشورهای در حال رشد و غیر متعهد و جنبش های آزاد بیخس ملی بد انجهت متوجه دولت ریگان است که ایالات متحده امریکا آشکارا از دولت جمهوری آفریقای جنوبی پشتمانی میکند ، برقراری روابط نزدیک اقتصادی میان آنها تسریع میگردد و دولت ریگان بیدادگری رژیم آفریقای جنوبی را مورد حمایت قرار میدهد . مقاومت علیه مشی ریگان تشدید میگردد و این نیز بنوبه خود تاکید بر انزوای امپریالیسم امریکا از سایر قسمت های جهان است .

۱ - فقط ایالات متحده امریکا علیه این قطعنامه رأی داد . بریتانیای کبیر پانزدهمین عضو شورای امنیت رأی امتنع داد .

فقط گردانندگان کشورهایمانند جمهوری خلق چین، جمهوری آفریقای جنوبی، شیلی، اسرائیل و مصر بدون قید و شرط از سیاست امپریالیستی ریگان پشتیبانی میکنند. دادن اسلحهٔ مدرن امریکائی به سیزده جویان پکن عنصر فوق العاده قابل انفجاری به اوضاع واحوالی می افزاید که در معرض خطر جنگ قرار دارد. وراثت وادامه دهندگان مائوئیسم مدافعان گریبان چاک ویبگرمشی ایالات متحده امریکا در جهت رویارویی هسته ای و تجاوز میباشند. آنها طبق ضرب المثل بسیار کهن چینی عمل میکنند که میگوید: " هنگامیکه اوضاع واحوال مجبور میکند سیاست صلح و دوستی متوسل شو. ولی جنگ را وسیله عمدتاً واصلی این سیاست بدان ". آنها در مناسبات خود با کشورهای سوسیالیستی، آزاد شده و در حال رشد از این قاعده پیروی میکنند. کاهش پشتیبانی ومخالفت با مشی ای که دولت در داخل و خارج کشور دنبال میکند، حالا دیگر ر خود ایالات متحده امریکا هم بچشم میخورد. برخی از گروههای سرمایه انحصاری پشتیبانی خود را از دولت دریغ میدارند، علت این امر عقیده آنها اظهارات بی مسئولیت دولت در باره سیاست خارجی ومشی اقتصادی نامطلوب آنست.

سرمایه دولتی - انحصاری ایالات متحده امریکا هر چه عمیق تر به گرداب دشواریهای اقتصادی ومالی فرورود. بحران بصورت محاصره ای درآمد است که بیرون آمدن از آن بدون زبان وخسارت برای تمام آنچه در این حلقه افتاده غیر ممکن است. تصور میشود که در ورود رمان ریگان در ایجاد راه خروج به اقتصاد کمک خواهد کرد. ولی معجزه ای بوقوع نپیوست. انحصارها از کاهشی شدید مالیات شرکت ها که لایحه اش را پرزیدنت از کنگره گذراند، پشتیبانی بعمل آوردند. آنها همچنین از میزان هزینه های نظامی که به یک میلیارد دلار در روز میرسد بسیار راضی هستند، ولی حالا آنها هم از اینکه تمام این اقدامات به چه چیزی منجر خواهند شد، نگران میباشند.

کاهش مالیاتها وهزینه های هنگفت نظامی باعث کسری بودجه میگردد و این امر دولت را وادار میکند به قرضه های تازه ای متوسل شود؛ این هم بنوبه خود موجب افزایش بهره های بانکی، مساعدت یا وام هائی میگردد که انحصارها بدان نیاز مند میباشند. اینطور تصور میشود که اقتصاد شکوفا تمام تضادها را بر طرف خواهد کرد. ولی اقتصاد بهیچوجه نمیخواهد شکوفا باشد! محدود ساختن بی امان برنامه های اجتماعی بمنزله وسیله ای برای کاهش فوق العاده مصرف در نظر گرفته شده است تا بدین ترتیب میزان عرضه افزایش یابد که به نسبت آن تورم هم کاهش پیدا کند. مصرف واقعا هم کاهش مییابد. ولی در سیستم اقتصادی کم کملا وسیله انحصارها کنترل میشود این پدیده در تورم تاثیر نمیگذارد.

محاسبه شده است که نخستین بودجه ریگان تقریباً ۶۰ میلیارد دلار به وام ملی که اینک ۹۸ میلیارد دلار است، میافزاید. پانزده درصد از بودجه بمصرف پرداخت بهره این وامها به بانکها و سایر سازمانهای مالی میرسد. دولت فدرال برای ادامه کار خود ناچار است ماهانه هشت میلیارد دلار قرض کند. سیاست ریگان بطور کلی در خدمت منافع سرمایه مالی - انحصاری است. با وجود این برخی از گروههای آن رفته رفته عصبانیت خود را بروز میدهند، زیرا می بینند که مشی اقتصادی دولت بحرانهای اقتصادی - مالی جدی در پی خواهد داشت.

مخالفت با سیاست ریگان به شدیدترین وجهی در اعتلای بیسابقه اعتراضات گسترده مردم علیه کاهش شدید ویا لغای کامل صد ها برنامه اجتماعی خود را نشان داد، زیرا عواقب این تدابیر بیرونی در همایلیون نفر از اهالی فاجعه آمیز خواهد بود. این مبارزه را سندیکاها رهبری میکردند. ولی در جریان آن، جنبش کارگری، سازمانهای نژادها و ملیت های ستمدیده، مزرعه داران فقیر، روشنفکران و دارندگان مشاغل آزاد، جنبشهای زنان، سالخوردگان و جوانان بیکد یگر نزدیک شده و به ائتلاف وسیع ضد انحصاری مبدل میگردد. بخش بزرگی از تدابیر که ذکر شد از اول اکتبر سال ۱۹۸۱ تحقق خواهد یافت و نتایج آنها تقریباً بلافاصله بسیاری از آمریکاییها احساس خواهند کرد. اما در سالهای ۱۹۸۲، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴، طبق نقشه های ریگان و ستوکمان (۱) از اعتبارات ویژه برنامه های اجتماعی مقدار بیشتری کسر خواهد شد.

افزایش عظیم هزینه های نظامی، کاهش بنیادی مالیات شرکتها و منظور جبران کمبود کاهش بنیادی و بیسابقه اعتبارات برنامه های اجتماعی، همه سهم دولت در تعرض سرمایه انحصاری علیه کارگران و تمام مردم است.

اینک پنج سال تمام است که مرتباً دستمزد واقعی بسبب وجود تورم، هر ساله بطور متوسط پنج درصد کاهش مییابد. در سال گذشته این بلیه دامنگیر دستمزد امسبی نیز گردید. شرکتها در شرایط رکود اقتصادی و کاهش عمومی سطح تولیدات صنعتی، با تهدید به بستن موسسات یا انتقال آنها به سایر ایالات و حتی به سایر کشورها، میلیون ها کارگر را مجبور میکنند با کاهش مستقیم و قابل توجه میزان کارمزدشان موافقت کنند. از هنگام زمانداری هورور (رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در سالهای ۱۹۲۸-۱۹۳۲) با اینطرف هیچ رئیس جمهوری یاد ولتی نبوده است که نسبت به سندیکاها با خصومت و دشمنی نظیر دولت ریگان رفتار کند.

برای نخستین بار در تمام مدت تاریخ فدراسیون کار آمریکا (که حالا کنگره سندیکا های تولیدکننده هم بعنوان آن افزوده شده) رهبران آن اعضای فدراسیون را به راه پیمایی و میتینگ اعتراض آمیز

دعوت نموده و خود نیز در سازمان دادن آنها شرکت جستند . نمایش ۱۹ سپتامبر سال جاری در واشنگتن که برهبری سندیکاها تشکیل یافت بزرگترین و روزمجوترین اعتراض در نوع خود در تاریخ ایالات متحده امریکا بود (در حدود نیم میلیون نفر در آن شرکت جستند) .

اما آنچه بویژه مهم است ، این است که برای نخستین بار رهبران سندیکاها از وحدت عمل با سازمان های نژادها و ملیت های متممیده و مزرعه داران ، روشنفکران و جنبش های زنان و جوانان و تمام قربانیان سلطه انحصارها پشتیبانی کردند . اینک لیدران فدراسیون کار امریکا - کنگره سندیکا های تولیدی از طبقه کارگر میخواهند جبهه واحدی ایجاد کند تا بتواند تعرض سرمایه کلان علیه زحمتگمان و سندیکاهارا خنثی سازد .

بدین ترتیب بهنگام ارزیابی لحظه کنونی ، باید مخالفت روزافزون و همه جانبه با مشی دولت ریگان را بحساب آورد . در بسیاری از موارد این مخالفت فقط علیه افراط کاریها است ، ولی اگر همه را یکجا در مجموع خود در نظر بگیریم ، علیه این مشی بطور کلی است .

امیریا لیم امریکا در حالت انزوا قادیه فعالیت نیمت ، هیچ دولتی ، اگر در کشور خود با چنین اپوزیسیون گسترده ای روبرو باشد ، نمیتواند مدت درازی پابرجا باشد . علاوه بر این فقط شایعه ای درباره امکان تحریم کالا های امریکا در خارج بلافاصله موجبات نگرانی در ووال - استریت رافراهم میآورد . با دلیل و مدرک کافی میتوان اینطور تصور کرد که افزایش مخالفت با مشی سیاسی ارتجاعی و ناکامی های آن وضعی بوجود میآورند که در آن میتوان امیریا لیم امریکارا مجبور کرد عقبنشینی کرده و مشی خود را تغییر دهد .

ریشه های عمیق اعتراضات ضد جنگ

یورگن یسن

صد ر حزب کمونیست دانمارک

فقط یکماه و نیم پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و ۰ ای ۰ لنین با قاطعیت تاکید کرد که " کشتن جنگ یعنی غلبه بر سرمایه " (۱) ۰ او با فراخواندن به مبارزه در راه صلح در عین حال تاکید میکرد که : " این مبارزه دشواری است ۰ هر کس فکر کرده که بدست آوردن صلح آسان است و فقط کافیست اشاره ای به صلح بشود و بورژوازی آنرا توی بشقابی برای ما خواهد آورد ۰ او انسان کاملا ساده لوحی است " (۲) ۰ مضاف بر این ما میگوئیم او از نیرنگ های زد و خورد های طبقاتی درست سردر نمیآورد و سرشت سیاست خارجی امپریالیسم را درک نمیکند ۰

جریان رویداد های سالهای اخیر یاد آورد شد که این سخنان لنین در زندگی معاصر چه قدر صادق است و تایید کرد که همزیستی مسالمت آمیز میان سوسیالیسم و سرمایه داری شکل ویژه مبارزه طبقاتی است که به عرصه بین المللی کشانده شده است ۰ این مبارزه ایست که جریان ونتیجه اش در هر مرحله ای با تناسب نیروهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و بالاخره نظامی میان دو سیستم جهانی تعیین میشود ۰

تردیدی نیست که دردوران ماد ایره حاکمیت امپریالیسم ، تحت تاثیر پیشرفت اندیشه ها آنچه وسیله اکثر روسیه انجام یافته بطور مداوم تنگ تر میگردد ۰ این دایره از سوی باگام نهادن کشورهای تازه ای در راهی که باستگیری سوسیالیستی مشخص گردیده از لحاظ ارضی تنگ تر میشود ۰ از سوی دیگر میزان یا سزومیدی توده های مردم از آرمان ها و امکانات بالقوه بورژوازی از لحاظ اجتماعی تنگ تر میگردد ۰ و بالاخره زیرمنگنه بحران های جهان سرمایه که به تعدد آنها افزوده میشود از لحاظ پی آمد هایشان هر چه خطرناک تر میگردد از لحاظ اقتصادی هم دایره تنگ تر میشود ۰ ولی امپریالیسم تسلیم نمیشود و با ازدست دادن در نمای تاریخی از نوبه سیاست " از موضع قدرت " متوسل میگردد و تلاش میکند از پیروزی سوسیالیسم جهانی و جنبشهای بین المللی کمونیستی و آزاد پیکش ملی جلوگیری کند ۰

سالهای ۸۰ بطور نگرانی آوری آغاز شد. عبارت "کاهش تشنج" در قاموس رهبران ایالات متحده امریکا بنزله چیزی تقریباً شبیه به ناسزا تلقی میشد و مذاکرات درباره مسائل خلع سلاح از طرف آنها بشرایطی مشروط میگرد که عملاً آنها فاقد ورنه میسازد. واشنگتن رسماً اعلام میدارد که هدفش دست یافتن به "برتری نظامی" بر جامعه کشورهای سوسیالیستی است و در صد دانست که با این کشورها با زبان تهدیدات نظامی صحبت کند.

جهان بر سر چهارراهی خطرناکی قرار گرفته است. میلیونها نفر از خود می پرسند: جامعه بشری بکجا میرود؟ خود زندگی روی سیاره ما وابسته به پاسخ این پرسش است. این سخنان لنین: "مسئله صلح و مسئله ای حاد و نقطه ضعف دوران معاصر است" (۱) حالا بطرز قناعت بخش تری ظنین می افکند.

از پاسخ کمونیست ها فقط يك معنی استنباط میشود. برغم وضع انفجار آمیز کمونی آنها بییم و هراسی بخود را نمیدهند. کمونیست ها با اتکا به تجربه تاریخ بجز ضرورت مقدر (اجتناب ناپذیری) جنگ را رد میکنند و گرایش های تجار و کارکنان روزافزون امپریالیسم را افشا میکنند و میکوشند از تحقق نقشه های میلتاریست ها جلوگیری کنند. در برنامه حزب کمونیست دانمارک خاطر نشان شده است که "اینک بیش از هر وقت دیگری امکان تامین صلح و جلوگیری از جنگ جهانی تازه وجود دارد". برای این منظور باید امپریالیسم را واداشت که به اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهایی که دارای سازمان اجتماعی مختلف میباشند و همکاری کشورها بر پایه برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و مراعات حقوق حاکمیت احترام بگذارد" (۲).

طبیعی است که جلوگیری از فرار و فرسوی و خامت اوضاع و تبدیل شدن آن به جنگ فقط با اقداماتی قاطعی که عمیقاً به ساختار اجتماعی جامعه نفوذ کند امکان پذیر است. صحبت از یکپارچگی قشرهای گسترده خلقها در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد انحصاری است. هیچ اختلاف نظریسیاسی واید کولوژیکی نباید مانعی سر راه رسیدن به این هدف باشد. بیست و ششمین کنگره حزب ما که در سال ۱۹۸۰ برگزار گردید با تاکید بر اینکه سیاست کاهش تشنج "ریشه های عمیقی دوانده است" خاطر نشان ساخت: "از آنجا که چنین سیاستی پاسخگوی منافع حیاتی تمام خلقها است و مبارزه در راه صلح وسیع ترین زمینه ها را برای اقدامات واحد فراهم میآورد. بدین منظور باید فعالانه با تمام تلاشهایی ملاحظه کرد که هدف آنها سرکوب مقاومت مردم در برابر جند است و یا در جهت متزلزل ساختن علاقه و تمایل مردم به تامین صلح استوار میباشند" (۳).

۱ - لنین و مجموعه کامل آثار (زبان روسی) جلد ۳۵ و صفحه ۱۳.

۲ - Kommunisternes program. København, 1976, s. 14.

۳ - Danmarks Kommunistiske partes 26. kongres. København, 1980 s. 123.

برخلاف نظر افراد بیشتری که میگویند گویا درس عمده تاریخ عبارت از این است که مردم هیچوقت درس عبرتی از آن نمیگیرند، احزاب کمونیست و کارگری از تجربه تلخ گذشته نتایج لازم و مقتضی را به دست آوردند. آنها در درجه اول تاکید میکنند که امپریالیسم توانست در جنگ جهانی که بلایا و مصائبی برای زحمتکشان ببار آورد تا حدود زیادی بدانجهت برآورد که بیکپارچگی لازم بود مهای ضد جنگ و سازمانهای آنها وجود نداشت. بطور عمده در نتیجه متفرق بودن طبقه کارگر، کمونیست های دانمارک در ویژگی های اوضاع اجتماعی - سیاسی معاصر شرایط واقعی برای برطرف ساختن ضعف های گذشته واعتلای یکپارچگی ضد امپریالیستی تا سطح نوی را می بینند.

در سال ۱۹۷۶ در کفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا قید میشد که " احزاب کمونیست و کارگری کشورهای اروپا با سایر نیروهای دموکراتیک و صلح دوست در آن ابتکارات سیاسی که چرخش بسوی کاهش تشنج را امکان پذیر ساختند و در تحکیم امنیت و همکاری در اروپا نقش قاطعی ایفا کردند (۱) ایفای این نقش امروز از طرف آنها لازم و ضروری تر است، زیرا اینک جهان ما با تشدید فعالیت نیروهای ضرتی ارتجاع روبرو است.

کمونیست های دانمارک معتقدند که مبارزه در راه صلح، مبارزه علیه کسانی است که از افزایش تسلیحات سود میبرند، علیه گروههای پر قدرتی است که امید وارند بکمک اعمال فشار و توسل بوزر از امتیازا خویش دفاع کنند و حق استثمار زحمتکشان را حفظ نمایند.

توده های مردم از جنگ بیزار و متفره هستند. بهمین جهت هم طرفداران مسابقه تسلیحاتی میکوشند جنبش ضد میلیتاریسم را در همان خطوطی که آنها مایلند شرکت کنندگان در نبرد های اجتماعی را به تفرقه و پراکندگی بکشانند (یعنی با ترساندن آنها از " خطر کمونیسم ") پراکند و متفرق سازند. مخالفان مابه این امید دلخوشند که اثبات کنند گویا تمام سازمان های طرفداران صلح که با همکاری میکنند یا حداقل با ماهدف واحدی را دنبال مینمایند " گروههای کمونیستی استوار شده " یا " همراهان کمونیست ها " هستند که گویا میخواهند به حساب تضعیف قدرت دفاعی جهان با اصطلاح آزاد اتحاد شوروی را تقویت کنند.

بهمین سبب است که یکی از وظائف مشخص ایدئولوژیک در مبارزه در راه صلح اقلان توده های مردم به این است که ما بسود تمام زحمتکشان با مسابقه تسلیحاتی و شعله و رساختن آتش جنگ مخالفت میکنیم. در ضمن روشن است که فراخواندن به همزیستی مسالمت آمیز و عدم مداخله در امور سایر کشورها بهیچوجه بمعنی محدود ساختن حق مبارزه در راه استقلال ملی و تغییرات اجتماعی نیست.

۱ - کفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا، برلن ۲۹ - ۳۰ ژوئن ۱۹۷۶، مسکو ۶ ۱۹۷۷

هنگامیکه امپریالیست ها حق این یا آن خلق را برای مراجعه به متحد پینش بمنظور دریافت کمک برای دفاع از آزادی خویش نفی میکنند و این عمل خود را با دعوت های ریاکارانه به صلح استعمار مینمایند و درحقیقت فقط خود شانرا افشاء میکنند . وقتیکه ایالات متحده آمریکا میکوشد بحث و مذاکره درباره ابتکارات صلح را بهم زند و تحریک خلقها و کشورهای صلح دوست را سازمان میدهد متقابلاً خصلت ضد امپریالیستی مبارزه در راه کاهش تشنج و همزیستی مسالمت آمیز هم تشدید مییابد . زمانیکه طبقه کارگر فعالانه با افزایش بودجه های نظامی مخالفت میکند و علیه سلاح هسته ای و استقرار موشک های تازه آمریکا در اروپا و همکاری بلوک آتلانتیک شمالی با رژیم های ارتجاعی و استبدادی در کشورهای آزاد شده اعتراض مینماید و آنوقت طبقه کارگر با سیاست داخلی و خارجی امپریالیستی درگیری پیدا میکند و در صفوف سوسیال دموکراتها درک خصلت طبقاتی اتحاد هائی که اکنون موجود است پدیدار میشود .

احزاب کمونیست و کارگری در کشورهای خود (طی سه سال اخیر نزدیک به سی کشور برگزار گردید) پیشنهادات مشخصی در جهت سازماندهی مقابله با خطر جنگ و حل مسائل بین المللی که ممکن است به درگیری نظامی منجر شوند بطرق سیاسی ارائه نمودند و مصرانه خواستار حل و فصل این مسائل میباشند . مسائل صلح و جنگ در مرکز توجه بیست و هشتمین کنگره حزب ماکه سال گذشته تشکیل گردید قرار داشت . کنگرانس عمومی حزب که در سپتامبر سال ۱۹۸۱ برگزار شد وظایف حزب را در مبارزه در راه تحکیم صلح و کاهش تشنج مورد بحث و مذاکره قرار داد .

تأمین وحدت عمل طبقه کارگر و متشکل ساختن آن و یکی از مسائل اساسی است که کمونیست های دنامارک در راه تحقق آن فعالیت میکنند . در عین حال توجه فراوانی به گسترش روابط با احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات میزدول میدارند و پیدایش تغییرات معینی در موضعگیری احزاب اخیر در مورد مسائل جنگ و صلح نیز به این امر کمک میکند .

در رهبری انترناسیونال سوسیالیستی هم علاقه به فعالیت های ضد جنگ پدید آمد و است و در ارتباط با این مسئله اجلاسیه بر روی انترناسیونال سوسیالیستی که تابستان در ن تشکیل یافت و نتایج مسافرت ویلی براندت صدر هیئت رئیسه انترناسیونال سوسیالیستی و صد حزب سوسیال دموکرات آلمان به اتحاد شوروی موضوع عمده مورد توجه آن بود میتواند نمونه ای باشد . اوضمن ارزیابی نتایج مذاکرات خود در مسکو گفت : " من هیچ تردیدی در علاقه و تمایل ل . ای . برژنف به صلح ندارم " . شرکت کنندگان در اجلاسیه که بیانگر تمایلات و روحیات مردم جهان بودند آغاز هر چه زود تر مذاکرات میان ایالات متحده آمریکا و شوروی در باره تمدود ساختن سلاح موشکی - هسته ای بایسرد توسط را طلب میکردند . اکثر سخنرانان و حاضرین در اجلاسیه تصمیم و اشننگن را برای استقرار موشک های هسته ای بیشتر امریکائی در اروپای غربی و بدون توجه به سرگرفتن مذاکرات با اتحاد شوروی و نتایج

آن ویاسرنگرفتن مذاکرات محکوم کردند . رهبران احزاب سوسیال دموکرات کشورهای اروپای شمالی از جمله دانمارک و نورنمای ایجاد منطقه بدون سلاح هسته ای در این بخش از قاره را به تفصیل مورد مذاکره قرار دادند .

البته نیاید اندیشه واهی بخود راه داد . اغلب هنوز هم تضاد های آشکاری میان مواضع احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات در ارزیابی رویداد های بین المللی و سیاست دولتهائی که نمایندگان آنها در رأس شان قرارداتند موجود است . نظریات هـ اشمیت صدراعظم جمهوری فدرال آلمان در مسائل سیاست خارجی کفاحال بارهانقش وکیل مدافع سیاست واشنگتن برای تبدیل اروپای غربی به میدان تیرسلاح موشکی — هسته ای امریکارا ایفاء کرده و مصرانه کوشیده است طرفداران صلح در آلمان غربی را " دست نشاندهگان " اتحاد شوروی معرفی کنده نمونه ای از این است . فـ بیتران رئیس جمهور سوسیالیست فرانسه نقشه امریکا بمنظور افزایش موشک های هسته ای تازه در اروپا صرف نظر از مذاکرات با اتحاد شوروی را تایید میکند .

" آتلانتیکی های " دانمارک که اکثریشان بمنظورهای راستگرا تعلق دارند از خواست امریکا برای ایجاد انبار اسلحه در اراضی کشور ما بمنظور استقرار اسلحه مهمات سنگین امریکا ، ساختمان موسسات تازه برای ناتوان انعقاد قرارداد ای که امکان بدهد در صورت پیدایش " وضع بحرانی " هواپیما های نیروی هوایی امریکا و واحدهای نظامی به دانمارک گسیل شود ، پشتیبانی میکنند . ولی چنین گسترش همکاری دانمارک با ناتوا بقدری بودن استقرار سلاح هسته ای ونیروهای خارجی در زمان صلح در اراضی کشور ما که اکنون معتبر است مغایرت دارد .

تغییراتی که در جنبش جهانی سندیکائی پدید آمده بسیار امیدوار کننده است . حالاً نه فقط فدراسیون جهانی سندیکاهای بلکه کفدراسیون بین المللی سندیکاهای آزاد و همچنین کفدراسیون جهانی کارمندان در راه صلح و علیه مسابقه تسلیحاتی مبارزه میکنند . با وجود اختلاف مواضع این اتحادیه های صنفی در برخی از مسائل مشخص ، سمتگیری ضد امپریالیستی هر چه روشن تر اقدامات آنها — راه را برای گسترش همکاری این سازمانها در مبارزه با خطر جنگ میگذراید .

نظیر این تغییرات در مواضع برخی از سندیکاهای ملی هم بچشم میخورد . این جریان را با توجه بمنظور دانمارک هم میتوان دنبال کرد . بطور مثال نمایندگان سازمانهای سندیکائی یوتلاند شمالی با اعلام اینکه " وقت آن رسیده است که جنبش کارگری از تمام نیروی متشکل خود بسود صلح استفاده کند " میتگر برگزاری کنفرانس سندیکاهای کشورهای اروپای شمالی در آلپورگ در ماه مه سال جاری (۸۱) گردیدند . مسائل گسترش جنبش توده ای که هدفش ایجاد منطقه شمالی بدون اتم است در مرکز توجه کنفرانس قرار داشت . این دیدار زمینه وسیعتری برای مبارزه در راه صلح در چهارچوب جنبش سندیکائی

فراهم ساخت ، مبارزه ای که در آن سوسیال دموکراتها و افراد غیر حزبی هم در کنار کمونیست های عضو سندیکاها شرکت میکنند . فعالیت سندیکها و اتحادیه های سندیکائی در این جهت ادامه دارد . این فعالیت ها بدین ترتیب تشدید میباید و در جریان اقدامات دامنه داری که بمنظور گردآوری امضاء زبیر درخواست : " مذاکرات را فوراً آغاز کنید ! " بحمل میآید مقیاس تازه ای کسب میکند .

ماباعلاقه پیشرفت اوضاع در سایر کشورها را زیر نظر داریم . این علاقه و تمایل زائیده واقعیتی است که بطور مثال بانفوذترین سندیکاهای بریتانیا که در گذشته از جنبش طرفداران صلح در ورپوند اینک در ردیف شرکت کنندگان فعال آن قرار دارند . کنگره سالانه مجمع عمومی تردیونیون هسای انگلستان در ماه سپتامبر قطعنامه ای را که شورای کل مجمع عمومی تردیونیون های بریتانیا ارائه کرد به ودیعت آن خواستار خلع سلاح اتمی یکجانبه کشور میشد بتصویب رسانید . اتحادیه سندیکاهای جمهوری فدرال آلمان هم فعالیت خود را تشدید میکند . این اتحادیه باطن فراخوان " صلح از طریق خلع سلاح " در مقابل " تزناتو " صلح از طریق افزایش تسلیحات " بیانگر اراده زحمتکش آلمان غربی برای تحکیم امنیت بین المللی گردید .

توافق سازمانهای عمده سیاسی و سندیکائی طبقه کارگر در مسائل جنگ و صلح گواه بارزی برای این است که اوضاع کنونی در جنبش کارگری تا چه اندازه با سالهای طوفانی پیش از جنگ های جهانی اول و دوم متفاوت است . اوضاع کنونی طوری است که جنبش کارگری قادر است راه را بر طراحان استراتژی درگیری نظامی بمقیاس جهانی ببندد . وحدت جنبشی که در آن کمونیست ها و سوسیالیست ها ، مسیحیون و غیر حزبی ها اشتراک دارند آن توانائی را دارد که محرك پیسایش اختلاف توده ای گسترده ضد جنگ گردیده و بدان سمت و نیرو بدهد .

معنی و مفهوم مشی سیاسی کمونیست ها این است که خود را در دایره هدفکران آیدئولوژیک خویش محدود نساخته و پایه صحنه وسیع مبارزه در راه صلح بگذارند . در واقع با اتکاء به همین نمایندگان احزاب برادر اروپا در دیدار خویش در پاریس (بهار سال ۱۹۸۰) تمام نیروهای صلح دوست را صرف نظر از ملیت ، معتقدات و شیوه زندگی بحد اکثره و انجام اقدامات مشترک فراخوانند . آنها با ما جمع به تمام مردم قاره اظهار داشتند " صلح امر مشترک ما است و مبارزه مشترک با قادر است پیروزی ما را در این امر تأمین کند " (۱) .

اینک باخرسندی میتوان یادآور شد که در عرضه بین المللی در ردیف طرفداران صلح ۱۳۷

۱ - دیدار احزاب کمونیست و کارگری اروپا برای تأمین صلح و خلع سلاح . پاریس ۲۸ - ۲۹ آوریل سال ۱۹۸۰ ، مسکو ۱۹۸۰ (بزبان روسی) صفحه ۷ .

کشوری که تحت رهبری شورای جهانی صلح عمل میکنند، سازمانهای تازه ای ملهم از درک مشترک اهمیت تاریخی نجات جامعه بشری از جنگ هسته ای نایبند کنند، بوجود میآید. • بطورمثال، آیسا این یکنشانه ویژه زمان مانیت که حتی برخی از سران عالیترتبه ارتشهای بورژوازی هم به این جنبش پیوسته اند؟ زنرال پاستی (ایتالیا)، باستیان (جمهوری فدرال آلمان)، کوشتا گومش (پرتغال)، فن مین فلد (هلند) و کوماناکاس (یونان) ۰۰۰ در بیانیه خود خطاب به دولت کشورهایی که سند نهائی امنیت و همکاری در اروپا امضاء کرده اند اعلام داشتند که "امروز شرافت سرسازی در جلوگیری از بروز جنگ است". •

یکی از مهمترین ویژگیهای مبارزه در راه صلح در حال حاضر عبارت از این است که اقداماتی که بخاطر آن صورت میگیرد، هرچه بیشتر جنبه بین المللی پیدا میکند. • بطورمثال در آغاز ژوئن سال جاری ۱۶۰ نماینده ۸۵ سازمان و جنبش از ۳۰ کشور اروپائی، ایالات متحده آمریکا و کانادا و همچنین ۱۳ سازمان بین المللی در استکهلم درباره مسائل پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی تبادل نظر کردند. • در پایان همان ماه جوانان کشورهای شمالی اروپا که از اندیشه شمال بدون سلاح هسته ای پشتیبانی میکنند در نروژ ملاقات کردند. • در ماه اوت نزدیک به ۲۰۰ نویسنده از بسیاری از کشورهای اروپا و از جمله از انمارک بیانیه ای منتشر کردند که در آن گفته شده است: "ما بدین منظور مشترکاً عمل خواهیم کرد که اروپا به صحنه پیکاراتنی جنگ جهانی جدیدی که دیگر آخرین جنگ خواهد بود، تبدیل نشود". • در جریان سی و یکمین کنفرانس پاگواش که برای بررسی موضوع "جستجوی صلح در جهانی که با بحران روبروست" در اخراوت و اوایل سپتامبر (۸۱) برگزار گردید، بیش از ۲۰۰ نفر از شخصیت های مشهور علمی از ۵۰ کشور راههای تحکیم امنیت بین المللی، کاهش تشنج و برقراری کنترل تسلیحات را مورد بحث و مذاکره قرار دادند. •

خطر مستقیم تبدیل اروپای غربی به عرصه درگیری هسته ای باعث پیدایش انواع تازه اعتراض و مخالفت گردید. • ابتکار منچستر "شهرت گسترده ای یافت. • این نام به ابتکار شهرداری یکی از بزرگترین شهرهای انگلستان داده شده است که تصمیم گرفت از دولت انگلستان بخواهد "از تولید و استقرار هر نوع سلاح هسته ای در محدوده شهر خودداری کند". • از تمهیم شهرداری منچستر شهرهای لیورپول، بریستول و شفیلد و درسی پشتیبانی کردند. • بیش از ۷۰ شهرداری، شهرها خود را منطقه بدون سلاح هسته ای اعلام داشتند. •

تظاهرات علیه تصمیم ناتو منظر استقرار موشک های هسته ای تازه در اروپا در کشور ماچان دانیه ای پیدا کرد که دولت مجبور شد "نگرانی خود را از نقشه های تحمیلی و اشننگن ابراز کند و پیشنهاد نماید که تحقق آنها به تعویق افتد. • دانیه این اقدامات گسترده همچنین به تشدید ایسن

خواست کمک کرد که منطقه شمالی بدون سلاح هسته ای ایجاد گردد و احزاب سوسیال دموکرات و سازمانهای سندیکائی منطقه ما را هم به جنبش ضد موشک جلب نمود .
 چگونه ممکن است " مارش صلح ۸۱ " را که در کپنهاگ آغاز گردید در اینجا بپایان نیاوریم . شرکت کنندگان در این راه پیمائی که ۲۲ ژوئن آغاز شد پس از طی بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر راه در اراضی دانمارک جمهوری فدرال آلمان ، هلند ، بلژیک و فرانسه ۶۶ اوت ، یعنی روز برگزاری سالگرد فاجعه اتمی هیروشیما و ناگازاکی وارد پاریس شدند .

یکی از وجوه تمایز اعتلای کونی تظاهرات ضد جنگ این است که نه فقدان شور و شورش های قبلی میان مبتکرین نیروی آن سازمانهای سایر کشورها و نه عدم دقت سیاسی و سازمانی تدارک راه پیمائی هیچکدام مانع موفقیت آن نگردد . موضعگیری برخی از گروههای شرکت کننده در راه پیمائی هم که تحت تاثیر تبلیغات دروغین امپریالیستی نسبت به سیاست اتحاد شوروی بوجود آمده بود نتوانست مانع موفقیت راه پیمائی گردد . و بالاخره متحد ساختن بسیاری از افراد شرکت کننده زیر شعارهای ضد امپریالیستی امکان پذیر گردید . در " مارش صلح ۸۱ " نمایندگان بیست ملت ، دانمارکی ها و هلندی ها ، انگلیسی ها و ایتالیائی ها ، ایرلندی ها و ژاپنی ها ، امریکائی ها و فنلاندی ها ، شرکت جستند . سازمان دهندگان آن هم دارای مختلف ترین گرایش های سیاسی و جهان بینی های متفاوت بودند . ولی یک اندیشه آنها را متحد میکرد و آن اینکه : به فاجعه هسته ای راه داده نشود ، راهی بسوی خلع سلاح گشوده شود .

برخی از سیاستمداران بورژوازی در غرب میکوشند خود و دیگران را بدین متقاعد سازند که آنچه گیری کونی اعتراضات ضد جنگ نتیجه آنست که این کارمند شده و مدتی که گویا داعیه نیست ، ولی در واقع همه چیز دال بر این است که ما شاهد تحول توده ای آگاهی اجتماعی متنوعی از لحاظ شکل و مقیاسی وسیع میباشیم . این تحول بحدی عمیق است که بنظر میرسد قادر باشد طیف خیلی وسیع تری از مسائل اجتماعی وایدئولوژیک را فراگیرد . زحمتکشان ارتباط مستقیم میان سیاست میلیتاریستی از یکسو و پایه های اقتصادی و سیاسی حاکمیت بورژوازی از سوی دیگر را هرچه روشن تر می بینند .

حال باید دید که امیک از عوامل اوضاع معاصر به پیدایش خصائص کیفی تازه جنبش توده ای علیه خطر جنگ کمک میکند . چه علل عینی باین جنبش چنان دامنه ای داده است که برخی از شخصیت های طرفدار امپریالیسم ناچار به طرح چنین پرسشی گردیده اند : آیا این بمعنی " آغاز بیطرفی اروپا " نیست ؟ بیطرفی اروپائیان است که آنها را روی تمایلات نیروهای صاحب نفوذ اروپای غربی به همزیستی مسالمت آمیز گردانده اند . بنظر ما این عوامل بقرار زیر است :

برای محافل بسیار متعدد و از لحاظ ترکیب اجتماعی و سیاسی ناهمگون اجتماعی (از جمله

اغلب برای لیبران احزاب سیاسی که در کشورهای سرمایه داری در راس حاکمیت قرار دارند (هرچه روشن تر میشود که جنگ هسته ای به چه پی آمده های فاجعه آمیزی برای سرنوشت جامعه بشری میتواند منجر گردد) نه ارزیابی های حاصله از احساس بیم و هراس، بلکه ارزیابی های هشیارانه کارشناسان متقاعد میسازند که استراتژی پنتاگون که بر پایه انجام یک "جنگ کپلکس" در اروپا استوار است چه نتایج هلاکتباری میتواند ببار آورد. چنین جنگی بمعنی استفاده از سلاح معمولی، هسته ای و شیمیایی و همچنین تسلیحات نیروهای صحرائی با کلاهک های نوترونی در آن واحد است. تمام این اندیشه که در تئوری "درگیری هسته ای محدود" خلاصه میشود و مستلزم تبدیل اروپای غربی به "پل مقدم استحکاماتی" ایالات متحده و امریکا است گواه آمادگی محافل حاکمه این کشور برای جنگیدن در اینجا تا آخرین ۰۰۰ متحد و تبدیل ساکنان اروپای غربی به "گروگان های اتی" ارباب ماوراء اقیانوس است. افزایش نیروهای مسلح کشورهای امپریالیستی در سایر مناطق جهان مانند خاور نزدیک و خلیج فارس و کوشش واشنگتن بمنظور احیای "دیپلماسی توپ و تفنگ" نسبت به کشورهای مستقل لیبی و کوبا و آنگولا و کره متوده ای هم بحق موجبات نگرانی جهانیان رافراهم میآورد.

— عدم توانائی سرمایه دولتی — انحصاری در جلوگیری از گسترش و تعمیق بحران و وابستگی متقابل میلیتاریزه کردن اقتصاد و پاراجتماعی — اقتصادی را که روی دوش زحمتکشان است بطور بارزتری نشانند. بسیاری از کارگران و نمایندگان قشرهای میانه حال شهروده که تاثیر نیک کاهش تشنج را در حل مشکلات زندگی خود احساس کرده اند عزم راسخ دارند برای جلوگیری از وخیم شدن اوضاع بین المللی و بازگرداندن جهان براه همکاری مفید. بحال همگان میان خلق هاتمام کوشش های لازم را بعمل آورند.

— تشدید تضاد های موجود میان کشورهای امپریالیستی و در درجه اول تضاد میان گروههای سرمایه انحصاری امریکای شمالی و اروپای غربی در طبقات حاکمه کشورهای متحد و واشنگتن این گرایش را بوجود میآورد که بدان اجازه ندهند از شرکای کوچک خود بمنزله مهره های گوش بفرمان در سیاست جهانی استفاده کند. منافع اقتصادی و کشورهای اروپائی را به بسط روابط اقتصادی با جهان سوسیالیستی ترغیب میکند و این نیز بتدریج پایه و اساس مادی همزیستی مسالمت آمیز را فراهم میکند. نقش سازنده سازمان پیمان و رشو که کشورهای شرکت کنند در آن مجموعه همه جانبه ای از اندیشه ها برای تحکیم امنیت بین المللی ارائه کردند و همچنین برنامه صلح برای سالهای ۸۰ که بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست، اتحاد شوروی تهیه و تدوین کرد و بتدریج بشکل ابتکارات و پیشنهادات مشخص در پیلماتیک درآمد کار پایه ای هستند که مساعی نیروهای ضد امپریالیستی را در اطراف آن میتوان متمرکز ساخت. واقع بینانه بودن مواضع کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و آمادگی آنها برای سازش معقول و قابل قبول برای طرفین بمنظور دست یافتن بواقفت توجه مردم را بخود جلب میکند.

رشد منابع سیاسی و نظامی - اقتصادی موسیالیسم جهانی و افزایش نفوذ احزاب کمونیست و کارگری جهان سرمایه داری و تشدید جنبه ضد امپریالیستی در سیاست یک سلسله از کشورهای در حال رشد برای نیروهای صلحدوست قدرت بالقوه فزاینده ای بوجود میآورند. برای نخستین بار در تاریخ جامعه بشری امکان از هم گسیختن این دو روتسلسل باطل بوجود آمد که پایان یک جنگ فقط مقدمه ای برای جنگ دیگر میشد و صلح فقط تنفسی در فاصله بین دو درگیری نظامی بود. هم اکنون بیش از یک سوم قرن است که در اروپا توطئه‌هایی غرند و صدای آژیرنگوش نمیرسد و مذب هانمی ترکند.

نیروی همبستگی بین المللی ضد امپریالیستی بمتوقف ساختن تجاوز آمریکا بویستام منجر گردید و از اعمال تضییق و فشار علیه خلقهای آنگولا، اتیوپی و کشورهای عربی و نیکارا گوئه که تازه استقلال بدست آورده اند جلوگیری میکند. بعبارت دیگر میان مقاصد تجاوزکارانه امپریالیسم و توانائی آن در تحقق نقشه‌های شومش تضاد بوجود آمده است. این امر تدبیرج امکان واقعی برای تحقق این خواست بوجود میآورد که ابتدا از سر زبردن به لبه پرتگاه جنگ جلوگیری شود و سپس مسئله آینده در معنی حذف جنگ از زندگی جامعه بشری حل و فصل گردد.

مدهاست آن روزها سپری شده است که بعضی هاتلاش میکردند با اثبات رسانند که جنبش طرفداران صلح گویا چیزی غیر از "ارتعاش هوا" نیست. نیروهای صلحدوست تا حال موفقیت‌های بسیاری بدست آورده اند. اینک سئولین امور در آمریکا از این مطلب آشکارا اظهار نگرانی میکنند که دول کشورهای اروپای غربی عضو ناتو در مقابل واکنش فزاینده توده های مردم نمیتوانند تصمیم مربوط به استقرار موشک های پابرد متوسط در اروپای غربی در اواخر سال ۱۹۸۳ را عملی سازند. تمام اینها در مبارزان راه صلح حسن اعتماد و اعتقاد به نیروی خویش و اهمیت و شریخش بودن مبارزاتشان بوجود میآورد.

کمونیست ها خواستار آنند که اعتراض توده ها علیه جنگهای امپریالیستی را بناینگته لنین " از انتظامیهم ویی اثر به برنامه سیاسی روشن و بمبارزه شریخش میلیون هانفر مردم ستمکش تحت رهبری پرولتاریا " (۱) مبدل سازند. مافقط سیاست میلیتاریسم و جنگ رارد نمیکنیم و بلکه در مقابل آن برنامه و سیاست سازنده ای ارائه میدیم.

حزب کمونیست دانمارک با توجه به شرایط مشخص کشور خویش به محافل مترقی صلحدوست آن پیشنهاد میکند که ساعی مشترک خود را در مبارزه علیه مسائل مشروح در زیر متمرکز سازند:

- تصمیم ناتو برای استقرار موشک های اتمی جدید در اراضی کشورهای اروپائی عضو این پیمان و
- تولید و ذخیره و بکار بردن کلاهک های نوترونی و
- انبار کردن تسلیحات در دانمارک برای نیروهای مسلح خارجی و
- ساختمان انبیه نظامی ناتو در اراضی ما و

— درخواست ناتود ابربراینگه در صورت پیدایش " اوضاع بحرانی " تنگه‌های دانمارک بسرو
 کشتی‌های کشورهای عضو سازمان پیمان ورشو بسته شود ،
 — اتخاذ تدابیری برای گسیل داشتن نیروهای مسلح خارجی به دانمارک بهنگام —روز
 " اوضاع بحرانی " .

در عین حال مایشنهاد میکیم که از اقدامات زیر پشتیبانی شود :

— الحاق دانمارک به منطقه فاقد سلاح هسته ای در شمال اروپا در عین وجود این تضمین
 که چنین سلاحی نه از اراضی کشورهای منطقی‌مانه علیه آنها مورد استفاده قرار نگیرد ،
 — انجام مذاکرات واقعی که به برداشتن گامهای سازنده ای در راه تحقق موافقتنامه
 هلسینکی کمک کند ، این اقدام برای ما از جمله بمعنی پایان بخشیدن به مداخله ناتو
 در امور دانمارک است .

بطوریکه میدانیم احزاب کمونیست کشورهای اروپای شمالی با بسیاری از نکات این پیشنهادات
 موافق هستند . احزاب برادری هم که در سایر مناطق فعالیت میکنند طریقی خود را برای تامین امنیت
 منطقه ای در دریای مدیترانه ، اقیانوس هند ، دریای بالکان و خاور نزدیک و امریکای لاتین ارائه داده‌اند .
 تحقق این قبیل برنامه‌های منطقه ای ، بدون تردید به تحکیم صلح در سراسر جهان کمک خواهد کرد .
 مقیاس‌های تازهٔ خرد جنگ که زائیدهٔ مشی دولت امریکا است نیازمند تکمیل هر چه بیشتر مبارزات
 ضد میلیتاریستی ما و همچنین تعیین دقیق هدف‌های مستقیم و دراز مدت آنها است . در حال حاضر
 این بمعنی تمرکز نیروها برای انجام وظیفه عظیم گذاردن مساعی ارتجاع است که هدفش دست‌یابی به
 تحقق نظریهٔ " تحمیل نیات خود در سراسر کره زمین " خواه از لحاظ مادی ، خواه سیاسی و خواه
 ایدئولوژیک، میباشد . تحقق هدفهای ارتجاع از لحاظ مادی بمعنی ایجاد تغییر و تحول در ماشین
 جنگی آن در جهت سازگار ساختنش با اساسهای استراتژیک تازه مانند ایجاد " واحدهای استقرار
 سریع " ، تولید و استقرار انواع جدید اسلحه و در درجه اول سلاحهای کشتار جمعی است . این عمل
 از لحاظ سیاسی بمعنی کاستن از شدت اختلاف نظر هاد ریلوک‌های امپریالیستی در عین تابع ساختن
 هر چه بیشتر آنها بمنافع امپریالیسم امریکا و از لحاظ ایدئولوژیک بمعنی تشدید احوال و روحیه ضد
 کمونیستی و ویژه ضد شوروی است .

در ارتباط با تشدید جنگ روانی که ارتجاع علیه نیروهای مترقی و ضد جنگ برآورد انداخته
 و ظایف بزرگ و بفرنجی در برابر ما قرار گرفته است . وسائل ارتباط جمعی بورژوازی بدون احساس خستگی
 میکوشند ب مردم بیم و هراس در برابر " خطر شوروی " را تلقین کنند و آنها را به " مفید بودن " اقتصادی
 سابقهٔ سلطنتی و " قابل قبول بودن " اخلاقی و نظامی جنگ هسته ای متقاعد سازند . ما با اتکا به

فاکت ها و دلائل مفتح میکوشیم مفهوم و معنی حقیقی این کلیشه های تبلیغاتی و نظایر آنها را بر ملا ساخته و نشان دهیم که در پس آنها چه چیزی نهفته است. این عمل به برطرف ساختن احساس محکوم سرنوشت بودن و مطیعانه در انتظار "سرنوشت محتمل" نشستن در آن همان توده های یاری خواهد رسانید.

تشریح سیاست خارجی صلحد و ستانه کشورهای سوسیالیستی هم به این امر کمک میکند. ما کاملاً از پیشنهاداتی که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و سازمان پیمان ورشو ارائه کرده اند پشتیبانی میکنیم و ولی نه بدین سبب که آنها را "شرق سوسیالیستی" مطرح ساخته است. آیا کمونیست ها به هراپتکار سازنده "غرب سرمایه داری" رأی موافق نمیدادند؟ ولی گجاست این ابتکارات؟

ماهیت مسئله در این است که خصلت طبقاتی بلوک آتلانتیک شمالی شرکت کنندگان در آنرا به سوی تشدید تدارکات جنگی سوق میدهد. ولی خصلت طبقاتی سازمان پیمان ورشو جستجوی خستگی ناپذیر راههای تازه کاهش تشنج و ایجاد چنان جوئی را که برای همکاریهای بین المللی بسود ترقی اجتماعی و اقتصاد میسازد. عدم درک این تفاوت ریشه ای میان دو اتحاد نظامی - سیاسی هم منجر بدان میگردد که اغلب آنها را در ردیف هم قرار میدهند.

ماهیه چو قوت از این یا آن شرکت کننده در جنبش در راه صلح و انتخاب سوسیال میان کمونیسم و سرمایه داری را مطالبه نکرده ایم و نمیتوانیم مطالبه کنیم. ما فقط آنها را بدین فرامیخوانیم که بدون پیشداوری معلوم محین کنند که اقدامات چه کسانی و چگونه اقداماتی به امر کاهش تشنج کمک میکند و چه اقداماتی آنها متزلزل میسازد. تعیین کنند تا بتوانند طبق آن هم عمل کنند.

ولی برخورد ما به برخورد کمونیست ها به این مسئله کاملاً روشن و صریح است. برای ما چنین مسئله ای وجود ندارد که در درگیری میان تجا و زکاری کشورهای امپریالیستی و صلحد و شستی کشور های سوسیالیستی ما طرفداری هستیم. کمونیست های دانمارک که بطور پیگیر طرفدار کارپایه "پلاتفوم" مارکسیسم - لنینیسم میباشند میگویند: مبارزه مصرانه کشورهای سوسیالیستی در راه صلح و خلع سلاح و مبارزه ما و هدفهای آن، هدفهای ما است.

تحکیم وحدت جنبش کمونیستی، اقدامات مشترک احزاب برادر در مورد مسائل صلح، کاهش تشنج و خلع سلاح مهمترین شرط استفادۀ شریخش از امکانات بالقوه سالم سازی مناسبات بین المللی است. کنفرانس برلین و دیدار پاریس احزاب کمونیست و کارگری اروپا، سایر جلسات مشاوره منطقه ای و تماس های دو جانبه امکان واقعی چنین همکاری و مفید بودن آنرا تأیید میکنند. نماینده حزب ما در دیدار پاریس ضمن سخنرانی خود گفت: "ما اقدامات مشترکمان را شرط مقدماتی ایجاد وحدت سی بمقیاسی گسترده تر و ادای سهمی در این راه بشمار میآوریم و این عقیده را باید کاملاً مردود بدانیم."

که ۰۰۰ دیدارهای احزاب کمونیست بایکدیگر زبان بخش است (۱) • مانا امروز هم همین نظر را داریم • زندگی مدتهاست باثبات رسانده است که این قبیل دیدارها بدون آنکه به خود مختاری و استقلال و برابری حقوق هر یک از احزاب کمونیست زبانی برسانند • در پیشرفت همکاری آنها چه بیمن خودشان وجه با سایر نیروهای سیاسی تاثیر نیکي دارد • در درجه اول این امر در مبارزه در راه صلح صادق است •

تجربه چند جانبه و شمر بخش کمونیست ها را متقاعد میکند که تغییرات اجتماعی - سیاسی چند ده ساله اخیر شرایطی بوجود آورده که امکان میدهد نه فقط از سر ایزر شدن بسوی درگیری نظامی جلوگیری شود • بلکه جنگ جهانی به ورکلی در طول تاریخ آینده از زندگی جامعه بشری حذف گردد • بدین منظور باید افکار عمومی و مردم صلح دوست را فعالتر برای مبارزه علیه سیاست امپریالیستی " از موضع قدرت " و در راه تثبیت اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای که دارای سازمانهای اجتماعی مختلف میباشند و ساختمان بنای صلحی پایدار و ثبات مجسمه ساخت • مایکی از مهمترین شرایط لازم را برای اینکه کمونیست ها بتوانند رسالت تاریخی خود را که عبارت از آزادی اجتماعی و اقتصادی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان است یا انجام رسانند • در انجام این عمل میدانیم •

مرحله کنونی جنبش آزادپیشش ملی

خالد بگداش

دبیرکل کمیته مرکزی حزب

کمونیسٹ سوریه

بطوریکه میدانیم افتخار کشف نیروی بالقوه (پتانسیل) عظیم انقلابی جنبش آزادپیشش ملی متعلق به آموزش لنینی است . در حالیکه سوسیال دموکراسی بین المللی این جنبش را بهیچ میسرمد و نقش بزرگ متحد پرولتاریا بودن آنرا در مبارزه در راه دگر سازی سوسیالیستی جهان نفی میگرد ، و . ای . لنین یاد آور میشد که : " . . . انقلاب سوسیالیستی فقط و بطور عمد ه مبارزه پرولتاریا انقلابی در هر کشور علیه بورژوازی خود نخواهد بود ، - نه ، این انقلاب مبارزه تمام مستعمرات و کشورهای هائی که مورد ستم امپریالیسم قرار گرفته اند و مبارزه تمام کشورهای وابسته علیه امپریالیسم بین المللی خواهد بود " (۱) . او در عین تاکید این ضرورت که همیشه باید در مبارزه انقلابی نقش نیروها و قشرهای اجتماعی را که از لحاظ سرشت طبقاتی خود مختلف هستند بحساب آورد نوشت : " . . . تصور اینکه انقلاب سوسیالیستی بدون عصیان ملت های کوچک در مستعمرات و در اروپا ، بدون انفجار های انقلابی بخشی از خرده بورژوازی باتما خرافاتش و بدون جنبش توده های ناآگاه پرولترونیسمه پرولتر علیه ظلم و ستم مالکان ، کلیسا ، شاهان و ملت گزائی و مانند اینها امکان پذیر است ، این چنین تصویری بمعنی دست کشیدن از انقلاب اجتماعی است " (۲) .

در عین حال جنبش آزادپیشش ملی جای ویژه ای ، میتوان گفت جای نسبتاً مستقلی نسبت به سایر جریانهای پروسه انقلابی جهانی دارا میباشد . این جنبش در شرایطی مخصوص بخود عمل میکند و طیف طبقات و قشرهای اجتماعی که در آن شرکت میکنند و دایره هدفها و وظائفی که در برابر آن قرار دارد بسیار وسیع است . ۵۰ امین امپریای بحث نسبت به سمت و سرنوشت آن زمینه فراهم میکند .

۱ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۹ ، صفحه ۳۲۲ .

۲ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۰ ، صفحه ۵۴ .

هنگامیکه سیستم استعماری جهانی در هم فرو ریخت و روی خرابه‌های آن ده‌ها کشوری نواستقلال بوجود آمد این پرسش که دارای اهمیتی بسیار اساسی است مطرح شد: مناسبات میان این کشورها و کشورهای امپریالیستی چگونه بسط و تکامل خواهد یافت - در جهت هماهنگی و بهبود و یا حاد تر و بی‌ترنج تر شدن؟

این سؤال فقط برای سیاستمداران بورژوازی وایدئولوگهای اردوگاه امپریالیسم مطرح نمیشد. این پرسش در خود کشورهای آزاد شده، در محافل مربوط به جنبش آزاد بیخشم ملی و حتی در محیط دموکراسی انقلابی هم پدید می‌آمد. بطور مثال در کشور ما سوریه برای این سؤال تا مدت طولانی پاسخی پیدا نمیشد. گفتگوهائی درباره این موضوع جریان داشت که با برآوردن برخی از دعاوی سیاسی و اقتصادی امریکائی ها و بدین ترتیب واداشتن آنان به امتناع از توطئه‌های ضد عربی چگونه با ایالات متحده امریکا زبان مشترکی پیدا شود. برخی هابه امکان تامین بیطرفی امریکا در درگیری میان اعراب و اسرائیل می‌اندیشیدند. گاهی هم بدون توجه به اختلاف شرکت اجتماعی و طبقاتی امریکا و اتحاد شوروی از دو "ابرقدرت" سخن بمیان می‌آوردند. این پایه‌ای برای چنین نتیجه‌گیری بود که: نه دوستان دائمی وجود دارند و نه دشمنان دائمی.

باید تاکید کرد که پاسخ به پرسش مربوط به دورنمای پیشرفت مناسبات میان امپریالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی راه‌مواره خود زندگی که گواه و خاتمت مداوم آنهاست داد و موید هد. این نیز نه بوسیله شرایط گذر بلکه با عوامل عمیق و برطرف نشدنی که دارای خصیلت عینی هستند، معین میشود.

جنبش آزاد بیخشم ملی در اساس، وابتدای خود نه بوسیله تضاد های اجتماعی داخلی، بلکه به سبب برخورد آشتی ناپذیر با استعمار یعنی با دشمن خارجی بوجود آمده است. این جنبش بمنزله اعتراض علیه اشغالگریهای استعماری، بهره‌کشی امپریالیستی و ستم سیاسی نسبت به مستعمرات و نیمه‌مستعمرات از طرف کشورهای مستعمره در بوجود آمد.

علت دامنه وسیع و گوناگونی نیروهائی که انقلاب آزاد بیخشم ملی آنها را بحرکت در آورده (از بورژوازی تاحتی عناصر نیمه فئودال و خرده بورژوازی تا دهقانان و طبقه کارگر) و تنوع هدفها و وظائفی که در برابر آن قرار دارند نیز همین است. آزادی سیاسی، ایجاد دولت ملی، پیروزی از سیاست مستقل، برطرف کردن وابستگی، عقب ماندگی اقتصادی، الغای وضع عدم برابری حقوق در چهارچوب سیستم سرمایه داری جهانی و غیره بین این اهداف و وظائف مقام عمده ای دارا میباشند. این وظائف دموکراتیک کلی که در جهت مخالفت با حاکمیت بلاواسطه سیاسی و اقتصادی استعمارگران میباشند در مرحله مبارزه ضد استعماری اکثریت دارند و محور اساسی پیکاری راکه در

میگیرد تشکیل میدهند .

ولی حتی در این مرحله هم با وجود دامنه وسیع زیربنای اجتماعی جنبش آزاد بیخترملی، در سطوح مختلف خواستههای طبقاتی دقیقی به پیشکشیده میشود که علیه متحدین استعمارگران در استشارت و تحت ستم قرار دادن توده‌های مردم مانند فقودالها و بورژوازی کمبراد و روهمجین برخی از اقشار بورژوازی بزرگ ملی میباشد . درخواست لغو تکالیف و مقررات فئودالی ، تقسیم زمین میان دهقانان ، محدود ساختن طول روز کار ، افزایش دستمزد و واگذاری آزاد بهای دموکراتیک نمونه‌ای از این خواسته‌ها میباشد . بطور مثال در سوریه مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی بطورارگانیک با مبارزه در راه دموکراسی ، انجام انتخابات آزاد و قانون اساسی دموکراتیک کشور و مانند اینها درهم آمیخت .

بعبارت دیگر نطفه‌های پیدایش تغییرات اجتماعی - طبقاتی در جنبش آزاد بیخش ملی در همان مرحله مبارزه علیه سلطه استعماری مشاهده میگردد .

طبیعی است که پس از ایجاد دولت مستقل ملی این اختلاف وجدائی ادامه یافته و عمیقتر میشود . این تقسیم بندی با شکل مختلف و در سطوح مختلف جریان مییابد ولی این یک پروسه عینی و بلا انقطاع است . این پروسه بهمان نسبت که جنبش آزاد بیخش ملی قاطعانه ترعلیه سیستم جهانی امپریالیسم ، علیه استثمار سرمایه داری عمل میکند و با مضمون اجتماعی تازه ای غنی میشود ، هر چه مشخص تر ظاهر میگردد . در نتیجه قشرهای اجتماعی قابل توجهی مانند زمینداران بزرگ و سرمایه داران و همچنین محافل " بورژوازی نوپا " و بویژه بورژوازی طفیلی از جنبش دور میشوند .

ولی این بمعنی بحران جنبش آزاد بیخش ملی نیست ؛ زیرا طبقه کارگر ، دهقانان ، روشنفکران انقلابی و سایر زحمتکشان هسته آنها را تشکیل میدهند . با وجود تمام پیچ و خم ها و چرخش ها ، این جنبش نیروی غلبه ناپذیر و روزافزونی است . کنگره پنجم حزب ما (مه سال ۱۹۸۰) با توجه به جنبش آزاد بیخش ملی عربی یادآور شد که : " تعقیب کردن برخی از رویداد های سطحی درد نیای عربی برای قضاوت درباره پیشرفت جریان امور بطوریکه کافی نیست . خیانت این بیان رئیس دولت و ناپیگیری برخی از محافل حاکمه حتی در یکی از کشورهای آن که دارای رژیم مترقی هستند نمیتوانند میزان و معیاری برای صدور حکم درباره تمام جنبش آزاد بیخش ملی عربی و یا اساسی برای چنین نظری باشد که گویا این جنبش در حال بحران و یا فروکش است . باید پروسه های عمیقی را که در بطن جامعه میمنی در میان توده های مردم جریان دارد و تاثیر آنها را در پیشرفت جنبش بصور کلی مورد توجه قرار داد " (۱) .

۱ - خ . یگداش . گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به پنجمین کنگره حزب ، دمشق ، سال ۱۹۸۰ صفحه ۵۰ (بزبان عربی) .

زندگی صحت این ارزیابی را تایید کرده و می‌کند .

ده ساله گذشته در تاریخ جنبش آزاد بیخش ملی مقام ویژه ای را در ارمیاباشد . در این سال ها مبارزه توده های مردم در آسیا ، افریقا و امریکای لاتین دامنه عظیمی کسب کرد که فقط با دامنه اقدامات و تظاهرات پس از جنگ جهانی دوم قابل مقایسه است . در یک سلسله از کشورهای مانند ویتنام متحد ، لاوس ، کامپوچی ، ایتوی ، آنگولا ، نیکاراگوئه ، موزامبیک و افغانستان مردم به حاکمیت رسیدند . بر رژیم ارتجاعی ایران که امپریالیستهای امریکا آنرا در نظامی - سیاسی خلل ناپذیر و ژاندارم مطیع خود میدانستند و از آن برای مبارزه علیه خلقهای خاور نزدیک و میانه و جنبش آزاد بیخش ملی عربی ، علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی استفاده می‌کردند ، پایان داده شده است . در مناطق قرق استعمار و نژاد پرستی مانند زیمبابوه ، نامیبیا و جمهوری افریقای جنوبی اقدامات اعتراض آمیز و بیگانه توده های مردم با قدرت بی نظیری جریان دارد . گرایش به تشدید مبارزه خلقها در بسیاری از کشورهای افریقا ، آسیا و امریکای لاتین که در آنها رژیم های ارتجاعی بر سر کار میباشند که تابع امپریالیسم امریکا هستند (مانند سالوادور ، گواتمالا ، کره جنوبی و غیره) هر چه روشنتر ظاهر میشود .

امپریالیسم جهانی برهبری ایالات متحده امریکا زمانی نسبت به این مسئله که موفیق خواهد شد کشورهای آزاد شده نواستقلال را تابع استراتژی سیاسی و اقتصادی جهانی خود نماید تصورات باطلی داشت . امپریالیسم در تلاش برای رسیدن به این خواست خود خصلت توسعه طلبانه نقشه هائی را که برای برقراری فرمانروائی مطلق بر آنها (اگرچه بکمک شیوه های نوهها شد) در مرمیرواند پنهان میکرد ، به نقوذ پنهانی ، مانورهای جنبی وعده های هوسا نکیز متوسل میشد و از طریق دولت‌های ارتجاعی خود فروخته ای عمل میکرد که برای خفه کردن جنبش آزاد بیخش خلق های خود کمک سیاسی و نظامی دریافت میکردند .

سالهای ۷۰ بی اساسی کامل این قبیل حسابها را نشان دادند . امپریالیسم در زیر ضربات شدید ی قرار گرفت و شکستهای فاحشی خورد . در عوض مردم اطمینان بیشتری به نیروها و امکانات خود بدست آوردند . این نکته آشکار شد که خصلت اساسی که از روز پیدایش و ویژه جنبش آزاد بیخش ملی است و میتوان آنرا در سمت گیری آن علیه سلطه بیگانه خلاصه کرد نه فقط بحال خود باقی است بلکه در جهت مخالفت با سیاست نواستعماری عمل میکند و ژرف تر میشود .

موج خشم و نارضائی مردم مواعظای جنبش بسیاری از کشورهای آزاد شده و آن کشورهایی را فراگرفت که چنانکه تصور میشد در ولت‌پیشان بطور پیگیر از سیاست " سمپاتی " و " تفاهم متقابل " نصبت با امپریالیسم پیروی میکنند . تظاهرات زحمتکشان در کشور تونس هم که دارای سمتگیری سرمایه داری

است دامنه وسیعی پیدا میکند . این تظاهرات زیرشماره‌های دموکراسی ، آزادبیهای سندیکاوسی ، حق تشکیل احزاب سیاسی مترقی میهن پرست برگزارگردید . حتی عربستان سعودی را که زیر یوغ رژیم استبدادی در رنج و عذاب است و در مواضع طرفداری از امریکا قرار دارد و به پشتیبانی ایالات متحده امریکا اتکا میکند نیز موج شدیدی از فعالیت مردم فراگرفت - شرکت کنندگان در رویدادها بخش خاوری کشور با پیشکشیدن شعار مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و سلطه ارتجاع و در راه استقلال ملی واقعی و دموکراسی نمونه‌هایی از قهرمانی از خود نشان دادند . تعداد کثیر کشته شدگان و زخمی هان نتیجه حمله و هجوم علیه آنان بود .

اوضاع و احوال در آغاز سالهای ۸۰ گواه بر این است که اعتلای جنبش خلق که در دهساله قبلی بچشم میخورد ادامه دارد . در ژوئن سال ۱۹۸۱ در کازابلانکا (مراکش) مردم به اعتراض همگانی نیرومندی دست زدند که اگرچه بمنزله اعتراض علیه گرانی بیش از حد مواد خوراکی ضروری آغاز گردید ، دارای مضمون خلقی - دموکراتیک ژرفی بود . در نتیجه زد و خورد های خونین بانیهوهای دولتی بیش از ۶۰۰ نفر بهلاکت رسیدند .

طبقه کارگرسودان که واحد چند هزار نفری کارگران راه آهن پیشاپیش آن قرارداد داشت مبارزه اعتصابی گسترده و درازمدتی دست زد . اندکی بعد تمام نیروهای مخالف رژیم نمری این شریک زد و بند با امپریالیست های امریکا و رژیم سادات به این مبارزه پیوستند . مخالفت با مشی خائنانسه سادات در مصر استحکام می پذیرد . گروههای میهن پرست بسیاری همراه با حزبل ملی مترقی (جپ) و کمونیست های مصر علیه زد و بند شرم آور کمپ زد وید مبارزه میکنند . عملیات پر دامنه تعقیب و بازداشتی که در سپتامبر سال جاری از طرف دولت آغاز گردیده تنها برانزوی روز افزون رژیم و تزلزل مواضع آن گواهی میدهد . مبارزه در راه دموکراسی در کشورهای عربی و از جمله در عراق گسترش هر چه بیشتری می یابد ، نیروهای مترقی عراق با تضییق و فشار و تعقیب به مخالفت برخاسته اند و خواستار واگذاری خود مختاری به خلق کرد میباشند .

دهساله گذشته با ثبات رسانید که اکثریت قاطع کشورهای آزاد شده ، صرف نظر از سمتگیری مختلف پیشرفت اجتماعی شان ، مایل نیستند مطیع و منقاد و بند و آزار از استراتژی امپریالیسم پیروی کنند . این گرایش تا امروز هم موجود و موثر است . گواه این امر از جمله دنیای عرب است . علیرغم فشار های اسرائیل و خیانت سادات ، آ . هیگ و زبامور خارجه ایالات متحده امریکا موفق نشد در جریان مسافرتش به خاور نزدیک در بهار سال جاری کشورهای عربی را ، حتی آنهایی را که به داشتن مناسبات دوستانه با واشنگتن شهرت دارند ، به بلوکنده ای بمنزله و مقابله با " خطر شوروی " موهوم بکشاند . در باره کشورهای که دارای رژیمهای میهن پرست ضد امپریالیستی هستند (مانند سوریه ، لیبی

یمن، موقتیک، الجزیره و همچنین جنبش مقاومت فلسطین) ، باید گفت آنها آشکارا اعلام داشتند که آنها را نه اتحاد شوروی بلکه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی تهدید میکند و اتحاد جماهیر شوروی در مبارزه علیه تالیات تجاوزکارانه و توسعه طلبانه دشمن مشترک دست و متحد اعراب است . در نیمه دوم سالهای ۷۰ مقاومت خلقهای عرب علیه نیات امپریالیسم امریکا و صهیونیسم نسبت به منطقه ما تشدید گردید و دامنه هرچه وسیعتری کسب کرد . زد و بند یکجانبه کمپ ترید میان واشنگتن ، تل ابویو قاهره درین بصت کامل قرار گرفت . شرکت کنندگان در جنبه پایداری و عمل متقابل و در درجه اول سوریه که موضعگیریش از پشتیبانی توده های مردم کشور برخوردار است نقش عمده را در دفع نقشه های تجاوزکارانه محافل امپریالیستی و صهیونیستی ایفاء میکنند . فعالیت جنبه مترقی ملی جمهوری عربی سوریه که حزب بعث و حزب کمونیست سوریه و تعداد دیگری از احزاب را متحد میسازد در این امر دارای اهمیت بسیار است . محافل مترقی میهن پرست در کشورهای عربی ، نیروهای صلح و آزادی ، در سراسر جهان بر رهبری اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی از سوریه بطور روزافزونی همه جانبه پشتیبانی میکنند .

امپریالیسم با درک عدم امکان رسیدن به تفاهم متقابل با جنبش های آزاد بیخشم ملی بمنظور حفظ آنچه را که داراست و بازگرداندن هر آنچه از دست رفته و دست آوردن مواضع تازه از نوبه شیوه های استثمارگری گذشته مانند ایجاد پایگاه های نظامی و تمرکز نیروهای نظامی در یغی متوسل گردید و حالا به سرهم بندی کردن " نیروی واکش سریع " دست زده است . گاهی از حملات شدید امپریالیسم علیه جنبش آزاد بیخشم ملی سخن میگویند . ولی در واقع این نه حمله ، بلکه حمله متقابل در نتیجه تعرضات پیروزمندانه مبارزان در راه آزادی ملی علیه مواضع امپریالیست ها در آسیا ، افریقا و امریکا لاتین است .

امپریالیسم جهانی برهبری ایالات متحده امریکا که به کوری طبقاتی مبتلاست میکوشد عوامل تغییرات گسترده هورف در جنبش آزاد بیخشم ملی را کم اهمیت جلوه دهد و یا منکر آنها گردد . امپریالیسم این جنبش را " تروریسم بین المللی " مینامد که گویا " دست مسکو " از پس آن دیده میشود . ولی این قبیل اظهارات پوچ و یابو برای فریب افکار عمومی امریکا و بطور کلی غرب ، برای تبرئه عملیات جنگی بمباران جهانی است که امپریالیست ها در تلاش خود برای سیطره جوئی و تسلط یافتن بویژه بر کشورهای نو استقلال و ازین دسته بد آنهاست متمیزند و کسی را نمیتواند گمراه سازد . چه کسی میتواند باور کند که گام نهادن گروه کثیری از کشورهای آسیا و افریقا در راهی یاد ورنمای سوسیالیستی ، انقلابهای پیروزمند در ایران و نیکارا گوته ، نبرد های شدید در سالوادور ، مقاومت خلقهای عرب برهبری سوریه و جنبش مقاومت فلسطین در برابر نیات سو^ا امپریالیست ها و صهیونیست ها ، اقدامات و تظاهرات

توده ای در مراکش، عربستان سعودی، سودان و جنبش مسلحانه ملی و دموکراتیک در جنوب آفریقا همه بی‌آمد های "فعالیت های تروریستی" گذاشتی است؟ توده های مردم و نیروهای ملی و دموکراتیک به تجربه خود هرچه روشنتر درک میکنند که اعتلای جنبش آزاد بیخشی ملی چیزی دیگری غیر از واکنش در برابر تروریسم بین المللی که مورد استفاده امپریالیست های آمریکا میباشد، نیست. علت آنهاست این است که آمریکا بمنظور تحمیل سلطه خود بر خلقها و بدست آوردن امکان بهره‌کشی و غارت و حشیانه ثروت‌های طبیعی آنها از تروریسم بین المللی استفاده میکند.

بموازات این اعتلای جنبش تحت‌تاثیر مبارزات روزافزون توده‌ها در جریان تمام این پروسه تاریخی مضمون اجتماعی انقلاب‌های آزاد بیخشی ژرف‌تر و عمیق‌تر میشد. گرایش سراسری بمقیاس‌های بسیار گسترده تری از گذشته آزاد ای ملی به آزادی اجتماعی پدید آمد.

سخنان پیام‌گونه لنین که زمانی ایراد گردیده است که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت ارجامعه بشری ز سرمایه داری به سوسیالیسم آغا ز گردید بحقیقت پیوست. اگر چه در آن هنگام پیش بینی چنین دورنمایی هنوز دشوار بود و با اعتقاد کامل خاطر نشان می‌ساخت که: "... در پیکار های سرنوشت ساز انقلاب جهانی در آینده، جنبش اکثریت سکنه روی زمین که در آغاز هدف آزاد ای ملی را دنبال میکند علیه سرمایه داری و امپریالیسم برخورد گشت." (۱)

بطوریکه میدانیم جریان واقعی پیشرفت انقلاب صحت پیش بینی لنین را تایید نمود. سمت گیری ده‌ها میلیون از مردم در رکشورهای آسیا و آفریقا بسوی سوسیالیسم بر این سخن گواهی میدهد. ولی پیش کشیدن مسائل اجتماعی مقدم بر سایر مسائل بمعنی این نیست که خلصت جنبش آزاد بیخشی ملی عمیقاً تغییر کرده و این جنبش دیگر اساساً متوجه دشمن خارجی نیست. تضاد های خلق‌های کشورهای آزاد شده با امپریالیسم به شدت خود باقی است، با وجود آنکه مبارزه سیاسی داخلی اشکال بسیار شدیدی تر و گوناگون‌تری پیدا کرد آن تضاد ها جای خود را به تضاد های داخلی اجتماعی - طبقاتی و مبارزه سیاسی داخلی ندادند. میدانیم که جریان غنای مبارزه آزاد بیخشی ملی با مضمون اجتماعی یا منافع امپریالیسم در تضاد است و عمیق‌تر شدن آشتی ناپذیری با آنرا ایجاب میکند.

بمبارت دیگر تضاد میان نیازمندیهای پیشرفت مستقل سیاسی و اقتصادی کشورهای نو استقلال و سیاست دیکتات و هژمونی اقتصادی که انحصارهای امپریالیستی دنبال میکنند زمینه عینی جنبش آزاد بیخشی ملی معاصر را بوجود می‌آورد. این درگیری جزئی از تضاد کلی سرزمین نیازمندیهای

پیشرفت نیروهای تولیدی و چهارچوبهای تنگ مناسبات اجتماعی — اقتصادی است که ویژه سیستم سرمایه داری جهانی میباشند . از آنجاکه این تضاد زلحاظ خصلت خود تضاد آشتی ناپذیر است از طریق توافق متقابل ، تفاهم متقابل و آشتی طبقاتی نمیتواند حل شود . بنابراین جنبش آزاد بیخشم ملی نه فقط علیه این یا آن کشور استعمارگر ، بلکه علیه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری جهانی بطور کلی هم مبارزه میکند . این جنبش دارای جهت عینی ضد سرمایه داری و انگیزه ویژه تحول و دگرگونی سوسیالیستی جهان است و به همین سبب بمنزله بخش جدائی ناپذیر پروسه انقلابی جهانی میباشد . اما گرایش عمومی دموکراتیک در جنبش آزاد بیخشم ملی هم که اساساً علیه امپریالیسم بمنزله یک سیستم جهانی است از زمین نمیروید . بعکس این گرایش در طول و عمق به بسط و تکامل خود ادامه میدهد زیرا اکثریت قاطع کشورهای مبارزه آزاد بیخشم ملی یا بطوریکه حالاً آنها را مینامند ، کشورهای در حال رشد ، هنوز آزاد نشده است و از رشته‌هایی که آنها را با سیستم سرمایه داری جهانی ارتباط میدهد ، رهائی نیافته است . در واقع وضع تابع ، وابسته و تحت ستم این کشورها همانند دوران سیادت استعماری در چهارچوب آن سیستم بحال خود باقی است . بسط و تکامل گرایش عمومی دموکراتیک در اعتراض علیه چنین وضعی خود را نشان میدهد و این گرایش را نه بکمک مانورهای مختلف و نه با شیوه زورگویی و ترور نمیتوان زمین برد . این گرایش مدت معینی میتواند پنهان بماند ولی ناگزیر بعداً باید آشکار گردیده و تثبیت شود .

در سالهای هفتاد گرایش دموکراتیک تاحدی تشدید گردید که اکثر کشورهای در حال رشد را در بر گرفت . حتی دولت‌های آنها هم ، اگرچه البته بدرجات مختلف به این مبارزه پیوستند . برخی از رژیم‌ها مانند رژیم عربستان سعودی از مخالفت‌های جمعی علیه برخی از جنبه‌های سیاست امپریالیستی ، برحسب ملاحظاتی کاملاً مشروط اوضاع روز ، پشتیبانی بعمل می‌آوردند و بدین نیت که در آن واحد به " درآب " ، امپریالیسم از یکسوم منافع کشورهای در حال رشد از سوی دیگر خدمت کنند ، دست بهمانور میزدند .

وضع ویژه وابسته و بدون برابری حقوق اکثر کشورهای آزاد شده در چهارچوب سیستم سرمایه داری جهانی اشتراک مسائل اجتماعی — اقتصادی را که در برابر آنها قرار میگیرد ایجاد میکند . نکته اساسی در حل و فصل این مسائل در تحول و دگرگونی ریشه‌ای تمام مجموعه روابط اقتصادی با کشورهای امپریالیستی بر مبنای دموکراتیک است و این موضوع در جنبش گسترده در راه استقرار نظم اقتصادی عادلانه جهانی جدید با زتاب یافت .

تشدید مبارزه در راه استقلال اقتصادی بخودی خود مستلزم گسترش طیف مسائل عمومی

د موکراتیک د ورشته های مختلف است . د راورمربوط بد ولت این جریان عبارت از تحکیم حاکمیت ملی ود ورشته فرهنگی الفای میراث استعماری وگسترش وپیشرفت فرهنگ و آموزش همگانی است . تنظیم وترتیب مناسبات اجتماعی ، کوشش بمنظور برطرف ساختن یا کاهش نابرابری اقتصادی (اگر چه این کوششهاد رزرفای مختلف صورت بگیرد) تحکیم و تعمیق خصلت د موکراتیک و ضد امپریالیستی بخش د ولتی ، اتکاء به متوده های زحمتکش وتأمین حقوق و آزاد یهای گسترده برای آنها از اقداماتی است که باید د رعرصه اجتماعی بعمل آید .

مضمون عمومی د موکراتیک مبارزه آزاد یبخش ملی تحت تاثیر ویداد هائی که د سراسر جهان بوقوع می پیوندند گسترش مییابد . علاقه عمیق کشورهای آزاد شده ونواستقلال به تحکیم دست آورد های کاهش تشنج وازبین بردن کانونهای تشنج د جهان طی سالهای اخیر روشنتر از هر زمان د دیگری درگذشته بروز کرد . کشورهای د رحال رشد خواستار ایجاب چنان وضعین المللی هستند که بد آنها امکان همکاری د مسائل اجتماعی - اقتصادی رابدند . سهم آنها د رحل و فصل مسائل عمده ای که با منافع تمام جامعه بشری ارتباط دارد بد ون وقفه افزایش مییابد .

د موکراتیزه کردن مناسبات بین المللی ، امتناع از یکار بردن زور د اینگونه مناسبات ، برقراری روابط حسن همجواری میان کشورهای نیکه داری نظام مختلف اجتماعی هستند ، تحکیم اصول همزیستی مسالمت آمیز وتأمین برابری حقوق د رعرصه اقتصادی برخی از این مسائل است .

بطوریکه تجربه نشان میدهد میان مبانی اجتماعی وعمومی د موکراتیک تاثیر متقابل د یالکتیکی وجود دارد . گرایش عمومی د موکراتیک د رجنش آزاد یبخش ملی فقط هدفهای محدود ملی راد نبال نمیکند . این گرایش بطور عینی ویمقتضای مضمون خود ، د آخرین تحلیل ، د رجعت تحول ودگرگونی اجتماعی جهان است . اگرچه این گرایش همانند تمایلات سوسیالیستی پرولتاریا بصورت موضع د قیقی درنمیآید ، برای پیشرفت تمامپروسه انقلاب جهانی اهمیت فراوانی دارد . آنجاکه پیگیرتر وبنیادی تراز همه جامسائل عمومی د موکراتیک حل وفصل میشود برای گذاربه نظم وترتیب اجتماعی عالیتر شرایط مساعد فراهم میآید . این جریان د کشورهای که داری سمت گیری سوسیالیستی هستند ود مرحله انقلاب ملی ود موکراتیک قرار دارند بدیده میشود . ولی آنجاکه دامنه مسایل عمومی د موکراتیک تنگ میگردد واز مضمون خود تهی میشوند انقلاب آزاد یبخش ژرفای خود را از دست میدهد .

د کشورهای که داری سمت گیری بورژوائی هستند پوسته سرمایه داری مانع آشکار شدن پتانسیل عمومی د موکراتیک تدابیر اجتماعی - اقتصادی میشود . بطورمثال بخش د ولتی د راین کشورها بطور عینی خصلت عمومی د موکراتیک و ضد امپریالیستی دارد زیرا د جریان مبارزه ملی

علیه ستم استعماری و فشار امپریالیستی بطورکلی ایجاد گردیده است . ولی میزان توانائی آن فقط تا حد معینی که بورژوازی ملی یعنی طبقه حاکم معین کرده است میتواند بروز کند . هرگاه موانع ضد امپریالیستی که بخشد ولتی بوجود میآورد هنوز کم و بیش مطلوب و مفید بحال آن باشد (اگرچه در اینجا هم بورژوازی ملی ناپیگیراست) از آنجا د یگر حتی يك گام هم جلوتر نمیرود .

اشتراک گسترده مسائلی که در برابر جنبش آزاد بیخش ملی قرار دارد تاکنون هم برای کشورهای آزاد شده نواستقلال مطرح است . بدون تردید وضع ویژه و " خود مختار " این جنبش در پروسه انقلاب جهانی و همچنین موقعیت ویژه این کشورها در سیستم جهانی کشورها یعنی هم نسبت به دنیا ی سرمایه داری و هم دنیا ی سوسیالیستی بحال خود باقی است . در عین حال در ده ساله گذشته در خود جنبش میان کشورهای در حال رشد پروسه انقسام آشکار طبقاتی و سیاسی مشاهده میگردد .

فنا ی مضمون اجتماعی انقلاب آزاد بیخش ملی پس از سرنگونی و درهم شکسته شدن یوغ استعمار یا گذار آن بحرله تازه ای که از لحاظ خصلت خود به انقلاب توده ای د موکراتیک نزدیک است مشخص گردید . این پدیده در يك سلسله از کشورهای که پروسه انقلابی در آنها با خصائص مشابهی متعاً میگردید بوقوع پیوست . بحاکمیت رسیدن د موکراسی انقلابی که د ر حزب یا جنبش عناصر و قشرهای مترقی که تا این یا آن اندازه وظیفه پیشتاز را بعهده میگیرند تشکل یافته بود ، اتکا معینی به توده های مردم ، نزدیکی محدود و با اثر فای گوناگون با اندیشه های سوسیالیسم علمی و نظایر اینها برخی از خصوصیات مشابهی است که نام بردیم . بطوریکه میدانیم برخی از این کشورها برای پیشرفت خود مشی سمت گیری سوسیالیستی را برگزیدند . برخی دیگر با تحقق دگرگونیهای عمیق اجتماعی و اقتصادی مانند اصلاحات ارضی (مختلف از لحاظ عمق این اصلاحات) ، ملی کردن اموال بورژوازی بزرگ و حتی بخشی از بورژوازی ملی متوسط ، ایجاد بخش دولتی در اقتصاد بمقیاس وسیع ، قائل شدن حقوق معینی برای زحمتکشان و مانند اینها گامهای مهمی در راه ترقی اجتماعی برداشتند .

ولی بعد ها اگرچه برخی از این کشورها مانند سوریه در مواضع ضد امپریالیستی باقی ماندند ترقی اجتماعی آنها کند گردید . در روستاها زمینداران بزرگی پدید آمدند و مواضع خود را مستحکم ساختند که از شیوه های فئودالی به شیوه های سرمایه داری گرداندن اقتصاد خود پرداختند و همچنین در آنجا قشر انبوهی از دهقانان ثروتمند (کولاک ها) بوجود آمد . علاوه بر این — سرازیر شدن سرمایه بزرگ از شهر بسوی روستاها آغاز گردید . مناسبات تولیدی سرمایه داری بر تمام زندگی اقتصادی کشور حاکم گردید . حتی در بخش دولتی هم ، با آنکه خصلت ضد امپریالیستی

خود را از دست نداده عناصر سرمایه داری دولتی پدید آمده است . مواضع بورژوازی انگل مانند واسطه و دلان بزرگ که وظیفه واسطه همیمان اقتصاد ملی و بازار سرمایه داری جهانی وهم میان بخش دولتی وهمچنین تولید کشاورزی و بازرگانی داخلی را ایفا میکنند استحکام یافته است . بورژوازی بوروکرات که با بورژوازی انگل از لحاظ طبقاتی مربوط است ریشه های عمیقی در دستگاه دولتی در و انیده است .

در اعلامیه احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی (مه سال ۱۹۸۱) گفته شده است :
 " خطراتی که رژیم های میهن پرست با آنها مواجه گردیدند و اکنون نیز مواجه هستند بطور عمد ه از پروسه های قطبیت و انقسام اجتماعی که در محیط قشرهای حاکم جریان دارد ناشی میگردد . در نتیجه بخشی از این قشرها با بخش سرمایه داری خصوصی و بویژه با قشرهای انگل ارتباط پیدا میکنند که زمینه اجتماعی - اقتصادی حرکت قمعگرای را بوجود میآورند " (۱) . در صفوف دموکراسی انقلابی جناح راستی بوجود میآید که با بورژوازی انگل تعارض هرچه بیشتری پیدا میکند . جریان در نقطه مقابل این جنبه قرار دارد که بطور استوار با توده های زحمتکش یعنی کارگران و دهقانان فقیر و متوسط مربوط است . مبارزه میان این دو تشدید میگردد و هر یک میکوشد تمام جنبش را بدنبال خود بکشد .
 بورژوازی انگل در اتحاد با بورژوازی بوروکرات و ارتجاع کشورهای همسایه میکوشد ترقی اجتماعی را متوقف ساخته و مضمون مترقی تدابیری را که در نخستین مرحله اتخاذ گردیده از بین ببرد . کنگره پنجم حزب کمونیست سوریه ضمن تشریح جهات منفی تغییرات و تحولات کشور مایه آورشد که فقط " نتیجه اشتباهاتی نبودند که انجام گرفته و رویهم انباشته میشدند ، بلکه بی آمدن مشی کلی بودند ، در پیروی از این مشی ملاحظاتی نقش مهمی ایفاء میگردد که همه سیاست خارجی وهم بسیاست داخلی مربوط میشدند و این نیز به متوقف شدن ترقی اجتماعی ، رشد بورژوازی انگل و بوروکرات ، ثروتمند شدن بی بند و بار ، اشاعه رشوه و ارتشاء ، تشدید زورگویی و اخاذی محافل حاکمه و کنارت نهادن نیروهای اساسی مبارزه ملی و ترقی اجتماعی منجر گردید " (۲) .

کنگره همچنین خاطر نشان کرد که " بورژوازی انگل بطور کلی و همراه با آن بورژوازی بوروکرات در پروسه پیدایش جدائی در صفوف دموکرات های انقلابی نقش قابل توجهی ایفاء میکنند . آنها بانواع وسائل از جناح راست پشتیبانی بعمل آورده و آنرا تشویق و ترغیب میکنند . این جناح متعادل به ارتجاع است و به نقشه های امپریالیسم برخورداره سازشکارانه دارد و با ترقیات اجتماعی خصومت

۱ - " نداء الشعب " اوخر ماه مه سال ۱۹۸۱ .

۲ - خ . بگداش . گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کنگره پنجم حزب . صفحه ۳۹ ، (بزبان عربی) .

میورزد . در عین حال بمنظور منزوی ساختن نمایندگان جناح چپ ضد امپریالیستی که طرفدار ترقیات اجتماعی هستند و برکنار کردن آنها از هیئت های حساس در کشور و ولت آنها را تحت فشار قرار میدهند (۱) مجمع عالی حزب ما شعار مبارزه آشتی ناپذیر با بورژوازی انگل و بوروکرات و الفای پایگاه اجتماعی اساسی ارتجاع را که با امپریالیسم همدست بوده و یا نسبت بدان موضع سازشکارانه اتخاذ میکند ، مطرح ساخت . این مجمع تمام نیروهای مترقی و میهن پرست را با اتحاد بخاطر این هدف بزرگ ملی و اجتماعی فراخواند . حزب خواستار تحکیم جبهه ملی مترقی ، تشدید فعالیت آن و گسترش و تعمیق نقش جبهه در زندگی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور گردید و همچنین خواستار اتخاذ تدابیری شد تا جبهه از حالت سازمانی فوق نیروها بدآمده و در میان توده های مردم در مؤسسات ، مدارس و آموزشگاهها و نقاط مسکونی ریشه بدواند .

در برنامه حزب کمونیست سوریه که کنگره پنجم در آن تصحیحات لازم را بعمل آورده و آنرا در قیقتر کرد خاطر نشان میشود که " ناهمگونی طبقات و قشرهای اجتماعی و وجود منافع متضادی که رژیم میکوشد آنها را با هم آشتی دهد برای ایجاد تغییرات خطرناک در اوضاع کشور شرایط فراهم میکند " . مبارزه میان دو جریان متضاد در سوریه مانند گذشته بسیار شدید است . جناح راست که از پشتیبانی امپریالیسم و ارتجاع برخوردار است نتوانست بتمام هدفهای خود برسد . با وجود بیکار سیاسی و طبقاتی که درون کشور ادامه دارد سوریه بطور پیگیر از مشی ضد امپریالیستی پیروی میکند و منحرف ساختن آن از این مشی اینقدرها آسان نیست .

ولی در برخی از کشورهای پروسه جدائی و انقسام نیروها که ناگزیر ویژه بوکراسی انقلابی است مدتهاست با پیروزی کامل جناح راست طرفدار امپریالیستها به پایان رسیده است . نتیجه ایمن جریان دوری جستن از انقلاب بصورتی بوده که بطور مثال در مصر انجام گرفت . سادات با ترغیب و تشویق بورژوازی انگل و بوروکرات و کمک به افزایش نقش آن در جامعه ، پیروی از سیاست " درهای چهارطاق باز " نسبت به بازار سرمایه داری جهانی را آغاز کرد . بموازات این ، زد و بند کمپ در یوید و اتحاد آشکارا ایالات متحده امریکا و اسرائیل تدارک میشد که بمعنی از دست رفتن استقلال مصر ، تبدیل کشور به پایگاه نظامی - سیاسی امپریالیسم امریکا و ستیاری اسرائیل و صهیونیسم بین المللی بود .

ولی عوامل واقعیت عینی بدون توجه باینکه رژیم حاکم در این یا آن کشور کاملاً از انقلاب دوری جسته و بدون بازگشت بسوی امپریالیسم متمایل گردید و یا استقلال ملی را (کاملاً در چهارچوب

۱ - خ . یگداش . گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کنگره پنجم حزب . صفحه ۳۹ .
(بزبان عربی) .

سیستم بین المللی) با اتخاذ موضع ضد امپریالیستی ملایم حفظ کرده است ، نیروی خود را از دست نماندند . این عوامل عبارتند از وابستگی به اقتصاد سرمایه داری جهانی و وضع حقوقی نابرابر در عرصه روابط اقتصادی که بطور ناگزیر موجبات اعتراض رافراهم میکند و به تظاهرات و اعتراضات مردم منجر میشود و بنابراین کار را به بسط و رشد جنبش ضد امپریالیستی ملی همگانی میکشاند . برغم برخی موفقیت‌های اقتصادی کشورهای " سرمایه داری ملی " بی‌آمدهای راه رشد سرمایه داری در زندگی توده‌های مردم تاثيرات بد و ناهنجاری باقی میگذارد . مبارزه طبقاتی در این کشورها تشدید میگردد و هرچشمه بیشتر به جنبش ملی همگانی علیه امپریالیسم و متحدین و دست نشانده‌گان آن میپیوندد .

زندگی همچنین نشان داد که کشورهایی که در آنها رژیمهای نو استعماری برقرار گردیده حلقه ضعیف سیستم نو استعمار را بطور کلی تشکیل میدهند . ایران روشنترین نمونه چنین حالتی است و بطوریکه میدانیم یکی از عظیم‌ترین انقلابهای خلقی قرن بیستم در آنجا بوقوع پیوست .

سالمهای هفتاد نیروی جاذبه فراوان اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را برای کشورهای نو استقلال که از استقلال سیاسی خود دفاع میکنند تأیید کرد و سالهای هشتاد بدون تردید این واقعیت را بشکل قناعت بخش تری تأیید خواهند کرد .

البته سمتگیری معین اجتماعی بخودی خود نزدیکی کمتری بیشتر (نه نزدیکی ظاهری بلکه ماهوی) به نظم و تمسق اجتماعی در کشورهای است که بد وسیستم جهانی متضاد یعنی سیستم سوسیالیستی و سرمایه داری تعلق دارند ، ولی اگر کشورهای دارای سمتگیری سوسیالیستی با برقراری مناسبات با حقوق برابر نیای سوسیالیسم واقعی موجود از فشار وابستگی میکاهند و استقلال خود را استحکام میبخشند ، سمت گیری سرمایه داری ، کشورهای را که چنین سمتی انتخاب میکنند به باقی ماندن در وضع تابع و بدون برابری حقوق و وضعی متزلزل در سیستم اقتصاد سرمایه داری جهانی محکوم میکند . بهمین سبب است که نه فقط کشورهایی که در برنامه سوسیالیستی راه‌د ف خود قرار داده اند بلکه کشورهایی هم که دارای سمت پورژوایی هستند میکوشند روابط گوناگونی با جامعه کشورهای سوسیالیستی برقرار سازند ، زیرا چنین روابطی استحکام نقش آنان در امور بین المللی را تأمین میکند .

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا با درك این موضوع با تب و تاب میکوشد کشورهای نو استقلال رهایی یافته را بدون توجه به نظام اجتماعی آنها از اتحاد شوروی و جهان سوسیالیستی جدا کند . در تحقق این هدف بسیار مهم استراتژیک^۱ امپریالیست ها بویژه به رهبران چین که نقش بسیار ناهنجار و پیلیدی ایفا میکنند اتکا^۲ مینمایند . ولی حل این مسئله برای امپریالیسم ، اگر تگوتیم غیر ممکن است ، باید گفت ساد نیست زیرا این امر از ریشه با پیشرفت عینی پروسه انقلاب جهانی در تضاد میباشد .

د هساله گذشته شاهد گسترش و تعمیق روابط کشورهای رهائی یافته با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی شد . مناسبات بسیاری از واحد های جنبش آزاد بیخشم ملی با کمونیست ها در سطح ملی و ویژه بمقیاس جهانی استحکام یافت . جریان عینی پیشرفت اوضاع در عرصه بین المللی به خلقها ثابت میکند که خود موجودیت اتحاد شوروی و سیستم جهانی سوسیالیسم نقش تعیین کننده ای در مصلحتها و هوس تجاوزکارانه و توسعه طلبانه امپریالیست ها دارد . برای هر میهن پرست آگاهی روشن است که عامل اساسی در امر دفاع از انقلاب ایران همین بود . این اعتقاد در صفوف جنبش آزاد بیخشم ملی افزایش مییابد که اقدامات پیگیر اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی برای گسترش دست آورد های خود در تمام رشته ها با منافع جنبش و منافع تمام خلقها مطابقت میکند ، زیرا این مطمن ترین ضامن صلح جهانی و پیشرفت جامعه بشری مرفعی است .

اکنون ورشکستگی نظریه " دوری جشن برابر از خاور و یا ختر " هر چه روشنتر میگردد . از جمله تلاش رهبران یکن برای تغییر دادن ماهیت جنبش عدم تعهد ، خالی کردن مضمون این مفهوم و جلوه گر ساختن کارها بدین شکل که گویا عدم تعهد بمعنی مبارزه نه فقط علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی ایالات متحده امریکا ، بلکه علیه اتحاد جماهیر شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی است با ورشکستگی روبرو گردید . ارتباط متقابل میان مبارزه در راه صلح ، رهائی بخشیدن جامعه بشری از خطر درگیری مخر ب هسته ای ، جنگ جهانی جدید و اعتلای جنبش آزاد بیخشم ملی و تشدید مقابله با نقشه های توسعه طلبانه نظامی امپریالیسم هر چه روشنتر آشکار میگردد و این بسیار مهم است . نه فقط نیروهای پرولتری انقلابی نه فقط توده های انبوه مردم بلکه محافل میهن پرست انقلابی نیمه بورژوا به روشنی درک کردند که افزایش مقاومت علیه نقشه های سیطره جویانه امپریالیسم بسرکردگی ایالات متحده امریکا بمعنی ادای سهم خود در مبارزه مشترک در راه تحکیم صلح جهانی و از بین بردن خطر جنگ هسته ای است . بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی هم تاکید کرد که چنین جنگی راهی چگاه نمیتوان در هیچ چهارچوبی نگهداشت . چنین جنگی ناگزیر خصلت نابود کننده سراسری بخود خواهد گرفت و خود موجودیت زندگی روی سیاره ما و از جمله در کشورهای در حال رشد را بخطر میاندازد .

درک هر چه دقیقتر در هم آمیختگی ارگانیک منافع مبارزه در راه آزادی ملی و حفظ صلح جهانی رهائی هر چه قاطعانه تر از تنگ نظری های ناسیونالیستی در ارزیابی پیشرفت جهانی بدو ن تردید پیروزی مهمی هم برای جنبش آزاد بیخشم ملی و هم برای جنبش انقلابی جهانی بطور اعم خواهد بود . ما اطمینان داریم که علیرغم پیچ و خم ها و حتی برخی عقب نشینی ها ، مساعی مبارزان راه آزادی و استقلال ملی ، با در هم آمیختن با مبارزه سایر نیروهای انقلابی دوران ما و تشکیل یک جریان

واحد به پیروزی منجر میگردد . برای گسترش و تمصیق هرچه بیشتر جنبش آزاد بیخش ملی پایه و اساس عینی و مستحکمی وجود دارد ، ولی البته این پیروزی بخودی خود بدست نمیآید . درون کشورهای منطقه آزاد بیخش ملی هم مشی بهسرفرت مستقل و مرفقی دشمنان بسیار دارد . بهمین سبب است که پیشتاز انقلابی رسالت دارد بدون کاستن از فعالیت خود بهنبرد تا پیروزی نهائی ادامه دهد .

بقیه از صفحه ۱۲

مشترکی راهبیه و تدوین کنند که در امر مرتفع ساختن خطر آتش سوزی جهانی به آنها کمک کند شرایط لازم را بوجود میآورد . فقط صلح شرایطی را فراهم میکند که برای تحقق تمایلات و خواستههای اجتماعی زحمتکشان تا حد اکثر ممکن مطلوب و مساعد است .

بقیه از صفحه ۱۴

اجتماعی مختلف تعلق دارند در ور میزند اگره بنشینند مهتر از هر چیزی دیگری است . هرگاه آنها با هم بگفتگو بپردازند سلاحها سکوت خواهند کرد . در غیر این صورت به وخامت اوضاع افزوده خواهد شد و ممکن است اینطور پیش آید که سلاحها بجای انسانها سخن بگویند .
ما اهل امید هستیم . ما بدین اعتقاد داریم که جهان برای زندگی ساخته شده است ، نه برای نابودی . برای این و بخاطر اینهم ما مبارزه خواهیم کرد .

دو خط مشی در آسیا

مانگالین و وگسوره ن

عضو کمیته مرکزی حزب توده انقلابی مغولستان
وزیر امور خارجه جمهوری توده ای مغولستان

وضع سیاسی که اینک در آسیا پدید آمده نگرانی بجای مجامع دموکراتیک را برمیآورد .
بیش از سی سال از پایان جنگ جهانی دوم سپری شده است و هنوز جنگ های کوچک و بزرگی که
در این قاره جریان دارد برای یک روز هم که شده قطع نمیشود و نهنود رگیهای نظامی در اینجا
روی میدهد . ما میدانیم که قاره آسیا بخشی از جهان است که یک سوم خشکی های روی زمین را
تشکیل میدهد و در ضمن صحبت بر سر کشورهای است که بیش از نیمی از جامعه بشری در آنها
زندگی میکند .

عدم ثبات ، خطر گسترش دگرگیهای کهن و پیدایش کانون های تازه بر خورد های نظامی
وضعی است که اینک عملاً در تمام مناطق آسیا وجود دارد . در خاور نزدیک به پشتیبانی واشنگتن
بلوکی سرهم بندی میشود که در نظر گرفته شده است هسته اصلی آن را محور تل آویو - قاهره بوجود آورد . ایالات
متحد آمریکا ، پکن و پاکستان بدست ضد انقلابیون به جنگ اعلام نشد علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان
ادامه میدهند . تحریکات پکن در مرزهای ویتنام سوسیالیستی و هندوستان ادامه دارد . در خاور و رژیم سئول
فعالانه به همکاری نظامی آمریکا و ژاپن میپیوند . خلیج فارس و برخی دیگر از مناطق به پایگاههای
بمنظور عملیات " نیروهای واکنش سریع " که در آن سوی اقیانوس ها ایجاد گردیده اعلام شده است .
خطر خزش سلاح هسته ای بر سر آسیا سایه افکنده است . . .

سیاست ضد کمونیستی و نواستعماری کشورهای امپریالیستی که آسیا در نقشه های استراتژیک
آنها از زمانهای کهن مهمترین جارا دارا میباشد عامل عمده افزایش مداوم تشنج در قاره آسیا
میشود . منافع سیاسی و اقتصادی بزرگترین کشورهای سرمایه داری جهان برغم تضاد های شدید

موجود میان امپریالیست ها در اینجا در هم می آمیزند ، و یکدیگر را تکمیل میکنند .

مخالف ارتجاعی که میکوشند مانع از تبدیل شدن آسیا بمنطقه صلح ، استقلال ملی و ترقی اجتماعی شوند از هیچ تلاشی بمنزلهٔ ورپی ثبات نمودن و واژگون ساختن رژیمهای مترقی در ریخ نمیزورند و کشورهای آسیای راعلیه یکدیگر برمی انگیزند . طی دوران اخیر در واقع امپریالیسم کوشیده است در رقابته مابا توسل بزور سیاست " متوقف ساختن کمونیسیم " را تحقق بخشد . جهان شاهد سه تجاوز مسلحانه بمقیاس عظیم علیه دستاوردهای سوسیالیستی در آسیا بود : نخست امپریالیستهای فرانسه (در سالهای ۱۹۵۴-۱۹۴۶) و پس از آن امپریالیستهای امریکای شمالی (در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۶۵) به " جنگ پلیدی " علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام دست زدند . ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۵۰ به جمهوری توده ای کره تجاوز کرد . تجاوز مسلحانه آشکاری که در سال ۱۹۷۹ سیطره جویان پکن علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام آغاز کردند مظهر تازه و خطرناک و بسیار ناهنجار زد و بند ارتجاعی نیروهای امپریالیستی و سوسیال شوونیستی گردید .

توطئه های نظامی - سیاسی نیروهای ارتجاعی علیه خلقهای آسیا به پایگاههای نظامی بسیار زیاد امپریالیستی متکی است . معمولاً این پایگاهها را در نزدیکی مرزهای کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای صلح دوست ایجاد میکنند .

نیات سیطره جویانه رهبری مائوتیست چین هم منشاء تشدید بیسابقهٔ اوضاع در آسیا است . پکن از همان سالهای پنجاه خط مشی باصلاح ویژه ای در سیاست خارجی اعلام کرد که مبتنی بر " تئوری " گذاشتن " سه دنیا " بود . این مشی خیانت آشکار بمنافع سوسیالیسم و آزادی ملی و اجتماعی خلقها است . لیدران پکن که هرچه بیشتر بموضع سازش با ارتجاع امپریالیستی درمیغلتاند حالا بیش از ۴ سال است که بزبان منافه صلح در آسیا و سراسر جهان عمل میکنند . آنها که خود را به تیوهای مکارانه امپراطورهای چین مجهز ساخته اند میکوشند با فشارهای مداوم سیاسی و اقتصادی و در صورت لزوم با فشارهای نظامی کشورهای ولت هائی را که مطلوبشان نیست " بی روق " وضعیف سازند .

برانگیختن سوء ظن و دشمنی میان خلقها و کشورهای از شگرد های مورد علاقه مائوتیستها است . آنها در این اقدام زشت خود به هواآتسه یا اوهایعنی جیبی های مقیم سایر کشورهای تکیه میکنند که در یک سلسله از مناطق قاره واز جمله در جنوب خاوری آسیا سکونت اختیار کرده اند . نقش دستیار پکن را در درجه اول آن دسته از هواآتسه یا اوهای ایفاء میکنند که موفق شده اند در کشورهای که زندگی میکنند اهرصهای مهم اقتصادی ، مالی و تدارکاتی را بدست خود گیرند .

اقدامات تخریبی در جنبش کمونستی بین المللی و در جنبش کارگری جزء جدائی ناپذیرمشی

سیطره جویانه سیاست خارجی یکن است . زبان بزرگی که به یک سلسله احزاب کمونیست بانفوذ در کشورهای آسیا و آنهم در دوران اعتلای پرتوان جنبش انقلابی و آزاد بیخشم ملی در منطقه وارد آمد بویژه هلاکت بار بود .

مائوئیست ها میکوشند با ایجاد فراکسیون های افراطی در احزاب کمونیست آنها را از هم بپاشند . آنها رژیم های راستگرا و نیرو های ارتجاعی را علیه کمونیست ها بر میانگیرند . فاکت ها بر این نواهی میدهد که تفرقه افکنان چین در بسیاری از موارد دوشربه دوش عمل سیاعمل میکنند .

لیدران یکن عطیاتما جراجویانه و تحریک آمیز خود را با پستی و دنائت زیر جمله پردازیهای انقلابی پنهان میسازند و پیشروانه از احساسات و علاقه خلقهای جهان نسبت به انقلاب توده ای چی — سو استفاده میکنند .

مائوئیست ها در جستجوی متحدینی برای تحقق نیات همومنیستی خود ژاپن را مورد توجه قرار دادند . کار پایه نزدیکی آنها با محافل ارتجاعی و ناسیونالیستی ژاپن توسعه طلبی و نژاد پرستی به متمرکزترین شکل خود یعنی " پان آسیائیسم " بود . با اصطلاح قرارداد صلح و دوستی که میان جمهوری خلق چین و ژاپن در سال ۱۹۷۸ منعقد گردید تجسم عملی این نظریات عظمت طلبانه است که بشکل سیاست دولتی محافل راستگرای هردو کشور مورد استفاده قرار گرفته است .

پیوستگی یکن با امپریالیسم امریکا و گسترش و تعمیق همکاری نظامی و سیاسی آن با ایالات متحده امریکا هرچه روشنتر خود را نشان میدهد . رهبران چین بخاطر " توافق استراتژیک " با گردانندگان پناگورن از حق حاکمیت کشور خود چشم پوشی نموده و با تبدیل تایوان به پایگاه نظامی امریکا موافقت میکنند . درواشنگتن هم خدمت را با خدمت پاسخ میگویند : بهیچوجه تصادفی نیست که دولت امریکا چندی پیش محدودیت های فروش سلاحهای تهاجمی به چین را ملغی ساخت .

" خط مشی های استراتژیک پارالل " یکن و ارتجاع امپریالیستی بتدریج جای خود را به همکاری نظامی — سیاسی مستقیم میدهد .

محافل راستگرای ژاپن که بدقت تغییرات استراتژی مشترک ایالات متحده امریکا و چین را تعقیب میکنند و مایل نیستند از آنها عقب بمانند میلیتاریزاسیون و مسلح کردن گسترده کشور را تشدید میکنند . آنها آماده اند کشور را به مرکز اتمی امریکا درخاورد و رمیدل سازند . از لحاظ سیاسی توکیو در اندیشه ایجاد با اصطلاح جمعیت اقیانوس آرام است که میباید آلت و ابزار اعمال نظر (دیکتات) امپریالیستی گردد . دولت ژاپن با فعالیت هر چه بیشتری از عملیات میلیتاریست های امریکا و سیطره جویان یکن در بخشهای مختلف جهان و مقدم بر همه در آسیا پشتیبانی میکند . آنها میکوشند این قبیل اقدامات را بمنزله " کمک اقتصادی حائز اهمیت سیاسی و استراتژیک " جلوه دهند . ولی در واقع

صحت برسرکشاندن ژاپن بمدار استراتژی ایالات متحده امریکا و چین است که از آن علیه اتحاد شوروی، تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزاد بیخشم ملی بهره برداری میشود . اتحاد امریکا، چین و ژاپن هم اکنون بخطر عمده ای برای خلقهای آسیا مبدل شده است .

نیروهای امپریالیستی و سیطره جو برای نقشه‌های تبدیل (آسمان) (۱) بمبلوک نظامی و سیاسی اهمیت زیادی قائل میباشند . ولی انجام این امر بامشاوریهی فراوان و روبروشد : خلقهای آسیا اقدامات تنگنای سازمانهای پوشالی نظیر سه آتورا بخوبی بخاطر دارند . بهمین سبب است که در این اواخر منظور وابسته ساختن کشورهای منطقه به سیاست تجار و کارانه امریالیسم از طریق آنزوس و آنزوک (۲) که برخی از اعضای آسه آن در آنها عضویت دارند و همچنین از طریق قراردادها و موافقت نامه‌های دو جانبه تلاشهایی بعمل میآید . متأسفانه برخی از اعضای آسه آن به نقشه‌های امریکا و یکن مانند شرکت در توطئه امریکا و چین علیه جمهوری خلق کامپوچی که هدف از آن احیای رژیم امپریالیستی است و در آنجا است کمک میکنند . چنین خط مشی مفایر منافع و امنیت کشورهای جنوب شرقی آسیا است .

نقشه‌های ایجاد " جنبش مقاومت سراسر هند و چین " که توسط خائنین بخلقهای ویتنام، لاوس و کامپوچی باید سرهم بندی شود عنصر تازه ای در عملیات خرابکارانه امپریالیسم علیه صلح و ثبات در لاره و ماقدم برهمه درهند و چین میباشد . تمام این اقدامات تجار و کارانه را باتلیفات پرسروصدا و گسترده در باره " خطر نظامی شوروی و ویتنام " و مبارزه با " تروریسم بین المللی " و اظهارات پوچی که بهمین اندازه تحریک آمیز هستند، استوار میکنند .

در عین حال هنگام پیشبینی درازمدت جریان اوضاع بین المللی باید اساس را بر این قرارداد که بعلت وجود عوامل عینی، " توافق استراتژیک " و " منافع متوازن " و اشنگتن و یکن که برای هردو طرف اقیانوس آرام اعلام گردیده نمیتوانند مدت طولانی ادامه داشته باشند . منطبق پروسه سیاسی و درسهای تاریخ گواه بر این است که در راه مدعیان رهبری کردن بر جهان ناگزیر تضاد های عمیقی پدید میآید که دیر یا زود به برخورد و درگیری منجر میشود . فعلا ایالات متحده امریکا و چین طبق اصل " دشمن دشمن من دوست من است " عمل میکنند . ولی همین حالا هم هر یک از آنها میگوید حد

۱ - مجمع کشورهای جنوب شرقی آسیا .

۲ - آنزوس (ANZUS) اتحاد نظامی سیاسی استرالیا، زلاندنو و ایالات متحده امریکا .
آنزوک (ANZUK) گروه بندی نظامی بریتانیای کبیر، استرالیا، زلاندنو، مالزی و سنگاپور .
مالزی و سنگاپور در آسه آن شرکت دارند . هیئت تحریریه .

اکثر منفعت را بحساب طرف دیگر بدست آورد . به هنگام بسیج توده های انبوه بمبارزه در راه تحکیم صلح و امنیت در آسیا اینهار نمیتوان نادیده گرفت . به علت اینکه چین در نظر دارد در آینده از امریکا اسلحه بگیرد و بسبب تحریکات نظامی مداوم و تهدید هائی که از طرف چین علیه ویتنام سوسیالیستی بعمل میآید بطریق اولی نگرانی افکار عمومی کشورهای آسیای افزایش مییابد . بسیاری از رجال دولتی کشورهای عضو آسه آن و حتی کشورهای نظیر اندونزی و مالزی هم نگرانی شدید خود را از توسعه طلسمی چین پنهان نمیکنند .

میتوان گفت که واکنش روز افزون خلقها و تمام محافل سلیم العقول کشورهای قاره ماعلیه خط مشی طرفداری از یک طرف از خصائص ویژه و نمونه و ارزندگی سیاسی در منطقه میگردد . خود اوضاع کنونی بین المللی حد اکثر فعالیت نیروهای دموکراتیک و صلحدوست را برای مقابله مؤثر با دشمنان تجزیکاران امریالیسم و سیطره جوئی (هژمونیسیم) ناگزیر میسازد .

آسیا که صحنه مبارزه علیه سیاست امریالیستی بوده است در ضمن عرصه موفقیت های عظیم جنبش انقلابی و آزاد بخش ملی نیز هست . پیروزی خلقهای هند و چین بر تجاوزکاران امریکائی ، وحدت ویتنام بر پایه سوسیالیستی ، ایجاد جمهوری توده ای دموکراتیک لائوس و جمهوری خلق کامپوچی ، رویدادهای برجسته ای بوده اند . این جریانات بمیزان زیادی مواضع نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم رانه فقط در جنوب شرق آسیا ، بلکه در سراسر قاره استحکام بخشید . پیروزی انقلاب خلقی دموکراتیک در افغانستان و در گرونیهای مترقی اجتماعی و اقتصادی در جمهوری توده ای دموکراتیک یمن سهم ارزنده ای به دست آورد های خلقهای که در راه استقلال ملی و آینده روشن خود مبارزه میکنند ، افزود .

جنبش عدم تعهد هم که در آسیا بدید آمده نقش مهمی در تحکیم صلح ، امنیت و همکاری بین المللی ایفا میکند . شرکت کنندگان در آن و از جمله جمهوری هند که بین آنها با موضعگیری واقع بینانه سازنده اثر متمایز میگردد با سیاست اعمال نظرمداخله مخالفند و خواستار برطرف ساختن خطر جنگ جهانی هسته ای ، مهار کردن مسابقه تسلیحاتی و همزیستی مسالمت آمیز کشورهای هستند که دارای نظام اجتماعی مختلف میباشند .

برغم تشدید حملات ارتجاع بین المللی ، در آسیا پایه های سیاسی و مادی استحکام صلح و امنیت و دفاع از آزادی ملی و اجتماعی ایجاد میگردد . در این امر سیاست صلحدوستانه و انترناسیونالیستی و اقدامات هماهنگ سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی برادر در آسیا و اروپا نقش عمده ای دارا میباشند . فعالیت آنها در عرصه جهانی با واقع بینی عمیق ، هدف قندی ، کوشش صمیمانه برای یافتن راه حل مثبت مسائل حاد بین المللی بسود تمام جامعه بشری متمایز میگردد . قراردادهای

دوستی و کمک متقابل میان کشورهای سوسیالیستی منطقه ما و گسترش همکاری آنها با اتحاد شوروی در جوین المللی تاثیر فراوان دارد .

ابتکارات تازه^۴ صلحی که از طرف بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردیده در جوسیاسی اثر نیک و مساعدی دارد و در میان مجامع صلح دوست در نقاط مختلف کره زمین با واکنش گرمی روبرو میگردد . رفیق یو. سد نبال از تربیون هیجد همین کنگره حزب توده انقلابی مغولستان اعلام داشت که " حزب ما و خلق مغولستان در برنامه صلح بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی راه حقیقی سالم ساختن فضای سیاسی بین المللی را می بینند . ما با ابراز تبریک و تهنیت از این برنامه بمنزله کار پایه مشترک در راه صلح و امنیت عمومی و جلوگیری از خطر جنگ پشتیبانی میکنیم " .

در پیشنهادات همه جانبه و وسیط کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی برای تدابیر ویژه ازین بردن کانونهای خطرناک و بحرانی در آسیا جای مهمی منظور گردیده است . دولت جمهوری خلق مغولستان از اندیشه برگرداری کنفرانس بین المللی ویژه ای بمنظور جستجوی جمعی راههای حل و فصل معضل خاور نزدیک بر پایه های عینی و عادلانه پشتیبانی میکند . این امر با سخگوی منافع حیاتی خلقهای منطقه است که خواستار پیشگیری از وخیم تر شدن بیشتر اوضاع و برهم زدن تناسی نظامی - سیاسی نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی عربی میباشند . ما بر این عقیده ایم که مبارزه در راه خروج کامل نیروهای اسرائیل از تمام اراضی اشغالی و تامین حق خلق عرب فلسطین برای ایجاد دولت خود پایه ای برای وحدت نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی منطقه است .

مغولستان توده ای از ابتکار کنفرانس وزرای امور خارجه ویتنام ، لاوس و کامبوجی بمنظور برقراری مناسبات حسن همجواری و همکاری میان کشورهای جنوب شرقی آسیا و تبدیل ناحیه بمنطقه ثبات و شکوفائی پشتیبانی میکند . بعقیده ما موضعگیری سازنده و خیر اندیشی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان راه را برای حل و فصل سیاسی جنبه های بین المللی وضعی که در ارتباط با افغانستان پدید آمده و عادی ساختن اوضاع در این منطقه میگشاید .

جمهوری توده ای مغولستان بطور فعال از تمام اقداماتی که بمنظور تحکیم امنیت در آسیا بمقیاسر ملی ، منطقه ای و مقیاسرهای گسترده تری بعمل میآید پشتیبانی میکند . جمهوری توده ای مغولستان طرفدار تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است و از ابتکاراتی که بمنظور سالم سازی جوسیاسی در خلیج فارس بعمل میآید پشتیبانی میکند . ما پیشنهاد اتحاد شوروی را در باره انجام مذاکرات با شرکت تمام کشورهای دنیای بیخمنظور اتخاذ تدابیر ایجاد اعتماد در رخاورد و رد رژیمها و اوضاع کنونی بسیار موقع و مبرم بشمار میآوریم .

تحکیم صلح و امنیت در آسیای جنوب شرقی مناسبات اعتماد متقابل ، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری با حقوق برابریان کشورهای منطقه غیر ممکن است . جمهوری توده ای مغولستان بمنظور کمک به تحقق این وظیفه شریف پیشنهاد کرد قرارداد ای درباره عدم تجاوز و متقابل عدم استفاده از قهر در مناسبات میان کشورهای آسیا و اقیانوس آرام منعقد گردد . برای تهیه و تدوین این قرارداد تشکیل کنفرانس کشورهای این مناطق لازم می آید . در این کنفرانس نمایندگان کشورهای که اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند نیز میتوانند شرکت کنند . این امر امکان میدهد ، تضمین های بین المللی هم برای قرارداد تأمین گردد . اجلاس هیئت مدیره مجمع کشورهای مسالمت آمیز مغولستان با مراجعه به پارلمان های تمام کشورهای آسیا و اقیانوس آرام خواستار آن شد که از پیشنهاد پشتیبانی کنند .

در نظر راست که اصولی نظیر احترام متقابل به استقلال ، حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها ، برابری آنها ، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، عدم استفاده از زور و یا تهدید به اعمال قهر ، حل و فصل مسائل مورد اختلاف فقط و فقط از راه های مسالمت آمیز و بیطرفانه و تکامل همکاری مفید برای طرفین پایه و اساس قرارداد را تشکیل دهد . بعبارت دیگر قرارداد باید با روح باند و تنگ که ریشه های عمیقی در افکار عمومی آسیا دارد ، تدوین گردد .

طبیعی است که در قرارداد ، باید مواد اساسنامه سازمان ملل متحد مربوط به این موضوع قطعنامه ها و قرارهای آن درباره مسائل تحکیم امنیت بین المللی ، امتناع از یکا بریدن زور در مناسبات میان کشورهای گسترش همکاری دوستانه میان آنها نیز منعکس گردد . گنجاندن مواد اصولی در قرارداد کعبه مواد مثبت مشهور است نیز در جهت اهداف ما است . این مواد عبارتست از تعهد کشورهای شرکت کننده به اینکه فعالانه به کاهش رویارویی نظامی و متوقف ساختن مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح بمنزله یکی از مهمترین شروط مقدماتی مادی تحکیم صلح و ثبات در آسیا و سایر نقاط جهان یاری رسانند .

ما با مطرح ساختن چنین پیشنهاد سهمی و با ارزیابی واقع بینانه اوضاع میدانیم که از قرار معلوم زمان و کار زیادی برای تحقق آن لازم می آید . شرط عمده برای موفقیت آن این است که کشورهای آسیایی از خود واقع بینی سیاسی و خیراندیشی نشان دهند و خطر افزایش بیشتر مخاطراتی را که برای صلح و امنیت خلقها وجود دارد عمیقاً درک کنند .

اعتقاد کامل به اینکه امضای قرارداد ای از طرف کشورهای آسیا و اقیانوس آرام که بکار بردن زور در مناسبات بین المللی را غیر قانونی اعلام کند به کاهش تنش و جلوگیری از برخورد و مناقشه در بخش بزرگی از کره زمین کمک خواهد کرد پایه و اساس ابتکار جمهوری توده ای مغولستان را تشکیل میدهد .

بعقیده مادر قرن هسته ای غیر از دیالوگ راحل معقول دیگری وجود ندارد . اختلاف درسیستم اجتماعی - سیاسی کشورها و درجه پیشرفت اقتصادی آنها ویا تفاوت در معتقدات سیاسی و مذهبی خلقها نباید مانع از انجام مذاکرات مسالمت آمیز باشد . توجه و مراقبت در حفظ صلح و تامین امنیت جمعی و وظیفه تمام مردم روی زمین است .

این ابتکار کشورها هم اکنون مورد پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی برادر مردم صلحدوست جهان قرار گرفته است . در بسیاری از کشورهای آسیا هم توجه مردم را بخود جلب کرده است . ما یقین داریم که امضای چنین قراردادی پاسخگوی منافع حیاتی تمام خلقهاست . این جزء تفکیک ناپذیر اینتکارات صلح اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی است که هدف از آنها بر طرف ساختن خطر جنگ میباشد .

حزب ما ، هنگام تعیین مسائل سیاست خارجی خویش و اقدام برای حل و فصل آنها بدین متکی است که پیروان انقلابی آزاد بیخش گرایش تعیین کننده در اوضاع سیاسی کنونی در آسیا است . بهمین سبب هم جمهوری توده ای مغولستان خواستار گسترش همه جانبه روابط کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی با کشورهای آزاد شده و جنبش آزاد بیخش ملی و غنای مضمون سیاسی این روابط است . مبارزه در راه صلح ، استقلال ملی و ترقی اجتماعی و پیکار علیه امپریالیسم ، هژمونیسیم ، استعمار و نواستعمار اساسی فعالیتها و اقدامات مشترک است .

گسترش جنبش وسیع مجامع مترقی و صلحدوست قاره اینک بویژه در دستور روز قرار میگیرد . هیچد همین کنگره حزب توده انقلابی مغولستان باید برش اهمیت قدر اول دست یافتن بدین هدفها از اندیشه انجام دیدار نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری آسیا بمنظور تبادل نظر در باره مسائل تامین صلح و ثبات در قاره پشتیبانی کرد .

حزب توده انقلابی مغولستان و دولت جمهوری توده ای مغولستان در آئینده هم برای انجام کمک موثر به گسترش و استحکام جبهه مبارزه در راه صلح در آسیا و علیه دشمن مشترک امپریالیسم و هژمونیسیم از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد .

يك كلاغ چهل كلاغ

بطوریکه میدانیم ثوری دروغ بزرگ را سردسته تبلیغات نازیها گویلزاها را که خود قرارداد او میگفت، برای اینکه مردم بدروغ پاورکنند باید آنرا بقدر امکان هر چه بیشتر تکرار کرد. دولت ریگان کسه هیچ چیز از درس عبرت شکست ننکین چنایتکاران هیتلری، این متخصصین دروغهای بزرگ نیاموخته و شکستهای پرسرو صدای اسلاف خود را از ترومن و دالس گرفته تا کارتر بدست فراموشی سپرده است، برای احیای کالبد بیجان افسانه "خطر شوروی" جزوهای بنام "قدرت نظامی شوروی" منتشر کرده است. برای جلب توجه افکار عمومی این جزوه را در صفحات "نیویورک تایمز" و "انترنشنل هرالد تریبون" پیش از آنکه کاسپارو این برگزیند قاع ایالات متحده آمریکا آنرا سامع معرفی کند، با شرح وتفصیل تبلیغ کردند. و این برگر شخصاً سرآغازی هم برای این جزوه نگاشته است.

ولی مسئله بر سر مضمون این جزوه نیست: زیرا مضمون آن چیز دیگری نیست غیر از پشت و روشده^۱ دروغهای کهنه و مبتذل که از روی نوشته‌های دیگران کمالا کپیه شده و زیر عنوان "اسناد" انتشار یافته؛^۲ دروغهایی که هم خود و این برگرو هم سایر مبلغینی که در خدمت مجتمع نظامی - صنعتی هستند پساها تکرار کرده‌اند.

مسئله بر سر این است که جزوه چه وقت انتشار یافته است.

این جزوه درست پس از توافقی که میان آ. ترومگو و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی و آ. هیگک وزیر امور خارجه آمریکا در باره زمان آغاز مذاکرات در باره موشکهای هسته‌ای در راه بعمل آمد و در آستانه تصمیم گیری ریگان در باره شروع دوره بیسابقه تازه‌ای در مسابقه تسلیحاتی از زیر چاپ خارج شد. جزوه در لحظه اعتلای بی نظیر تظاهرات توده‌های گسترده در کشورهای اروپای غربی و در خود ایالات متحده آمریکا علیه دور تازه مسابقه تسلیحاتی که از طرف امپریالیستهای آمریکا زگردیده، علیه بمب نوترونی و استقرار آن در اروپای غربی، علیه موشکهای "SS-9" و در راه صلح، کاهش تشنج و خلع سلاح انتشار یافته. این جزوه کوششی برای ندیده گرفتن تمام این فاکت‌های جدی و وارونه جلوه دادن آنها است. انتشار آن صحت سخنان گس هال دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا را در باره این موضوع تأیید

میکند که دولت ریگان در برابر این فاکتها ناچار است مانور نکند . موافقت با مذاکرات با اتحاد شوروی مکر و حیل و تاکتیک مزورانه " موافقت با مذاکره در باره " مذاکرات در مورد مذاکرات " است تا در جریان آن آهنگ عظیم ترین افزایش تسلیحات در تاریخ را تشدید کند .

فهرست دروفها و تحریف حقایق از طرف کاخ سفید بسیار طولانی است و پر مردم جهان روشن است ، لذا این افزایش تصاعدی دروغ پردازی آنها را گمراه نخواهد ساخت . هر کس که بدون پیشداوری قضاوت کند مشاهده خواهد کرد که در جزوه واقعیت آشکاری وارونه جلوه داده شده است و آن اینکه هر نوع سلاحی که اتحاد شوروی دارد فقط برای حفظ موازنه و تعادل ، نظامی ساخته شده است (اندیشه " کاهش تشنج هم ، از جمله بر همین امر متکی است) ، یعنی در مقابل سلاحی ساخته شده است که قبلا ایالات متحده آمریکا در اختیار داشت

جورج کئان سفیر سابق آمریکا در اتحاد شوروی ضمن سخنرانی که پیشا شب تا صبح ۱۴ جایزه صلح انشیتین به وی ابرار کرد گفت : " ما باید بخاطر دشمنان ما که در واقع ما آمریکا می باشیم که در تهیه این سلاح (سلاح امی ج اووست) همواره یک قدم جلوتر بودیم ، همین ما برای اولین بار این سلاح را ساختیم و آزمایش کردیم ، ما برای نخستین بار با ساختن بمب هیدروژنی ، قدرت تخریبی آنرا بسطح تازه ای بالا بردیم ؛ ما موشکهای خود را با چند کلاهک هسته ای مجهز کردیم ؛ ما هربار با پیشنهاد امتناع از اصل " حقد در ریکاردرن آن " مخالفت کردیم ؛ و همین ما گمانه کشی بودیم (خداوند بدان مان برسد) که در حالت صعبانیت از این سلاح علیه ما هزار مردم بی دفاع استفاده کردند . " روزنامه " دموکریسیتر " در تفسیر این سخنران در سرمقاله خود نوشت : " مسابقه تسلیحاتی دیوانگی است ، در این مسابقه هیچکس نمیتواند فربه کند . این مسابقه فقط میتواند کسانی را که روی پرتی جویی هستند نابود کند . مسابقه تسلیحاتی باید متوقف گردد " (۱)

موضعگیری اتحاد شوروی هم درست همین است . این را اتحاد شوروی چند بار هم به روشنی تکرار کرده است و در راپتکارات صلحی هم که در ریاست و ششمین کنگره " حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردید از نو تأکید شد . خواست تمام خلقها و از جمله مردم آمریکا هم در واقع همین است .

ارگانهای جنگ روانی که رهبری آنها را سرما به انحصاری بعهد دارد میتواند با بوق و کرنا در باره " شکل تازه " " خطر شوروی " آنقدر رسو و ارامیند از ند که با اصطلاح نفسشان بند بیاید . ولی سر و صدای دروغ بزرگ قادر نیست ، آوای ملیونها انسانی را که خواستار صلح و خلع سلاح میباشد خاموش کند .

جیمس اووست ،

عضو شورای سیاسی کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

علیه تضییق و فشار و پیگرد

به لجام گسیختگی باید پایان داده شود

از ماهه سال جاری باینطرف در ترکیه موجی از بازداشت نمایندگان نیروهای مترقی و از جمله اعضای حزب کمونیست ترکیه و طرفداران آن بپا خاسته است. اخبار و اطلاعات مربوط به این بازداشت‌ها در صفحات روزنامه‌های معتبر یورژوانی چاپ و منتشر شده است. طبق اخبار مندرج در این روزنامه‌ها در نتیجه یک سلسله عملیات پلیس تحت عنوان "چراغ قرمز" از ۱۴۰۰ تا ۲۰۰ نفر بازداشت شده‌اند. دولت نظامیان نیز بازداشت‌ها را رسماً اعلام کرد. طبق آمارهای که از طرف این منابع انتشار یافته در آذر ۱۷۲ نفر، در قوجا علی ۲۵۴ نفر، در استانبول ۳۴ نفر، در آنکارا ۲۰۶ نفر و در آنتالیا و مالیک سیر ۴۶ تن از اعضای حزب ما بازداشت شده‌اند.

اخبار هر چه بیشتری از شکنجه در زندان‌ها به بیرون در می‌آید. در ۱۴ مورد شورای امنیت ملی هم مجبور شد به این واقعیت اعتراف کند. احمد حلمی فیضی اوغلی، حقوقدان جوان سندیکی کارگران صنایع فلز و آزمایشگران فعال در راه صلح نیز از کسانی است که در زندان در زیر شکنجه به هلاکت رسیده است. صد هانفرا زندانیان فقط طی ماه‌های اخیر مجبور شده‌اند "اعترافات" و شهادت‌نامه‌ها را امضاء کنند که انتساب آنها را به حزب کمونیست ترکیه که اکنون ۵۹ سال است قدغن گردیده "تایید میکند".

کنفدراسیون سندیکاهای کارگری انقلابی هم که بیش از نیم میلیون نفر عضو اردو قدغن شده است. اینک رهبران این کنفدراسیون هم به مجازات‌های تهرید میگردند. اعضای اداره اتحادیه مرکزی تعاونی‌های کشاورزان را فقط بدین بهانه که نمایندگانی از ۳۸۰ تعاونی میباشند که بیش از ۵ میلیون و پانصد هزار نفر را در خود متحد ساخته‌اند محاکمه میکنند و دولت در نظر دارد آنها را به مدت هشت تا ۱۵ سال زندانی کند. در محاکمه ۶۴ تن از رهبران اتحادیه معلمان که تقریباً بیست هزار نفر عضو دارد، دادستانی ارتش خواستار مجازاتی به مدت ۵ تا ۲۰ سال زندان برای آنها گردیده است، آنها فقط باین سبب که آنها خواستار حقوق سندیکایی برای معلمان شده‌اند.

در دادگاه دیگری در استانبول ده تن از اعضای اتحادیه مرفقی جوانان به زندانی شدن بمدت تا سی و شش سال هم تهدید شده اند ، "جرمشان " هم فقط این است که منتصب بدان سازمان میباشند .

پنجاه وهشت لایحه قانونی اعمال فشاری که بسیاری از حقوق و آزادیهای اساسی راملفی میکنند یا بمرحله اجراء آمده و یا در دست تهیه است . از رجال مشهوری مانند بهیجه بُران صد ر حزب کارگری ترکیه سلب تابعیت شده است . بیش از ۱۰۰ روزنامه ومجله توقیف گردیده است . شورای امنیت ملی روز سالگرد کودتای نظامی اطلاع داد که طی یکسال ده نفر اعدام شد مانند و ۴۵۹ نفر در جریان برخورد مسلحانه بانبروهای امنیتی بهلاکت رسیده اند و ۷۶۶ نفر از طرف پلیس بازداشت گردیده اند که ۳۶۵ نفرشان روانه زندان شده اند . ولی طبق آمار مطبوعات بورژوازی تعداد بازداشت شدگان صد وچهل هزار نفر است که پنجاه هزار نفرشان زندانی شده اند .

همبستگی بین المللی میتواند در این امر که بمتضییق وفشار علیه نیروهای دموکراتیک ترکیه پایان داده شود نقش مهمی داشته باشد . اعتراضات داخل وخارج علیه این اقدامات دولت را مجبور کرده است زمان مقرر حد فاصل میان بازداشت ومحاكمه یعنی در ورائی راکه زندانی بدون وجود هیچ گفتاری در اختیار جلا دان است از ۹۰ روزه به ۴۵ روزه تقلیل دهد . این موفقیت اولیه ، هر چند هم بزرگ نباشد ، گواه اهمیت چنین مبارزه ای است .

نابود باد شکنجه !

دموکرات های بازداشت شده ترکیه را آزاد کنید !

کمال کروان

نماینده حزب کمونیست ترکیه در مجله

" مسائل صلح وسوسیالیسم "

باید زندگی رفقای ما را از خطر رهانید !

دوازدهم سپتامبر سال جاری خبر رسید که خرابر وکواستاد بیرکنفد راسیون ملی زحمتکشان وعضو کمیته اجرائیه حزب کمونیست اوروگوئه در سن ۶۴ سالگی در زندان " لیبرتاد " درگذشتماست . در تمام مدت زندگی آگاهانه خود رفیق کواستاد لا ورا نه از منافع پرولتاریا دفاع میکرد و بطور فعال در مبارزه برای وحدت سندیکاها اشتراک میورزید . در فوریه سال ۱۹۷۶ کواستارا بزندان رژیم دیکتاتوری افکنده و وحشیانه شکنجه کردند . اما او آرمانهای خود دست برنداشت و به عهد

ووظیفه طبقاتی خویش و مخلق و حزب صادق و وفادار باقی ماند . زندان لطمه شدیدی به متند رستی او وارد کرد . دولت برای شنیدن هشدارهایی که دربارهٔ در خطر بودن زندگی کواستاداده میشد گوش شنوان داشت و به خواست های افکار عمومی بین المللی برای آزادی وی سعی نمیکند داشت . اینک باید مرگ میهن پرست دیگری را بحساب دیکتاتورهای اوروگوئه نوشت . چنیسن سرنوشتی در انتظار بسیاری از دیگر رهبران سیاسی و سندیکائی مانند آلبرتو آلتسور (که به بیماری شدید قلبی مبتلاست) ، رُساریو پترا درویو ، اکتور رودریگس (که در وضع مزاجی و خبیثی است) ، ژنرال لیبر مرن ای ، هایمه پرس ، خوسه لویس ماسرو و صد ها زندانی دیگر است . کمونیست های اوروگوئه از مرد مخیر خواه و نیک اندیش می خواهند همبستگی خود را با میهن پرستان اوروگوئه ابراز دارند و با صدای رسا آزادی فوری آنان را خواستار شوند .

مانوئل پرس

عضو رهبری حزب کمونیست اوروگوئه

به ترور در کلمبیا خاتمه دهید!

حزب کمونیست کلمبیا و سایر سازمانهای دموکراتیک کشور اسامی زندانیان و کسانی را که مورد شکنجه قرار گرفته اند و همچنین اطلاعاتی درباره قتلها و بیرون مین پستان بدست ارگانهای مامور سرکوی دولت کلمبیا و شبه نظامیان که در کف حمایت آن قرار دارند منتشر ساخته اند.

فقط در فاصله زمانی از ژانویه تا آخر سپتامبر سال جاری (۱۹۸۱) پلیس بیش از ۱۶۰ بار به نقاط مختلف برای دستگیری افراد متهم به فعالیتهای سیاسی حمله کرده و ۱۰۶۳ نفر را بازداشت و زندانی کرده است؛ در همین مدت پلیس ۲۴۲ نفر را شکنجه کرده و ۱۴۲ نفر را بقتل رسانده است، ۵۳ نفر مفقود الاثر هستند و ۱۵ نفر مجروح شده اند به کشورهای خارجی پناهنده شوند. پس از اعتصاب عمومی ۲۱ اکتبر ۱۹۸۱ د. و هزار نفر از شرکت کنندگان در آن رازندانی کردند و در ضمن ۲۰ نفر از آنها را به دادگاههای نظامی برده اند. در پروآرانگو عضو شورای شهرداری شهر پوئرو-بریسو در شمار کسانی است که در اثر شکنجه بقتل رسیده است. آولینوتول رهبر جنبش کسب حقوق سرخ پوستان هم بوسیله دستهای اشرار قاشیست بهلاکت رسید.

تشدید تضیق و فشار را هئیت حاکمه بدان سبب لازم شمرد که بکمک آن بتواند صدای توده های زحمتکشی را در گلو خفه کند که علیه گرانی قیمت کالاها و مصرفی ضروری و مشی ارتجاعی دولت طرفداری آشکار آن از امپریالیستها اعتراض میکنند. طرفداران مدل "دموکراسی محدود" که در کلمبیا برقرار است، هر اقدام سازمانهای سیاسی و اجتماعی را که در جهت برآوردن خواستههای عادلانه مردم انجام میگردد بمنزله "خرابکاری" ارزیابی میکنند. روز بروز دایره کسانی که الیگارش میمورد پشتیبانی امپریالیسم امریکا آنان را در شمار "تروریستها" قلمداد میکند توسعه بیشتری مییابد. اگرچندی پیش الیگارش آتش خود را متوجه حزب کمونیست و نیروهای دموکراتیک فعال دیگر ساخته

بود ، حالا ضربه هسای ارتجاع عملا بر تمام کسانی وارد می‌آید که با سیاست آن موافق نیستند ، حتی اگر افراد محتدلی از حزب حاکم باشند .

رفیق ژیلبرتو ویرا دبیر کل کمیته^۱ مرکزی حزب کمونیست کلمبیا ضمن سخنرانی خود در مجلس نمایندگان که با شرکت وزرائی که در اعمال تضییق و فشار دست دارند تشکیل یافته پسود ماهنیت این اقدامات سرکوب کننده را افشاگرد . فاکتھائی را که او ارائه داد کسی نمیتوانست تکذیب نماید . او تمام نیروهای دموکراتیک رایبه ایجاد وحدت گسترده^۲ نیروهای اپوزیسیون و بسیج توده ها فراخواند تا بتوان دولت را مجبور کرد به بازداشتها و شکنجه^۳ دیگرانند پشان خاتمه دهد .

همبستگی بین المللی تا حال بارها به خلق ما بطور موثر کمک کرده و روحیه^۴ آنرا برای ادامه^۵ مبارزه بالا برده است . امروز هم ، زحمتکشان کلمبیا ، بکمک برادرانه^۶ سایر خلقها خواهند توانست بر کسانی که آنها را استثمار و تحقیر میکنند غلبه نمایند .

رائول وال سو انا

عضو کمیته^۷ مرکزی حزب کمونیست کلمبیا

تبلیغات امپریالیستی، وسیله، مکانیسم و هدف های آن

ایوان نیکولف از بلغارستان مینویسد "ما اغلب در روزنامه‌ها میخوانیم که مخالفان صلح و سوسیالیسم برای بدنام کردن نظام اجتماعی ما و خدشه دار کردن سیاست صلحد و ستانه آن به چهار جیبی متوسل میشوند" داشتن اطلاعات بیشتری درباره آن "مطیخی" که تمام این دروغها را آنجا درست میکنند برای ما جالب میبود.

این قبیل نامه هایکی دتوانیست. مادرزیرد ریا سخبه خواستهای خوانندگان اطلاعات مجملی در این باره بچاپ میرسانیم.

چارلسز سیلی فیلسوف امریکائی در آغاز سالهای ۵۰ یادآور میشد که سرمایه داری معاصر بدون تکنیک تبلیغاتی فوق العاده ماهرانهای "که هدف از آن گمراه ساختن و ترساندن مردم است نمیتوانست پایدار بماند (۱) . ارقام و اطلاعات زیر درباره زرادخانه و وسائل تبلیغاتی آن برای شنوندگان خارجی بر این گواهی میدهد که سرمایه داری در حال حاضر چه مساعی در این رشته بکار میبرد. بیش از ۵ هزار ایستگاه رادیو که در نقاط مختلف جهان مستقر گردیده برنامه های "صدای آمریکا" را که طول مدت انتشار آنها به ۳۸ زبان به ۸۲۲ ساعت در هفته میرسد پخش میکند. شرکت رادیویی بی - بی - سی بریتانیا ۷۱۰ ساعت در هفته به ۳۹ زبان برنامه پخش میکند. ایستگاه رادیویی جمهوری فدرال آلمان "موج آلمان" برنامه شبانه روزی خود را به ۳۴ زبان انتشار میدهد. ایستگاه های رادیویی سیای ایالات متحده امریکایی "آزادی" و "اروپای آزاد" ۱۰۱۲ ساعت در هفته برای کشورهای سوسیالیستی برنامه پخش میکنند.

دایره اصلی تبلیغاتی ایالات متحده امریکایی اداره روابط بین المللی در ۱۲۶ کشور ۲۰۰ شعبه دارد. از طریق شعبات این اداره ۱۲ مجله به ۲۲ زبان منتشر میگردد، سالی ۹۰ فیلم تهیه میشود و برنامه های بسیار زیاد تلویزیونی پخش میگردد. این اداره در حدود ۵ میلیون جلد کتاب

به ۲۵ زبان در کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین انتشار می‌دهد *

آژانس امریکائی آسوشیتد پرس "در خدمت" ده هزار سازمان در خارج از کشور است و روزانه ۱۷ میلیون کلمه اطلاعات در اختیار آنها می‌گذارد * یونایتد پرس انترنشنل به ۷ هزار مشتری خود روزانه در ۹۰ کشور جهان ۱۴ میلیون کلمه اطلاعات می‌دهد * خبرگزاری رویتر انگلستان در ۶۹ کشور شعبه دارد و بولتن آن در ۱۲۸ کشور منتشر می‌شود *

میزان بودجه این سیستم عظیم متناسب با مقیاس آنست * فقط در ایالات متحده امریکا در حدود دو میلیارد و پانصد میلیون دلار سالانه برای هزینه‌های تبلیغاتی اختصاص داده می‌شود * بودجه تبلیغات رادیویی به تنهایی در آنجا ۵۳۰ میلیون دلار است که ۸۷ میلیون دلار آن ویژه رادیوهای "آزادی" و "اروپای آزاد" است و ۴۴۸ میلیون دلار هم به اداره روابط بین المللی اختصاص داده می‌شود که "صدای امریکا" در چارچوب آن فعالیت میکند * بودجه برنامه های بی - بی - سی در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۴۳ میلیون پوند استرلینگ بالغ گردید * بودجه سالانه ایستگاههای رادیویی جمهوری فدرال آلمان "موج آلمان" و "دیوچلاند فونک" به ۲۵۰ میلیون مارک میرسد *

ارقای که ارائه شد فقط تصویر جزئی از مقیاس و دامنه تبلیغات امپریالیستی را نشان می‌دهد که وسیله سیستم بخرنج و چند شاخه پنگاهها، خدمات و سازمانهای خصوصی، اداری، دولتی و مشترک میان دولتها "تولید" و پخش می‌شود *

درزرادخانه امپریالیستی "جنگ روانی" بزرگترین قدرت متعلق به ایالات متحده امریکا است * وظائف تبلیغاتی در اینجا علاوه بر اداره روابط بین المللی بعهده تعدادی از مؤسسات دولتی، ازوزارت امورخارج گرفته تا وزارت بهداشتی گذارده شده است * در عرصه تبلیغات خرابکارانه در کشورهای خارجی نقش فعالی به سیا واگذار گردیده که "روابط پنهانی با ارگانهای وسایل ارتباط جمعی امریکا" (۱) بمقیاس وسیع برقرار کرده است * دوایر تابع این اداره که با جامعه شناسان، روان شناسان و متخصصین استفاده از مطبوعات و رادیو و تلویزیون تکمیل گردیده این یا آن "هدف" ایدئولوژیک را انتخاب میکنند و اقدامات مقتضی را در نظر گرفته و عملی می‌سازند * طبق آمار کمیسیون سنای امریکا سیا بهنگامی که ریاست جمهوری بعهده ترومن بود ۸۱۰۰۰ دلار زمان آیزنهاور ۱۷۰،۰۰۰ کندی ۱۶۳،۰۰۰ و جونسون ۱۴۲،۰۰۰ "جنگ روانی" برآه انداخته است * این قبیل فعالیتها بهمین مقیاس بعدها هم ادامه یافته است *

"استفاده از تبلیغات و سایر اقدامات ایدئولوژیک طبق برنامه معین بخش جدائی ناپذیر

1 - Foreign and Military Intelligence, book 1 Washington, 1976, April 26, pp. 179-203.

ادارات لشکری ایالات متحده آمریکا است (١) . بطور مثال ٣٥٠ ایستگاه رادیو و تلویزیون واز جمله ٣٥ ایستگاه در ٣٠ کشور خارجی به وزارت دفاع آمریکا تعلق دارد . پنتاگون همچنین بیش از ١٤٥٠ روزنامه و مجله دارد .

سود کلان (بیزنس کلان) ایالات متحده آمریکا در تبلیغات خارجی آن نقش روزافزونی ایفا میکند : ٦٧٠٠ ایستگاه رادیویی بازرگانی ، بیش از ٧٠ مرکز تلویزیون ، ١٥٠٠ روزنامه و صد ها نشریه هفتگی و ماهانه در اختیار آن است .

ولی چند جانبه بودن و تنوع خدمات تبلیغاتی آمریکا در این واقعیت تغییری نمیدهد که مجموعه فعالیت آنها عبارت از سیستم واحد و هدفمند سلسله تدابیری است که تابع رهبری مشترک و متورکز^ی است . فرمول بندی هدفهای اساسی تبلیغات و کنترل انجام آن از اختیارات کاخ سفید ، کنگره ، و وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا است . ولی هماهنگ ساختن این تبلیغات با اداره روابط بین المللی است .

صد ها " ترست مغز و تفکر " که از علوم اجتماعی بمنزله " ابزار برای حفظ سیستم درکشور خود و ضد انقلاب در خارج از مرزها " (٢) استفاده میکنند استراتژی و تاکتیک فعالیتهای تبلیغاتی راتحت رهبری مستقیم ارگانهای دولتی کشورهای امپریالیستی تهیه و تدوین مینمایند . بطور مثال در ایالات متحده آمریکا دانشکده روسی ، دانشکده تغییر و تحولات اجتماعی دانشگاه کلمبیا ، مرکز پژوهش روسی و مرکز ویژه مناسبات بین المللی دانشگاه هاروارد ، مرکز ویژه کشورهای اسلاو و ارضای شرقی در دانشگاه کالیفرنیا (دریسر کلی) ، دانشکده پژوهش استراتژی و تبلیغات کمونیستی در لوس آنجلس وابسته به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و نظایر این سازمانها به بررسی مسائل متد ولوژیک و دیگر مسائل تبلیغاتی اشتغال دارند . وظیفه دانشکده هوور " مبارزه علیه ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی و دفاع از شیوه زندگی آمریکائی در مقابل آنست " . دانشکده هود سن و مرکز اطلاعاتی ویژه استراتژی ملی و سایر موضوعات علمی - پژوهشی ایالات متحده آمریکا که بدین یابدان طریق با تبلیغات در ارتباط میباشد نیز دارای هدفهای مشابهی هستند .

در سایر کشورهای سرمایه داری هم از این نوع گروههای پژوهشی زیاد است . در جمهوری فدرال آلمان ، بطور مثال تعداد آنها در حدود ٥٠٠ است . در اینجا دانشکده ویژه بررسی و پژوهش شرق و مناسبات بین المللی در کلن در درجه اول اهمیت قرار دارد . " بنیاد " های خصوصی متحد ، " جمعیت آلمانی سیاست بین المللی " و دانشکده گوته که دارای ١١٦ شعبه در بیش از ٦٠ کشور است نیز نقش

1 - Statut der US-Streitkräfte: FM-33-1 Psychological Operation US Army Doctrine. Washington, 1965, May 18, p.5.

2 - " The Nation " , September 2, 1968.

چشمگیری در تبلیغات ایفا میکنند *

فعالیت این قبیل سازمانها فقط بمقیاس ملی، بلکه بمقیاس بین المللی نیز هم آهنگ میگردد. بطور مثال کمیته بین المللی ویژه پژوهشهای مسائل شوروی و اروپای شرقی وجود دارد که وابسته به دانشگاه گلزنکو (شوتلانند) است و نمایندگان ۱۴ موزه ملی و منطقه‌ای از ایالات متحده امریکا، بریتانیای کبیر، کانادا، ژاپن، هلند، استرالیا، اسرائیل و کشورهای دیگری در آن عضویت دارند.

کشورهای امپریالیستی فعالیت‌های تبلیغاتی خود را بر پایه همکاری و در درجه اول همکاری در چراچوب ناتو پایه گذاری میکنند. مرکز عملیات ایدئولوژیک بلوک خدمات اطلاعاتی است که در ستاد آن در ورا (بروکسل) قرار دارد. این مرکز اطلاعاتی از چند شعبه تشکیل گردیده است مانند مطبوعات، اطلاعات رادیویی بصری، انتشارات و غیره. در اینجا اطلاعات و معلومات مربوط به سیاست کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و کارگری، و جنبش آزاد بیخشم ملی را تجزیه و تحلیل میکنند. بر پایه این تجزیه و تحلیل رهنمودهایی برای دوایر تبلیغاتی ستاد و کشورهای جداگانه عضو بلوک تهیه و تدوین میگردد که حاوی مضمون و جهات فعالیت آنهاست.

در فواصل زمانی معینی در چراچوب ناتو جلسات مشاوره تبلیغاتی، سمینارها و سمپوزیوم‌های سازمان داده میشود که ویژه تهیه و تدوین "استراتژی و تاکتیک مبارزه با کمونیسم است". این قبیل گرد هم آئی‌ها فقط در این اواخر در بلژیک، یونان، کانادا و برخی کشورهای دیگر بوقوع پیوست. موضوع مورد بحث در این جلسات مشورتی خود بخود گویاست: "تأثیر اخبار و اطلاعات در روان انسان"، "استفاده از شیوه‌های روانشناسی بمنظور رساندن اخبار و اطلاعات به اهالی"، "مضمون، قدرت تأثیر و تهیه اخبار و اطلاعات در شرایط جنگ و سایر شرایط زندگی" و مانند اینها.

فعالیت مجموعه حلقه‌های مکاتیب تبلیغاتی امپریالیستی در چند جهت بسط و تکامل مییابد. یکی از آنها راب‌نیتسمعاون سابق وزارت دفاع ایالات متحده که با روشنی کامل بیان کرد: "اوتووراین راکه نظریه کاهش تشنج و خود داری ما را از نگرانی در باره ۱۹ مکان رویاروشی نظامی خلاص خواهد کرد" (۱)

"حماقت" نامید. بدین ترتیب خود اندیشه مربوط به هرگونه محدود ساختن افزایش تسلیحات هر دو طرف. محافل امپریالیستی با برآوردن اختن تبلیغاتی دامنه‌دار در فواصل مختطف زمانی در این فکر هستند که بطور دائمی چنان جوسمیاسی را حفظ کنند که با وجود آن پیشرفت کاهش تشنج در آید غیر ممکن باشد. بدین منظور افسانه "خطر نظامی شوروی" بوسائل مختلف بزرگ‌ویز بزرگتر میشود و مشی سیاست خارجی صلح دستانه کشورهای سوسیالیستی تحریف میگردد.

وظیفه اصلی تبلیغاتی امپریالیستی عبارت است از متزلزل ساختن مواضع سوسیالیسم جهانی و نفوذ در کشورهای سوسیالیستی. بنا به اعتراف ج. هندرسن ایدئولوگ امریکایی تاکتیک ایجاد فساد

در سوسیالیسم "به آرامی ولی بطور مداوم" مضمون و ماهیت تبلیغات غرب را تشکیل میدهد (۱) تجزیه و تحلیل مضمون برنامه های مراکز رادیویی عمده غرب که در اواسط سالهای هفتاد وسیله گروهی از دانشمندان به سرپرستی ج. اولیور (دانشگاه مریلند، آمریکا) انجام گرفت این نظر را تأیید میکند. از این تجزیه و تحلیل چنین برمیآید که بطور مثال بخش اصلی برنامه های ویژه اتحاد شوروی به "نواقص" و "دشواریها" در اتحاد شوروی اختصاص داده شده است و ایستگاههای رادیو هنگامیکه از سیاست شوروی، ساختمان اجتماعی و نهاد های دولتی صحبت میشود فقط به ارزیابیهای منفی اتکا میکنند (۲). مقصود و مفهوم تبلیغات امپریالیستی در ارتباط با کشورهای سوسیالیستی رایج سری "سمینارهایی" که در سال ۱۹۸۱ در واشنگتن برگزار گردید بروشنی آشکار میسازد. بطور مثال در یکی از این سمینار ها به خبرنگاران و مفسرین روزنامه ها و رادیو و تلویزیون آمریکا توصیه شد که نتایج برنامه پنج ساله گذشته شوروی و شیوه های "پیش بینی نمودن" پیشرفت اقتصادی آتی اتحاد شوروی را با تحریف تفسیر کنند. در سمینار دیگری که به "مسائل ارهای شرقی" اختصاص داده شده بود، برگزار کنندگان سمینار خواستار آن شدند که به آماده ساختن شرایط برای ایجاد "تخخیر و تحول تدریجی" در کشورها سوسیالیستی در جهت احیای سرمایه داری کمک کنند.

مراکز تبلیغات امپریالیسم با تلاش برای اینکه هدفهای آموزش مارکسیستی - لنینیستی و سیاست کمونیستهای جهان را تحریف کنند و مانع از آن گردند که دسته های تازه ای از زحمتکشان بزیر پرچم آنان در آیند علیه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری به مبارزه ای مداوم و شدید ادامه میدهند. طبق یکی از رهنمود های شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا جهات اصلی فعالیتهای تخریبی علیه کمونیسم جهانی بشرح زیر است: ۱ - استفاده از دشواریهای کمونیسم جهانی و ایجاد دشواریهای صنعتی برای آن؛ ۲ - بی اعتبار ساختن جنبش جهانی کمونیستی و کمک به کاهش نفوذ آن، متزلزل ساختن نیروی احزاب و سازمانهای کمونیستی؛ ۳ - کاهش میزان انتشار ایدئولوژی کمونیستی در تمام مناطق جهان (۳).

امپریالیسم هر چه شدیدتر از وسائل تبلیغاتی خود برای کاستن از ارجح و اعتبار جنبش آزاد بیخشم ملی در کشورهای آسیا، آفریقا و امریکا لاتین استفاده میکند. تیزی را تبلیغ و

- 1 - J. Henderson. The United States Information Agency. New York, 1969.
- 2 - J. Oliver. A Comparison of four Western Russian-Language Broadcasters. - "Journalism Quarterly", Spring 1977, pp. 126-134.
- 3 - Foreign and Military Intelligence, book 1. pp. 179-205.

باشکال مختلف بزرگ جلوه میدهند که طبق آن پروسه آزادی خلقها از استعمار و " قیومست " امپریالیستی مظهر " تروریسم بین المللی " است . دستکاههای تبلیغاتی کشورهای امپریالیستی در مبارزه با رژیمهای مترقی در کشورهای در حال رشد به شیوه های مداخله مستقیم نیز متوسل میشوند . بطور مثال ایجاد ایستگاه رادیوی مخفی در افغانستان بمنظور تاثیر ایدئولوژیک در اهالی این کشور ، تثبیت موقعیت ضد انقلاب افغانستان و تحریف سیاست اتحاد شوروی در رساندن کمک به مردم افغانستان طرح ریزی میشود .

" جنگ روانی " گسترده ای که محافل امپریالیستی با استفاده از زرادخانه عظیم وسائل تبلیغاتی علیه نیروهای صلح و سوسیالیسم ، علیه جنبش آزاد بیدار ملی آغاز کرده اند البته قادر نیست جریان قانونمند پیشرفت تاریخی را تغییر دهد . ولی با تاثیر در شکل گرفتن افکار عمومی بویژه در بخش غیر سوسیالیستی جهان ، در جهتی که مطلوب ارتجاع جهانی است ، این تبلیغات میتواند ، جو سیاسی را نامساعد سازد و برای عملیات تجاوزکارانه و تخریبی امپریالیسم زمینه فراهم آورد . ضرورت افشای تحریفها و اباطیلی که محصول کارخانه های تهمت و افترای امپریالیستی است نیز از همینجانشی میشود .

ه . پورست

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل ثنوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه ثنوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۸۱ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 11, 12 1981

۱



انتشارات حزب توده ایران